



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پندرہواں
جلد

۴



عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی

رضا حسینی بنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی

نویسنده:

رضا رمضان نرگسی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	دبیاجه
۱۴	پیشگفتار
۱۶	فصل اول: کلیات
۱۶	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۷	پرسش های پژوهش
۱۷	فرضیه پژوهش
۱۸	پیشینه پژوهش
۱۸	اهداف پژوهش
۱۹	روش پژوهش
۲۰	مفهوم شناسی
۲۰	۱. وفاق اجتماعی
۲۱	۲. وجدان جمعی
۲۵	فصل دوم: مفاهیم پیوند یافته با وفاق اجتماعی
۲۵	اشاره
۲۵	۱. نقش دین در وفاق اجتماعی
۳۰	۲. نقش ارزش ها در وفاق اجتماعی
۳۳	۳. نقش فرهنگ در وفاق اجتماعی
۳۵	۴. نقش احساسات ملی و پیوند های نژادی و خویشاوندی در وفاق اجتماعی
۳۵	اشاره
۳۵	الف) وفاق بر اثر نزدیکی در مکان و محل زندگی

۳۶	(ب) وفاق بر اثر پیوندهای ملی، قومی و خویشاوندی
۳۹	۵. نقش (محبت) در وفاق اجتماعی
۴۱	۶. نقش عدالت در وفاق اجتماعی
۴۳	فصل سوم: وفاق اجتماعی در اسلام
۴۳	اشاره
۴۶	۱. رابطه فرد و جامعه
۴۹	۲. روابط میان افراد
۴۹	اشاره
۵۰	الف) معاشرت مؤمنان با یکدیگر
۵۲	(ب) طبقه بندی مؤمنان در معاشرت با یکدیگر
۵۴	(ج) وظایف مؤمنان در معاشرت با یکدیگر
۶۰	(د) تعاون و همکاری اجتماعی
۷۴	۳. روابط گروه های اجتماعی
۷۴	اشاره
۷۴	الف) روابط مؤمنان با مؤمنان و کافران
۷۸	(ب) روابط مردم با حکومت اسلامی
۸۴	فصل چهارم: وفاق اجتماعی در جامعه ایران
۸۴	اشاره
۸۵	عوامل وفاق اجتماعی ایرانیان
۸۹	تشیع، قویترین عامل وفاق اجتماعی در جامعه ایران
۹۵	نقش تشیع در هویت تاریخی ملت ایران
۹۵	اشاره
۹۵	الف) تأیید مسئولان سیاسی جامعه به وسیله علما و مراجع تقلید
۱۰۲	(ب) احترام مسئولان حکومت به علما و حمایت از آنان
۱۰۶	(ج) دین داری حاکمان و جلوگیری از منکرات
۱۱۰	(د) نقش علما در قالب ولایت فقیه در وفاق اجتماعی

۱۲۲	فصل پنجم: همراه با برنامه سازان
۱۲۲	نقش رسانه در زمینه وفاق اجتماعی
۱۲۴	نقد و عملکرد رسانه در زمینه وفاق اجتماعی
۱۲۵	پیشنهادهای کلان
۱۲۶	پرسش‌های مردمی
۱۲۷	پرسش‌های کارشناسی
۱۲۹	کتاب نامه
۱۳۹	درباره مرکز

عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی / رضا رمضان نرگسی

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۳۲۰. ویژه اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ ۴

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۰۳۷۱۴

ص: ۱

اشاره

رمضان نرگسی، رضا، ۱۳۴۷

عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی / رضا رمضان نرگسی؛ [برای] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. _ _ (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۳۲۰)

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۰۸۷-۶۱۲۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیا.

کتابنامه: ص. [۱۰۷] _ ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. وفاق اجتماعی _ _ جنبه های مذهبی _ _ اسلام. ۲. اسلام و اجتماع. ۳. ایران _ _ اوضاع اجتماعی. الف. صدا و سیما
جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. ب. عنوان.

BP۹ع ۲۳۰/۸

۴۸۳/۲۹۷

ص: ۲

عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی

کد: ۱۲۲۰

نویسنده: رضا رمضان نرگسی

تهیه کننده و ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / آذر ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۴۰۰

بهاء: ۱۲۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email:IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ _ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۰۸۷-۶ ۹۷۸ _ ۹۶۴ _ ۵۱۴ _ ۰۸۷ _ ۶

ص: ۳

یکی از مباحث مهم در ساحت علوم اجتماعی و به ویژه در جامعه شناسی دینی، بررسی نقش دین در ایجاد پیوند و وفاق اجتماعی است. اهمیت این مسئله از آن روست که پس از قرون وسطی و رنسانس علمی در مغرب زمین و شکوفایی علم و هجوم همه جانبه بر ضد دین و باورهای دینی، برخی از اندیشمندان تلاش گسترده ای را برای بیرون راندن آن از عرصه زندگی اجتماعی و محدود ساختن آن به حوزه فردی آغاز کردند. اینان می خواستند ثابت کنند که دین در ایجاد وفاق اجتماعی نقش اساسی ندارد.

این در حالی است که آموزه های دینی اسلام بر ایجاد وفاق اجتماعی تأکید دارد و در این راستا همه مسلمانان را «امت واحد» نامیده است. این امر به روشنی دلالت دارد بر این که دین توانایی هدایت انسان ها برای یک هدف واحد را دارد. از این رو می توان گفت که پایدارترین وفاق اجتماعی، توافقی است که مبتنی بر دین و باورهای دینی باشد. البته گفتنی است که جدای از دین، نقش عواملی دیگر مانند، ارزش ها، فرهنگ، زبان، احساسات ملی و پیوندهای نژادی و خویشاوندی را در وفاق اجتماعی نمی توان نادیده گرفت.

پژوهش پیش رو، کوششی است در راستای بررسی عوامل ایجاد پیوند و وفاق اجتماعی به صورت عام و بررسی عوامل مهم وفاق اجتماعی در ایران به صورت خاص. با تشکر و قدردانی از تلاش های علمی نویسنده محترم، جناب آقای رضا رمضان نرگسی در نگارش این اثر، امید است مورد توجه و استفاده اصحاب رسانه ملی قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۶

وفاق اجتماعی و گسست اجتماعی همیشه از دغدغه های اصلی مصلحان اجتماعی و دل سوزان جامعه بوده است. از این رو، پیامبران، مصلحان و دانشمندان راستین همواره کوشیده اند تا رشته های هم بستگی و وفاق را در جامعه مستحکم سازند. جامعه شناسان نیز به وفاق اجتماعی نظر داشته و اقسام آن را برشمرده اند، ولی از معرفی الگوی مناسب برای وفاق اجتماعی ناتوانند. آنها تنها می توانند هم بستگی های موجود را برشمارند که هر کدام با توجه به شرایط اجتماعی، زمانی و مکانی، دارای کارکرد ویژه ای بوده اند.

آیا می توان بهترین شکل هم بستگی اجتماعی را معرفی کرد؟ هم بستگی اجتماعی در کامل ترین شکل، چه ویژگی هایی دارد؟ آیا شکل جدید هم بستگی اجتماعی، مناسب است؟ چگونه می توان از پی آمد های ناخوشایند وضعیت موجود جلوگیری کرد؟ جامعه شناسان کوشیده اند به برخی از این پرسش ها پاسخ دهند، ولی تجربه نشان داده که تلاش های آنها موفق نبوده است. از نظر فن آوری، جوامع به هم نزدیک تر شده اند، ولی از نظر روانی از هم فاصله گرفته اند و انواع گسست های اجتماعی آشکارا به چشم می آید.

انسان امروز، به دلیل غلبه اندیشه های اومانیستی از تعیین الگوی کاملی برای وفاق و هم بستگی اجتماعی ناتوان است. بشر، خود را از وحی بی نیاز

دانست و کوشید بدون کمک وحی با بهره مندی از استعداد های خدادادی خود بر طبیعت چیره شود، ولی، تنها از درک اینکه چه چیز سبب سعادت و رفاه واقعی انسان ها می شود، ناتوان است. هرچه بشر را بیشتر به خود و انهادند، بیشتر در حیرت و سرگردانی معنوی و روانی فرو رفت. با همه تلاش دانشمندانی چون دورکیم برای معرفی راه کار ایجاد هم بستگی اجتماعی در جوامع مدرن، باز انواع ناهنجاری های اجتماعی رواج یافت.

بنابراین، در رفع این کاستی باید سراغ وحی و منابع تفسیر رفت و آب رفته را به جوی بازگرداند. این پژوهش، تلاشی برای کشف علل و عوامل وفاق و هم بستگی اجتماعی از دیدگاه دین اسلام است تا با بهره مندی از منابع غنی اسلامی بتوانیم جامعه ای بسازیم که در آن، درگیری ها و نابه سامانی اجتماعی کنونی وجود نداشته باشد.

قرآن مجید، تألیف قلوب و وفاق اجتماعی را نعمت بزرگ، برای قوم پیامبر برمی شمارد:

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَّ فَبَيْنَ قُلُوْبِكُمْ فَاصَّبْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا. (آل عمران: ۱۰۳)

نعمت خدا را به یاد آورید آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید. پس میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید.

ما نیز در دهه اول انقلاب اسلامی این موضوع را آشکارا دیده ایم، به گونه ای که با وجود توفان هایی که هرکدام به تنهایی برای نابودی یک جامعه کافی بود، ملت ما در سایه این نعمت بزرگ، به راحتی و در کمال سربلندی بر دشمنانش پیروز شد. با وجود محاصره اقتصادی و بسته شدن راه های فروش نفت، مردم ما نسبت به سال های بعد با مشکلات کمتری روبه رو شدند، ولی گاهی نزاع و کشمکش میان گروه های اجتماعی به اندازه ای افزایش می یابد که کیان و هستی ملت تهدید می شود و دشمن به طمع می افتد.

از این رو، ضروری است با تأکید بر معیارهای قرآنی، به جست و جوی عواملی بپردازیم که زمینه وفاق و هم بستگی اجتماعی ایده آل را فراهم می سازد تا با تقویت این عوامل بتوانیم گامی کوچک در راه تحقق آن برداریم.

پرسش های پژوهش

۱. از نظر اسلام، عوامل اصلی تقویت و تهدید هم بستگی اجتماعی چیست؟

۲. روابط خانوادگی چه اثری بر وفاق اجتماعی دارد؟

۳. نظر اسلام در باره روابط افراد در درون خانواده چیست؟

۴. نظر اسلام در باره روابط گروه های اجتماعی چیست؟

فرضیه پژوهش

ریمون کیوی — بر این باور است که فرضیه با الهام از تفکری تئوریک و بر پایه شناخت مقدماتی پدیده موضوع مطالعه، بیانگر استنباطی مستدل درباره رفتار اشیای واقعی مطالعه شده است. (۱) هر فرضیه دارای دو نکته اساسی است: اول اینکه فرضیه از تفکری تئوریک، الهام می گیرد. دوم اینکه فرضیه بر پایه شناخت مقدماتی پدیده موضوع مطالعه به وجود می آید.

با توجه به این تعریف، فرضیه اصلی این تحقیق را می توان این گونه بیان کرد: فراگیر شدن ارزش های اسلامی با رویکرد شیعی و ارزش های ملی. موافق با اسلام در کشور ما سبب تقویت وفاق اجتماعی خواهد شد. دستوره های اجتماعی اسلام (به ویژه بحث های مربوط به صلح و رحم و حقوق

ص: ۱۰

۱- [۱]. ریمون کیوی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

مسلمانان بر یکدیگر) موجب فراگیر شدن ارزش های اسلامی و در نتیجه، تقویت وفاق اجتماعی می شود. عکس این ماجرا نیز صادق است؛ یعنی هرگاه ارزش های اسلامی با رویکرد شیعی و ارزش های ملی موافق با اسلام در کشور ما به دلیل عواملی (اعم از منابع ارزشی و محیطی بیرونی و درونی) تضعیف شوند، وفاق اجتماعی نیز آسیب خواهد دید.

پیشینه پژوهش

جامعه شناسان درباره هم بستگی اجتماعی بحث های مفصلی را مطرح کرده و در باره عوامل تهدید و تقویت کننده هم بستگی ایرانیان بسیار نوشته اند،^(۱) ولی در زمینه هم بستگی اجتماعی از نظر اسلام، کار چندانی صورت نگرفته است یا دست کم ما به آن دست نیافتیم.

اهداف پژوهش

در این پژوهش درصدد جست و جو و معرفی علمی عوامل تقویت و تهدید وفاق اجتماعی از نظر اسلام و وضعیت وفاق اجتماعی در ایران امروز هستیم. بنابراین، با بهره مندی از احادیث و دیگر منابع دینی همچون تفسیرها، در پی تبیین عوامل وفاق اجتماعی هستیم. این بخش می تواند برای سیاست گذاران و مسئولان فرهنگی و کنترل نظم اجتماعی جامعه راه گشا باشد تا عواملی را بشناسند که هم بستگی اجتماعی را تأمین می کنند و با تأکید بر به کارگیری استراتژی تکثر فرهنگی، با محور قرار دادن ارزش ها، باورها،

ص: ۱۱

۱- [۱]. برای نمونه می توان از کتاب عوامل تقویت و تهدیدگر هم بستگی در ایران از عبدالرسول یعقوبی، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳ نام برد.

هنجارها و احساسات مشترک جامعه و رفع زمینه‌هایی که به گونه‌ای هم بستگی و یک پارچگی جامعه را تهدید می‌کند، به هم بستگی مطلوب دست یابند.

هدف از مطالعه وضعیت وفاق اجتماعی در ایران امروز این است که گروه‌های سیاسی _ اجتماعی موجود در جامعه و حتی صاحبان خرده فرهنگ‌های غیردینی، مرزهای فعالیت خود را بشناسند و بدانند تا چه اندازه می‌توانند بر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگ خود، بدون عنایت به ارزش‌های مشترک جامعه اصرار ورزند.

روش پژوهش

چون هدف این پژوهش، بررسی عوامل تهدیدگر و تقویت‌کننده وفاق اجتماعی از نظر اسلام در ایران است، سطح تحلیل پژوهش، کلان و واحد بررسی آن، جامعه خواهد بود.

متناسب با موضوع این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی _ تحلیلی است.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتاب‌خانه‌ای است که در آن هم از منابع دست اول چون کتاب‌های اربعه و هم از منابع دست دوم استفاده شده است. تنها در موردهایی که با محدودیت روبه‌رو بوده‌ایم، از منابع دست سوم سود جستیم.

بنابراین، تلاش بر این است که با رویکردی جامعه‌شناختی و بهره‌مندی از داده‌های دینی، عوامل وفاق اجتماعی از نظر اسلام را بیان کنیم و بگوییم چه عواملی اعم از ارزشی و اجتماعی سبب می‌شود تا هم بستگی اجتماعی مسلمانان، تهدید یا تقویت شود.

۱. وفاق اجتماعی

مراد ما در این پژوهش از وفاق اجتماعی همان هم بستگی اجتماعی است که معادل آن در زبان لاتین Social Solidarity بوده (۱) و به معنای وحدت، (۲) وفاق (۳) و وفاداری (۴) ناشی از علائق، احساسات و هم دلی است. (۵) برخی بر این باورند که واژه وفاق اجتماعی با واژه پیوستگی اجتماعی، (۶) مترادف است (۷) و با واژه های دیگری چون یک پارچگی اجتماعی، (۸) وحدت و نظم اجتماعی، (۹) هم خانواده است. با وجود قرابت معنایی، هر یک دارای حوزه معنایی خاص و از نظر منطقی مرتبط با یکدیگرند. به دست آوردن معانی دقیق این مفاهیم و ارائه تعریف های روشن از همه این واژه ها، در این مختصر نمی گنجد. بنابر این، به تعریف واژه وفاق اجتماعی بسنده می کنیم.

— آرن بیرو، وفاق اجتماعی را چنین معنا می کند:

ص: ۱۳

۱- [۱]. آرن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰، چ ۲، ص ۴۰۰.

۲- [۲]. Unity .

۳- [۳]. agreement .

۴- [۴]. Support .

۵- [۵]. A.S Hornby, Oxford advance learner's Dictionary .of solidarity. Fifth edition. . Entry ۱۹۹۸

۶- [۶]. Social Cohesion .

۷- [۷]. B. Bhushan Dictionary of Sociology Reprint ۱۹۹۲, Page ۲۹۹ and Allan G. Johnson [۷] theblackwell Dictionary of Sociology first published ۱۹۹۵, Page ۲۱۷ and Gould And Kolb.

A Dictionary of the Social Science first published in Britania in ۱۹۶۴ Page ۶۸۴

۸- [۸]. Social Integration .

۹- [۹]. Social order .

احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین وفاق می تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان ها به طور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد. (۱)

— جولیس گولد— و —ویلیام ل. کولب—، واژه وفاق (۲) اجتماعی را مترادف انسجام (۳) اجتماعی دانسته اند و آن را این گونه تعریف می کنند:

وفاق اجتماعی به معنای صف بندی نزدیک (۴) اجزای یک جمع، در راستای اصطلاح رایج تر یک پارچگی (۵) به کار می رود. جامعه شناسان از این مفهوم برای نشان دادن کیفیت یگانگی (۶) در یک جمع استفاده کرده اند. (۷)

برخی وفاق اجتماعی را چنین معنا می کنند: «علقه و پیوند میان افراد جامعه بر مبنای فرهنگ مشترکشان که در یک میدان تعاملی، موجب عواطف و احساسات است».

با نگاهی به این تعریف ها درمی یابیم که وفاق اجتماعی عبارت است از: «توافق با افرادی که در یک نظام اجتماعی همکاری می کنند و به دلیل هنجارها، ارزش ها، باورها و ساختارهای آن، احساس نزدیکی دارند و به حمایت آن وابسته اند».

۲. وجدان جمعی

برخی جامعه شناسان، وجدان جمعی را به معنای داوری جمعی دانسته اند که از مجموعه باورها، نگرش ها و احساسات مشترک در میانگین افراد یک جامعه، واحد دستگاه معینی را تشکیل می دهد که حیات خاص خود را دارد. این دستگاه را می توان وجدان جمعی یا عمومی نامید. البته این دستگاه بر

ص: ۱۴

۱- [۱]. فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۰۰.

۲- [۲]. Solidarity.

۳- [۳]. Cohesion.

۴- [۴]. Close Akignment.

۵- [۵]. Integration.

۶- [۶]. Unitry.

۷- [۷]. Gould And Kolb .ibid, p ۶۸۴.

بستر مادی واحدی استوار نیست و اساساً در گستره جامعه پراکنده است.^(۱) وجدان جمعی در برابر وجدان فردی، بیانگر حالت های مشترک جامعه بوده و در اجتماع پراکنده است که با تغییر نسل ها عوض نمی شود، بلکه عامل پیوند نسل های آینده و گذشته است.^(۲)

محورهای اصلی وجدان جمعی

وجدان جمعی بر مبنای چهار عنصر استوار است که عبارتند از: حجم؛ شدت؛ تعین و محتوای مذهبی. باید دانست این عناصرها تغییر می یابند.

حجم، درجه ای است که ارزش ها، باورها و قوانین وجدان جمعی، میان اعضای جامعه تقسیم می شود.^(۳) شدت، گستره ای است که وجدان جمعی قدرتی جهت هدایت افکار و فعالیت های یک فرد دارد.^(۴)

تعین، درجه صراحت اجزای وجدان جمعی و محتوای مربوط به نسبت مذهبی به نمادگرایی کاملاً مادی در وجدان جمعی است.^(۵)

درباره محتوای مذهبی باید گفت وجدان جمعی در دین های گوناگون، متفاوت است. ادیان الهی از زیربنای فلسفی و استدلال های منطقی برخوردارند و دارای وجدان جمعی محکم تری هستند. برخی از ادیان نیز با عقل ناسازگارند و در ذات خود تناقض دارند، مانند مسیحیت یا دین هایی که تنها از عادت ها و سنت ها سرچشمه گرفته اند مثل ادیان ابتدایی که وجدان جمعی سست و شکننده ای دارند.

ص: ۱۵

۱- [۱]. امیل دورکیم، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، بابل، نشر کتاب سرای بابل، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۹۲.

۲- [۲]. همان، ص ۱۱۹.

۳- [۳]. جانانان اچ ترنر، پیدایش نظریه جامعه شناسی، ترجمه: عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، فرهنگ، ۱۳۷۱، چ ۱، ج ۲، ص ۹۳.

۴- [۴]. همان.

۵- [۵]. همان.

وفاق اجتماعی با توجه به نظم اجتماعی شکل می گیرد. هرگاه نظم اجتماعی، بیرونی یا نظم سیاسی باشد، وفاق اجتماعی شکل گرفته در این نوع نظم اجتماعی، غیرطبیعی و تصنعی است و هرگاه نظم اجتماعی، درونی باشد، نظم اجتماعی وفاقی یا طبیعی شکل می گیرد.

در وفاق اجتماعی غیرطبیعی، نظم اجتماعی بیرونی و از بالا و با پشتوانه قدرت مستقر می شود. اعضای جامعه در این نظم، با توجه به منافع خود به سازگاری بیرونی تن می دهند. در چنین نظمی، وفاق اجتماعی بسیار ضعیف و شکننده است. به طریق اولی، در این نوع وفاق، اعتماد اجتماعی متقابل و تعهد درونی و وابستگی عاطفی تعمیم یافته، ضعیف است یا وجود ندارد. در این نوع جوامع، پی آمدها و تداوم نظم سیاسی بالقوه، شکننده و محدود است. از یک سو، در برابر دگرگونی های اقتصادی و سیاسی خارجی، آسیب پذیر است و از سوی دیگر، پیرو تغییر منافع سیاسی و اقتصادی داخلی است. در جوامعی که وفاق اجتماعی پیرو نظم سیاسی و بیرونی است، همواره نظم سیاسی با نوعی نامشروع بودن مزمن و هرج و مرج و گاه تناقض در هویت جمعی روبه روست.

بهترین نوع وفاق اجتماعی، وفاق متکی بر نظم درونی است. این نوع وفاق اجتماعی از موهبت اعتماد اجتماعی دوجانبه، تعهد درونی تعمیم یافته، نوعی همدلی ملی و ثبات، بهره مند است. بیشتر سازگاری اجتماعی از نوع

سازگاری درونی است. در این صورت، اعضای جامعه به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف، وظیفه شان را انجام می دهند.^(۱)

ص: ۱۷

۱- [۱]. مسعود چلبی، وفاق اجتماعی، ص ۱۹.

پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است به برخی مباحث نظری، همانند نقش دین، فرهنگ، احساسات ملی، قومی و قبیله ای و همچنین نقش محبت و عدالت در وفاق اجتماعی پرداخته شود.

۱. نقش دین در وفاق اجتماعی

در دو قرن اخیر، در پی هجوم همه جانبه علیه دین و باور های دینی و تلاش برخی دانشمندان غرب در بیرون راندن آن از صحنه زندگی اجتماعی و محدود کردن آن به دایره زندگی خصوصی و فردی، بسیاری از جامعه شناسان لازم دیدند تا همانند دیگران به دین جنبه فردی دهند و آن را از صحنه اجتماع خارج سازند. بنابراین، لازم بود ثابت کنند دین در وفاق اجتماعی نقش اساسی ندارد.

_ آگوست کنت_ که او را بنیان گذار جامعه شناسی امروزی می دانند، کوشید دین داری را موجب عقب ماندگی جوامع معرفی کند. با این حال چون در پی حذف دین، با بن بست های بسیاری روبه رو شد، مجبور گشت دین جدیدی

به نام «دین انسانیت» را بنیان نهاد و خود را پیامبر بنامد و معبدی نیز بسازد.^(۱) او پی برد که دین، وحدت بخش و قوام بخش ارزش ها و هنجارهای مشترک است؛ زیرا در غیر این صورت، خواسته های فردی سبب از هم گسیختگی خواهد شد. «دین به انسان ها اجازه می دهد تا بر امیال خود خواهانه فایق آیند و به خاطر عشق به هم نوعان خود، فراتر از این خودپرستی ها عمل کنند. دین همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می دهد. دین، سنگ بنای سامان اجتماعی است و برای مشروع ساختن فرمان های حکومت، اجتناب ناپذیر است. هیچ قدرت دنیوی نیست که بدون پشتیبانی یک قدرت معنوی دوام آورد.»^(۲) سرانجام آگوست کنت مجبور شد به نقش محوری دین در زمینه وفاق اجتماعی اعتراف کند.

پس از آگوست کنت، دورکیم، مشهورترین جامعه شناس غربی بود که نتوانست نقش دین را در وفاق اجتماعی انکار کند. او کوشید از راه دیگری، دین را از متن اجتماع خارج سازد. پس وفاق اجتماعی را به دو وفاق اجتماعی مکانیکی و وفاق اجتماعی اندام وار (ارگانیکی) تقسیم کرد. وی بر این باور بود که نوعی وفاق اجتماعی وجود دارد که در برخی حالت های مشترک در وجدان تمامی اعضای یک جامعه ریشه دارد.^(۳) هر قدر مجموعه ارزش ها، باورها و احساسات مشترک افراد جامعه یا وجدان جمعی آنان از عمق، گستره، صراحت و محتوای مذهبی بیشتری برخوردار باشد، هم بستگی در آن جامعه نیز بیشتر خواهد بود. او این نوع وفاق اجتماعی را هم بستگی مکانیکی نامید^(۴) و کوشید ثابت کند که این نوع وفاق اجتماعی برای گذشته

ص: ۱۹

-
- ۱- [۱]. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۸، ۱۳۷۷، قم، ج ۱، ص ۵۰.
 - ۲- [۲]. لویس کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸، چ ۱، ص ۳۴.
 - ۳- [۳]. درباره تقسیم کار اجتماعی، ص ۱۲۲.
 - ۴- [۴]. همان، ص ۱۴۴.

جوامع سنتی است. وی وفاق اجتماعی ناشی از تقسیم کار را نوع غالب وفاق اجتماعی در جوامع مدرن برشمرد و آن را هم بستگی _ آلی _ یا _ اندام وار _ (ارگانیکی) نام نهاد. (۱)

دورکیم پس از ناکارآمد معرفی کردن نهاد دین، اتحادیه های صنفی را کارآمدترین ابزار برای ایجاد هم بستگی میان افراد جامعه معرفی می کند. (۲) اعتراف دورکیم به ضرورت چیزی معادل وجدان جمعی؛ یعنی باورها، ارزش های مشترک همگانی، عنصر اخلاقی یا محور غیرقراردادی در جوامع ارگانیک، (۳) مؤید این واقعیت است که او با در نظر نگرفتن دین در جوامع مدرن، به بن بست رسیده و روشن است که باورها و ارزش ها در جوامع مدرن نیز در کنار تقسیم کار می تواند در ایجاد هم بستگی اثر گذار باشد. از نظر دورکیم، ضرورت وجدان جمعی در جوامع مدرن به اندازه ای است که اگر گستره آن به حد افراط تنگ شود، جامعه به خطر می افتد. (۴) بنابراین، در جوامع مدرن نیز همانند جوامع سنتی، چیزی معادل وجدان جمعی؛ یعنی باورها و ارزش های مشترک وجود دارد که در صورت تضعیف آنها، نابه سامانی و امور بیمارگونه بروز خواهد کرد و جامعه به خطر می افتد. (۵)

برخی جامعه شناسان، پس از دورکیم معتقدند با آنکه بشر امروزی از دین _ به معنای سنتی خود _ روی گردان شده، ولی به یک آگاهی گروهی و مشترک رسیده که دارای ارزش ها و هنجارهای ویژه ای است. به عبارت دیگر، آنچه تغییر کرده، عنوان دین است، ولی اگر دین؛ یعنی وجدان جمعی به معنای

ص: ۲۰

-
- ۱- [۱]. همان، ص ۱۴۵.
 - ۲- [۲]. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ص ۳۳.
 - ۳- [۳]. پیدایش نظریه جامعه شناسی، ج ۲، ص ۳۹۱.
 - ۴- [۴]. ریمون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۲، ص ۳۵۷.
 - ۵- [۵]. همان.

عام خود را حذف کنیم، جامعه دچار بحران و آنومی خواهد شد. از این رو، امروزه در غرب، نهادهای سنتی رو به افول نهاده اند، ولی در عوض اعتقاد به لیبرالیسم، در حال گسترش است. باید توجه داشت که لیبرالیسم، دین جدیدی است که نقش ادیان سنتی را ایفا می کند.

جوامع در حال توسعه، مانند بیشتر کشورهای جهان سوم، وقتی به سرعت به سوی پیدایش ماشین های نیرومند و تمرکز بزرگ نیروها و سرمایه و در نتیجه، تقسیم کار به شکل پیچیده حرکت کنند، آگاهی گروهی و مشترک جامعه، تهدید و سود فردی بر علائق جمعی چیره می شود. از سویی آگاهی و وجدان جمعی جدید (دین جدید) به همان سرعت پدید نمی آید و به عبارت دیگر، ایمان به دین سنتی فرو می ریزد و ایمان به دین جدید هم جای گزین نمی شود. در این میان، وضعیت آنومی و ناهنجاری پدید می آید. آنومی به معنای نبود وفاق اجتماعی در جامعه است که سبب کشمکش اجتماعی و سرگردانی فردی و جنگ برای قدرت و ثروت می شود.^(۱)

تا اینجا به چکیده ای از نظر اندیشمندان و جامعه شناسان مغرب زمین درباره نقش دین در وفاق اجتماعی اشاره شد. اینک از دید درون دینی، این مسئله را می شکافیم.

نقش دین به ویژه دین اسلام در وفاق اجتماعی به گونه ای است که همه مردمانی را که مسلمانند، «امت اسلام» می نامد و ملت در اصطلاح دین اسلام، به معنای دین و آیین است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ثُمَّ

ص: ۲۱

۱- [۱]. حسین بشیریه، انقلاب و بسیج اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۴۹.

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». (نحل: ۱۲۳) لفظ امت (۱) (پیروان یک پیامبر) به روشنی دلالت بر این دارد که دین می تواند میلیون ها نفر را بر اساس آموزه های الهی، در جهت واحدی هدایت کند، به گونه ای که یک هدف و برنامه داشته باشند. به عبارت دیگر، دین، عمیق ترین، حقیقی ترین و ماندگارترین امری است که می تواند مردمان را به وفاق اجتماعی درونی برساند و این وفاق جمعی درونی، لازمه وفاق اجتماعی بر اساس شاخص های بیرونی است. آیه مبارک «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) شاهدهی است بر این سخن که تغییر اجتماعی، بر تحول انفسی بنا شده است و تا این امر رخ ندهد، وفاق اجتماعی، ممکن نیست. در نیم قرن اخیر نیز، جدایی پاکستان از هند (۱۹۴۷ م.) و تشکیل جمهوری اسلامی پاکستان (۱۹۵۶ م.) و انقلاب اسلامی ایران نشان داد که دین در جهت تکوین امت واحد، در عرض سرزمین، تاریخ، آداب و سنن و زبان مشترک قرار نمی گیرد، بلکه اگر دیگر اشتراک ها در طول دین واحد قرار نگیرند، قدرت و امکان ایجاد یک امت را ندارند. بنابراین، می توان ادعا کرد که تنها توافق اجتماعی ماندگار، توافق اجتماعی مبتنی بر دین است. (۲) حتی تمدن جدید غرب، وام دار دین است. پژوهش های ماکس وبر نشان داد که تمدن امروز غرب، عرصه تعیین خویش را در یک

ص: ۲۲

-
- ۱- [۱]. در منتهی الارب و ناظم الاطباء آمده: امت جماعتی که به سوی ایشان پیغمبری آمده باشد را گویند. در برخی از کتب لغت: گروهی که به پیغمبری ایمان آورده اند، را امت نامند. (لغت نامه دهخدا، به نقل از: فرهنگ فارسی معین).
 - ۲- [۲]. سید مرتضی آوینی، آغازی بر یک پایان، تهران، ساقی، ۱۳۷۸، صص ۵۳ و ۵۴.

وفاق جمعی دینی یافته است. به عبارت دیگر، اگر اصلاحات دینی مسیحیت در اروپای غربی پدید نمی آمد و روحیه سرمایه داری که سرچشمه انقلاب صنعتی است، در اروپای غربی گسترش نمی یافت، تمدن تکنولوژیک غرب نیز شکل نمی گرفت. وی آشکارا می گوید که اگر پروتستانتیسم، قرب به خدا را در هویت دنیایی بشر معنا نمی کرد و همچنان ملازمه قرب به مسیح با رهبانیت حفظ می شد، اروپا امکان رویکرد به روحیه سرمایه داری را نمی یافت.^(۱)

۲. نقش ارزش ها در وفاق اجتماعی

یکی از مباحثی که صاحب نظران علوم اجتماعی روی آن تأکید کرده اند، بحث اثر گذاری ارزش ها در وفاق اجتماعی است. به باور برخی جامعه شناسان، ارزش ها بدون توجه به ریشه آنها، عوامل مستقلی هستند که به سازمان دهی و وحدت یک جامعه شکل می بخشند.^(۲) «ارزش ها، نمادهای تعریف شده ای [هستند] که وقتی مورد پذیرش همه واقع شوند، هم بستگی آگاهانه ای را ایجاد می کنند که وجه مشخصه انسان های به هم پیوسته در یک جمع بهنجار است».^(۳)

ص: ۲۳

۱- [۱]. نک: ماکس وبر، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران، سمت، ۱۳۷۱، صص ۴۲-۸۴ و ۱۳۳-۱۵۷.

۲- [۲]. چالمرز جانسون، تحول انقلابی، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، چ ۱، ص ۳۶.

۳- [۳]. آلون استانفورد کوهن، تئوری های انقلاب، ترجمه: علی رضا طیب، تهران، قومس، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۱۳۰، به نقل از: P.۴۲, ۱۹۶۶, Chalmers Johnson, revolutionary change, P Boston.

شرط پدید آمدن هم بستگی و به سخن دیگر، همکاری و همیاری شهروندان، پیش بینی پذیر بودن رفتار دیگران در موقعیت های گوناگون است. «ارزش ها به افراد کمک می کند تا بدون اینکه نیازی به شناخت انگیزه های شخصی دیگران داشته باشند، واکنش افراد را نسبت به عمل خود پیش بینی کنند».(۱)

یکی دیگر از موردهایی که هم سنگ ارزش ها در وفاق اجتماعی اثر مستقیم دارد، هنجارهاست. البته هنجارها در درجه نازل تری از ارزش ها قرار دارند.(۲) به عبارت دیگر، «نمودهای عملی و تفصیلی، اهدافی هستند که توسط ارزش های جامعه مشخص شده اند».(۳) ویژگی دیگر هنجار آن است که «به ارزش ها جنبه عملی می دهد»(۴) و هنجارها به وسیله ارزش ها مشروعیت می یابند. هنجارها به دلیل ویژگی های یادشده «در سازش میان اجزای متعدد نظام سهم هستند و فعالیت های یک حوزه را با عمل حوزه های دیگر جامعه به هم پیوند می دهند»(۵) ارزش ها و هنجارها و دیگر نمادهای فرهنگی، شرط لازم برای ایجاد هم بستگی اجتماعی هستند، ولی کافی نیستند؛ زیرا افزون بر این، هماهنگی ارزش ها با تقاضاهای محیطی نیز لازم است و «وقتی چنین ارزش هایی قادر به تبیین محیط نباشند، نظام اجتماعی وارد دوره ای از دشواری های بزرگ خواهد شد».(۶)

ص: ۲۴

۱- [۱]. تحول انقلابی ، ص ۳۸.

۲- [۲]. نک: پیترورسلی نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی ، ص ۶۶.

۳- [۳]. همان، ص ۶۷.

۴- [۴]. تئوری های انقلاب ، ص ۱۳۱ .

۵- [۵]. نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی ، صص ۶۷ و ۶۸ .

۶- [۶]. تئوری های انقلاب ، ص ۱۳۲.

با این حال، به باور برخی اندیشمندان، تنها وجود ارزش ها و هنجارها برای ایجاد نظام اجتماعی هم بسته و قابل دوام کفایت نمی کند، بلکه افزون بر اینها تطبیق پذیری و هماهنگی نظام اجتماعی با شرایط محیطی نیز ضرورت دارد. از این رو، خرده نظام سومی به عنوان «ارگانیسم رفتاری» را مطرح می کنند که وظیفه انطباق و تطبیق پذیری نظام اجتماعی با شرایط محیطی را بر عهده دارد. بنابراین، چنانچه محیط تغییر کند و تقاضاهای محیطی جدیدی بیان شود، برای تداوم هم بستگی اجتماعی لازم است ارزش ها نیز تغییر کنند؛ زیرا محیط جدید مستلزم مجموعه جدیدی از ارزش هاست و اگر ارزش ها تعدیل شوند، جامعه به آرامش و هم بستگی اجتماعی دست می یابد. (۱) بنابراین، «تا زمانی که ارزش های یک جامعه و واقعیت های یک محیط با هم سازگار باشند، جامعه از تنش های اجتماعی و ناهنجاری ها برکنار است. همواره جامعه در حالت تعادلی، از درون و بیرون جامعه اثر می پذیرد. این تأثیرها، جامعه را به هماهنگی ساختن روش تقسیم کار با ارزش های خود وادار می کند. چنین جامعه ای می تواند بدون تجربه کردن تنش ها و گسست های اجتماعی، تحت تأثیر، پدیده های جدید و سلیقه های تازه و به طور کلی، تغییر فرهنگی، تحت تأثیر داخل و خارج قرار گیرد.» (۲) پس مهم آن است که هماهنگی و سازگاری میان ارزش ها و محیط حفظ شود، ولی هنگامی که درجه ناسازگاری و ناهماهنگی میان محیط و ارزش ها بیش از اندازه باشد، وضعیتی نامتعادل پدید می آید. وضعیت نامتعادل، نشانه های بسیاری دارد که آنها را برمی شماریم:

الف) افزایش اعتیاد به الکل و زیر پا گذاشتن هنجارهای جنسی، نشانه های روشنی از تشنج اجتماعی هستند.

ص: ۲۵

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. تحول انقلابی، ص ۷۴.

ب) ظهور گروه های عقیدتی جدید برای رویارویی با تنش های اجتماعی، معیار دیگری برای کشف حالت نامتعادل بودن است.

ج) افزایش میزان خودکشی، افزایش محبوبیت ایدئولوژی های گوناگون، افزایش تعداد نیروهای مسلح نسبت به جمعیت غیرنظامی و رابطه محتمل میان میزان جنحه و جنایت از نشانه های ویژه نبود تعادل اجتماعی به شمار می آیند.^(۱)

بنابراین، بقای جوامع، ناشی از وجود الگوهای فرهنگی و نظام هنجاری و ارزشی مشترک است. این نظام اجتماعی با درونی کردن ارزش ها و هنجارها و نیز کنترل اجتماعی، از پدید آمدن تعارض ها و کشمکش ها و با توجه کردن تغییر های محیط (اگر بتوانند توجه کنند) از پدید آمدن آنومی اجتماعی و در نتیجه، تضعیف پایه های حفظ هم بستگی اجتماعی؛ یعنی ارزش ها، ایده ها و هنجارها جلوگیری می کند.

۳. نقش فرهنگ در وفاق اجتماعی

افراد جامعه مانند آجر هایی هستند که در یک ساختمان قرار دارند. آنچه این آجرها را در کنار هم نگه داشته، ملاط است. درباره انسان ها نیز فرهنگ مانند ملاط است. ابونصر فارابی_ اولین کسی بود که نقش محوری فرهنگ را یاد آور شد:

ارتباط و هم بستگی ناشی از تشابه در اخلاق، خوش طبعی و اشتراک در لغت و زبان است و در صورتی گسستگی به وجود می آید که افراد در این امور با یکدیگر تباین داشته باشند.^(۲)

پارسونز_ از دانشمندان غربی نیز بر نقش فرهنگ تأکید کرده و معتقد است:

ص: ۲۶

۱- [۱]. همان، ص ۱۲۶.

۲- [۲]. ابونصر فارابی، کتاب آراء اهل المدینه الفاضله، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۱م، ج ۶، ص ۱۵۵.

این فرهنگ است که از گذر هنجارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و ایدئولوژی‌هایی که به کنشگران اجتماعی پیشنهاد یا تحمیل می‌کند، برایشان انگیزه و آمادگی ذهنی برای کنش را فراهم می‌نماید. (۱)

وی فرهنگ را نیروی مهمی می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. (۲) به عبارت دیگر، فرهنگ، میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند. فرهنگ این خاصیت ویژه را دارد که کم و بیش می‌تواند بخشی از نظام‌های دیگر باشد. بدین سان که فرهنگ در نظام اجتماعی، به صورت هنجارها و ارزش‌ها تجسم می‌یابد و در نظام شخصیتی، ملکه ذهن کنشگران می‌شود. (۳) فرهنگ، نظام‌الگودار و سامان‌مندی است که هدف‌های جهت‌گیری کنشگران، جنبه‌های نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را دربرمی‌گیرد. (۴)

فرهنگ نیز برای تداوم و بقای خود از دو سازوکار بهره می‌گیرد: الف) فرآیند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری از راه آموزش قوانین، مقررات، آیین‌ها و آداب و سنن و نظارت اجتماعی بر حسن اجرای آنها. (۵)

از طریق فرآیند اجتماعی، الگوهای فرهنگی، یعنی ارزش‌ها، باورها، زبان و نمادهای دیگر، در نظام شخصیت درونی می‌شود و «در یک فراگرد اجتماعی شدن موفق، ارزش‌ها و هنجارها، ملکه ذهن می‌شوند و به صورت بخشی از

ص: ۲۷

۱- [۱]. گی‌روشه، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۸۲.

۲- [۲]. جورج ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چ ۲، ص ۱۳۸.

۳- [۳]. همان.

۴- [۴]. همان، ص ۱۳۹.

۵- [۵]. ابوالحسن تنهایی، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، مرنديز، ۱۳۷۱، چ ۱، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.

وجود کنشگران یا وجدان آنها در می آیند. در نتیجه این فراگرد، کنشگران، ضمن دنبال کردن منافعشان به مصالح کل نظام خدمت می کنند»^(۱).

ب) سازوکارهای کنترل اجتماعی، خط دوم دفاع از نظام را تشکیل می دهد. در میان نظام های کنترل اجتماعی، نظامی بهتر است که نظارت اجتماعی در آن، مردمی تر و غیر رسمی تر باشد. بنابراین، زیاده روی در بهره مندی از نظام کنترل اجتماعی رسمی، برای وفاق اجتماعی زیان بار است و جامعه آسیب می بیند. جورج ریترز در این باره، بر این باور است:

نظام اجتماعی انعطاف پذیر از نظام زودرنجی که تاب هیچ گونه کج روی را ندارد، نیرومندتر است. یک نظام اجتماعی باید فرصت های گسترده ای را برای اعضایش فراهم کند تا شخصیت های گوناگون بتوانند بدون تهدید یک پارچگی نظام، ابراز وجود کنند.^(۲)

۴. نقش احساسات ملی و پیوند های نژادی و خویشاوندی در وفاق اجتماعی

اشاره

بر اساس نظر ابن خلدون، پیوندهای قومی در وفاق اجتماعی و صعود و سقوط ملت ها نقش ویژه ای دارد که آنها را برمی شماریم:

الف) وفاق بر اثر نزدیکی در مکان و محل زندگی

در روایت های گوناگون، بر حق همسایه و لزوم حسن سلوک با همسایه اشاره شده است.^(۳) «هم بستگی اجتماعی، با پیوند با همسایگان و ارتباط در سایه اشتراک در منزل و در مرحله بعد، در سایه اشتراک در کوچه و به دنبال آن، اشتراک در کوی و سپس

ص: ۲۸

۱- [۱]. نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ص ۱۳۶.

۲- [۲]. همان، ۱۳۷.

۳- [۳]. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ. ق، ج ۲، ص ۶۶۶، باب حق الجوار.

محلّه به وجود می آید.»(۱) هر قدر همسایگان بیشتر به هم کمک کنند، به همان مقدار هم بستگی و وفاق در آن اجتماع محکم تر است. در اسلام بر لزوم مراعات حق همسایه بسیار تأکید شده است. از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: «خوب همسایه داری، روزی انسان را زیاد می کند.»(۲)

در روایت دیگر از رسول الله(ص) نقل شده است:

هر کس به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد، نباید به همسایه اش آزار برساند.(۳)

و همچنین از امام صادق(ع) و رسول الله(ص) نقل شده است که نیکویی در همسایه داری، عمر را طولانی می کند و سبب آبادانی کشور می شود.(۴) روشن است که یکی از جنبه های آبادانی کشور، وفاق اجتماعی است. از این رو، کشوری که از نظر اجتماعی گسیخته است، نمی تواند آباد باشد.

ب) وفاق بر اثر پیوندهای ملی، قومی و خویشاوندی

ابن خلدون، نام این نوع پیوندها را «عصبیت» می نهد. از نظری، کارکرد پیوندهای خویشاوندی (عصبیت) برای ایجاد هم بستگی چنان با اهمیت است که کارکرد منحصر به فرد آن را هم بستگی اجتماعی می شمارد و فایده ای جز

ص: ۲۹

۱- [۱]. کتاب آراء اهل المدینه الفاضله ، ص ۱۵۶.

۲- [۲]. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: حُسْنُ الْجَوَارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، (کافی، ج ۲، ص ۶۶۶).

۳- [۳]. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: جَاءَتْ فَاطِمَةُ (س) تَشْكُو إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) بَعْضَ أَمْرٍهَا فَأَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) كُرْسِيَةً وَ قَالَ تَعَلَّمِي مَا فِيهَا فَإِذَا فِيهَا مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ، (همان، ص ۶۶۷).

۴- [۴]. عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) حُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الْأَعْمَارِ وَ عِمَارَةُ الدِّيَارِ؛ عَنِ الْحَكَمِ الْخَيْطِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) حُسْنُ الْجَوَارِ يَعْزِمُ الدِّيَارَ وَ يَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حُسْنُ الْجَوَارِ يَعْزِمُ الدِّيَارَ، (همان، ج ۲، ص ۶۶۸)

آن برای پیوندهای خویشاوندی (۱) (عصیت) نمی داند. ابن خلدون در _مقدمه_ چنین می نویسد:

سود خوی. شاوندی فقط همین پیوندی است که صله رحم را ایجاب می کند و سرانجام منشأ یاری گری به یکدیگر و عاطفه و غرور قومی می شود و نباید بیش از این از نسب، انتظار فوایدی داشت... سود آن تنها همین وابستگی و پیوند است. (۲)

به باور ابن خلدون، پیوندهای خویشاوندی و قومی برای دست یافتن به کارکرد هم بستگی در سه سطح عمل می کند:

یک _ سطح فردی_: در این سطح، پیوندهای قومی، ویژگی های نیک را پدید می آورند؛ زیرا یکی از نقش های آن، آراسته بودن به خصلت های نیک است.

دو _ سطح میان فردی (درون گروهی)_: پیوندهای قومی در این سطح سبب دفاع از گروه، و در شرایط بحرانی، سبب تقویت و بقای گروه و گسترش روحیه دلاوری می شود و جلو تسلیم شدن را می گیرد.

سه _ سطح فراگروهی_: در این سطح، در عین حال که پیوندهای قومی، زمینه پیوند عناصر خارج از گروه یا طبقه را فراهم می کند، سازنده دولت نیز هست. برای نمونه، اسلام، عصیت قبیله ای را از سطح قبیله که بر اساس چشم و هم چشمی و حمایت کورکورانه بود، خارج ساخت و بدان شکل و هدفی تازه بخشید. عصیت نو که از پیوند عصیت قومی، دینی و اجتماعی تشکیل می شد، دارای چندین جنبه بود:

ص: ۳۰

۱- [۱]. از آنجایی که مراد ابن خلدون از عصیت چیزی جز پیوندهای خویشاوندی، قبیله ای و قومی از نوع شدید آن نیست؛ بعد از این به جای عصیت از کلمه پیوندهای قومی یا پیوندهای خویشاوندی استفاده خواهد شد.

۲- [۲]. ابن خلدون، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۴۳.

۱. اتحاد خویشاوندان؛

۲. اتحاد مسلمانان؛

۳. عصیبت در خدمت ابلاغ و گسترش مذهب و فرمان های الهی. (۱)

ابن خلدون، خویشاوندی را مهم ترین عامل این نوع پیوندها (عصیبت) می داند و معتقد است:

هرگاه این پیوند و خویشاوندی آشکار باشد، به طبع، چنان که گفتیم، در نهاد وابستگان و نزدیکان، حس غرور قومی را برمی انگیزد. (۲)

امروزه نظریه ابن خلدون درباره عصیبت را می توان به جوامع امروزی در دو سطح تعمیم داد:

الف) در سطح خرد، همانند خانواده، خویشاوندان، همسایگان و محله؛

ب) در سطح کلان، همانند هم بستگی های ملی و دینی.

از اولی برای پیوند اولیه میان افرادی که ارتباطات رودررو با یکدیگر دارند و از دومی در پیوند انسان با سرنوشت کل جهان اسلام (ناظر به سخن پیامبر که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِامْرِئِ مُسْلِمٍ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» می توان سود جست.

دورکیم جزو جامعه شناسانی است که از یک سو بر پیوندهای خویشاوندی تأکید کرده است و از سوی دیگر به نوعی احساسات ملی و میهن دوستی را عاملی برای تقویت حس هم بستگی می داند، با این تفاوت که به احساسات ملی و میهن دوستی با نظر مستقل نمی نگرد، بلکه آن را تابعی از همانندی های افرادی می داند که از اتحاد آنان، جامعه پدید می آید. به نظر او، جامعه ای که به سرزمینی تعلق دارد، برای تحقق بخشیدن به کارکرد بخشی از حیات

ص: ۳۱

۱- [۱]. تقی آزاد ارمکی، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان، تهران، سروش، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۱۰۳.

۲- [۲]. مقدمه، ج ۱، ص ۲۴۳.

روحي خود، همان گونه که مايل است خود را دوست بدارد، به ميهنش نيز علاقه مند است. (۱)

بنابراين، اجتماعاتي که بر مبنای پیوند خویشاوندی بنا شده اند، در برابر بیگانگان شدت عمل بیشتری نشان می دهند، ولی اشکال کار در این است که این نوع جوامع، اجتماعات کوچکی را تشکیل می دهند و جامعه ای که بر مبنای خویشاوندی بنا گذاشته شده باشد، نمی تواند چندان بزرگ باشد؛ زیرا چنین پیوندهایی، در میان افرادی که خویشاوندی آنها به بیش از چهار نسل گذشته برمی گردد، چندان قوی نیست.

۵. نقش (محبت) در وفاق اجتماعی

فارابی_ بر این باور است که احساس به عنوان عامل پیوند اجتماعی نقش اثر گذاری دارد و این احساس، حاصل روابط و تعاملات اجتماعی بر مبنای باور ها، ارزش ها و هنجارهای مشترک اجتماعی است. وی بر عامل پدید آورنده وفاق اجتماعی، محبت و عامل ثبات و پایداری آن و عدالت تأکید می کند. فارابی معتقد است محبت گاهی به طبع است، همانند محبت والدین به فرزند و گاهی به اراده است. منشأ محبت ارادی به امور ارادی است. این امور عبارتند از: اشتراک در فضیلت و دست یابی به منفعت و لذت.

برخی دانشمندان اسلامی معتقدند که در جامعه آرمانی، محبت در درجه اول با اشتراک در فضیلت حاصل می شود و اشتراک در فضیلت، نتیجه باورها و اعمال مشترک است، ولی باورهای مشترک که سزاوار است مردم در آن اشتراک داشته باشند، سه بخش است:

الف) اشتراک در مبدأ؛

ص: ۳۲

ب) اشتراک در منتهی؛

ج) اشتراک عقیده در بین مبدأ و منتهی.

«اشتراک عقیده در مبدأ، اشتراک در امر باری تعالی است و اشتراک عقیده در منتهی، اتفاق نظر در ارتباط با سعادت انسان است و اشتراک عقیده میان مبدأ و منتهی، اشتراک عقیده درباره افعالی است که به واسطه آنها خوش بختی انسان به دست آید. چنانچه اهل مدینه فاضله، در این اندیشه ها هم نظر باشند و این اتفاق نظر با افعالی که به واسطه آنها سعادت به دست می آید، تکمیل شود، محبت پدید خواهد آمد. از سوی دیگر، چون مردم در کنار یکدیگر زندگی می کنند، برخی که نیازمند دیگران هستند، به یکدیگر سود می رسانند. محبت ناشی از منفعت هم به دست خواهد آمد. آنان به دنبال اشتراک در فضیلت و بذل نفعی که به یکدیگر می رسانند، طبعاً از یکدیگر لذت می برند و در پی آن محبت نیز حاصل می شود.» (۱)

— خواجه نصیرالدین طوسی — در کتاب — اخلاق ناصری — می نویسد:

چون ایشان را بالطبع متوجه کمال آفریده اند، پس بالطبع مشتاق آن تألف باشد و اشتیاق به تألف محبت بود. (۲)

به طور کلی، احساسات و عواطف، عاملی برای ایجاد وفاق اجتماعی به شمار می رود و عواطف در جامعه اسلامی، محصول پیوند متقابل اعضای جامعه در سایه ایمان و اعتقاد به خدا و عمل به دستور ها و قوانین دینی است. (۳) بنابراین، می توان ادعا کرد که محبت، مهم ترین عامل برای ایجاد بستر وفاق اجتماعی است.

ص: ۳۳

۱- [۱]. ابونصر فارابی، فصول منترعه، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۸۶ م، چ ۲، صص ۷۰ و ۷۱.

۲- [۲]. نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، ترجمه: مجتبی مینوی و علی رضا حیدری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲، چ ۱، ص ۲۵۸.

۳- [۳]. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۷)، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی — پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، چ ۱، ج ۳، ص ۹۴.

آیاتی در قرآن وجود دارد که به این نظریه اشاره دارد. برای نمونه در قرآن می خوانیم:

وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ _ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ. (انفال: ۶۳)

اگر همه آنچه را در زمین است، هزینه می کردی، نمی توانستی میان دل هاشان الفت ایجاد کنی، ولی خداوند میان آنها الفت داد.

اشاره قرآن به محبت به عنوان مقوله ای احساسی و عاطفی، بسیار اهمیت دارد. بر اساس این دیدگاه، محبت برآمده از اشتراک در باور ها (اشتراک در مبدأ و منتهی) بر پایه عمل به دستور ها و هنجارهای دینی (اشتراک بین مبدأ و منتهی) است و از ارکان اصلی جامعه و از ویژگی های اصلی هم بستگی اجتماعی به شمار می آید. محبت، دوستی و وابستگی های عاطفی بیشترین اثر را در ایجاد هم بستگی اجتماعی، در برابر نظام هنجارها و نظام ارزش ها به همراه دارد، به گونه ای که بدون نوعی وابستگی عاطفی، نظم هنجاری نیز ممکن نخواهد بود، بلکه پایه نظم هنجاری بر اساس احساس تعلق به جمع، دوستی و اعتماد متقابل اجتماعی گذاشته شده است. (۱)

۶. نقش عدالت در وفاق اجتماعی

برخی دانشمندان اسلامی، افزون بر محبت، عدالت را نیز سبب وفاق اجتماعی می دانند. پیش از این گفته شد که فارابی، محبت را عامل ایجاد وفاق اجتماعی و عدالت را عامل ثبات و پایداری آن می داند. خواجه نصیر نیز همانند فارابی معتقد است:

ص: ۳۴

۱- [۱]. مسعود چلبی، جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی، ۱۳۵۷، چ ۱، صص ۹۸-۱۰۱.

محبت موجب به وجود آمدن وفاق اجتماعی طبیعی بوده و برخورداری از وابستگی های عاطفی است که اصلی ترین عنصر از شاخصه های مهم در ایجاد وفاق اجتماعی می باشد. در حالی که عدالت موجب به وجود آمدن وفاق اجتماعی صناعی است و آن را از وابستگی های عاطفی محروم می سازد و به جامعه ای غیرطبیعی مبدل می سازد. (۱)

البته در اجتماعات کوچک، وفاق اجتماعی طبیعی کارآتر است، ولی در اجتماعات بزرگ، وفاق اجتماعی صناعی اثر گذارتر است.

بنابراین، این گروه از عالمان معتقدند که عدالت اجتماعی سبب بقا و پایداری و استمرار وفاق اجتماعی، به ویژه در اجتماعات بزرگ می شود.

ص: ۳۵

دین در ایجاد وفاق اجتماعی، نقش اساسی و مستقیمی دارد. اسلام به عنوان دینی الهی که دارای برنامه های دقیقی برای زندگی انسان است، از این نکته غافل نبوده و به آن توجه کرده است. اگر به چگونگی شکل گیری انقلاب اسلامی ایران بر اساس رهبری امام خمینی (ره) و برپایی جمهوری اسلامی بنگریم، در خواهیم یافت که هیچ امر دیگری نمی توانست به طور طبیعی، مردم را متحد و بزرگ ترین مصداق وفاق اجتماعی در تاریخ معاصر را محقق کند. شاید کسی بگوید وفاقی که در روزهای آغازین انقلاب ایران دیدیم، بر اساس اسلام نبود، بلکه عوامل دیگری همانند دشمنی با نظام شاهنشاهی در آن اثر گذار بود. در پاسخ باید گفت وفاق اجتماعی مردم ایران بر اساس دشمنی با نظام شاهنشاهی شکل نگرفت، اگر چه این دشمنی وجود داشت و سبب گشت

در برابر رژیم شاه بایستند و قدرت اسلام آشکار شود. بنابراین، اگر حضرت امام خمینی (ره) اصراری بر سرنگونی شاه نداشت، انقلاب پیروز نمی شد. (۱)

پرسش دیگری که مطرح می شود، این است: چه چیز در اسلام سبب وفاق می شود. آیا ظاهر دین که همان شریعت باشد یا باطن دین که عبارت از اخلاص و ایمان محض، بدون تقید به شریعت است یا جمع این دو؟

آنچه در اسلام سبب وفاق اجتماعی می شود، ظاهر خشک و بی روح شریعت نیست و وفاق اجتماعی بر محور دین نمی تواند در نسبت با شریعت که ظاهر دین است، پدید آید. وفاق اجتماعی باید در نسبت با حقیقت دین ایجاد شود که ولایت است. اگر درباره نماز گفته اند که شکل گیری حکومت اسلامی برای خواندن نماز است، سخن درستی است. نماز، حقیقت دین را حفظ می کند. چنانچه نماز، حقیقت خویش را گم کند و در ظواهر تشریحی نماز تحجر پیدا شود، هیچ گرهی را نخواهد گشود، چنان که در عربستان سعودی گرهی گشوده نشده است. در عربستان سعودی، هنگام نماز، مردم را به زور روانه مسجد ها می کنند، ولی این نماز نمی تواند وفاق اجتماعی را پدید آورد، بلکه نقابی است که شیطان در پس آن پنهان است. وفاق اجتماعی مردمان نسبت به ظاهر شریعت، بیهوده است. به سخن دیگر، حقیقت دین اسلام در شریعت ظهور یافته است، ولی اگر شریعت، بی روح باشد، به ضد آن بدل می شود، همان گونه که خوارج با انتساب به ظاهر شریعت، شمشیر بر فرق سر باطن شریعت _ امام علی (ع) _ کوبیدند. ولایت، باطن شریعت است و مسلمانان باید میزان را در پیروی از ولایت بچینند. از سوی دیگر، عکس این هم منافی

ص: ۳۷

وفاق اجتماعی است. باطن شریعت نیز به تنهایی نمی تواند امت واحد را که مصداق وفاق اجتماعی مردمان بر یک دین است، محقق سازد.

پاسداری از حقیقت دین را باید در پاسداری از مرزهای شریعت جست، و گرنه میزانی برای شناخت پرهیز کاران از غیر آنان وجود ندارد و بر این مبناست که حکم را باید بر ظاهر راند. اسلام در شریعتی ظاهر شده که در اصولی همچون نماز و روزه و حج و زکات و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر ثابت است. البته در بسیاری از مصداق های متغیر، به اجتهاد زنده باید چنگ زد تا پاسخ گوی نیازهایی باشد که از پی این دگرگونی ها به وجود می آید؛^(۱) زیرا این اجتهاد را امام و ولی شایسته جامعه محقق می سازد. در واقع، عامل اصلی پیوند میان مسلمانان، ولایت است که در زمان غیبت مصداق آن همانا فقیه جامع الشرایط است و یکی از پنج رکن و مهم ترین رکن تشیع به شمار می رود.^(۲)

دین، عمیق ترین، حقیقی ترین و ماندگارترین امری است که می تواند مردمان را به وفاق جمعی درونی برساند و چنین وفاقی، لازمه وفاق اجتماعی بر اساس شاخص های بیرونی است. آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (نحل: ۱۲۳)، شاهدی بر این معناست که هر تغییر اجتماعی، بر اساس تحولی انفسی شکل می گیرد و تا این امر انفسی و درونی رخ ندهد، وفاق اجتماعی

ص: ۳۸

۱- [۱]. همان، صص ۵۷-۵۹.

۲- [۲]. اشاره است به حدیث: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ (عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودَى بِالْوَلَايَةِ) نك: اصول کافی، ج ۲، صص ۱۸ و ۲۱ و ۳۱ و ج ۴، ص ۶۲؛ محمد بن علی شیخ صدوق ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷هـ. ق، ج ۲، ص ۷۴.

پدید نمی آید. (۱) دین در جهت شکل گیری امتی واحد، در عرض سرزمین، تاریخ، آداب و سنن و زبان مشترک قرار نمی گیرد، بلکه دیگر اشتراک ها در طول دین واحد قرار نگیرند، قدرت و امکان ایجاد امت واحد را ندارند. (۲)

نقش وفاق اجتماعی را اسلام از دو نظر بررسی کرد. نخست از نظر وضعیت فعلی یا تاریخی اجتماعات مسلمانان و دوم از نظر وضعیت آرمانی مورد نظر اسلام برای جامعه نمونه اسلامی. به دیگر سخن، باید دستور ها و سفارش هایی که اسلام برای پی ریزی و ساخت جامعه ای آرمانی صادر کرده و نقش آنها در وفاق اجتماعی، جداگانه بررسی شود.

نقش پیوند های اجتماعی در وفاق اجتماعی

اسلام تنها دینی است که با صراحت، دعوت خود را به دو صورت بیان کرده است:

۱. دعوت به اصل اجتماع و اتحاد؛

۲. دستور ساخت اجتماع اسلامی بر مبنای اتفاق و اتحاد با هدف پاسداری از منافع معنوی و مادی و دفاع از آن اجتماع. (۳)

پیوند اجتماعی در اسلام را از جنبه های گوناگون می توان بررسی کرد:

۱. رابطه فرد و جامعه

اسلام کوشیده است میان فرد و جامعه، پیوند درستی برقرار کند و فرد و جامعه هر دو به یکسان برای اسلام مهم بوده اند. برای آنکه حیثیت جامعه

ص: ۳۹

۱- [۱]. آغازی بر یک پایان، ص ۵۴.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. سید محمد حسین طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، صص ۱۱ و ۱۲.

تهدید نشود، برخی رفتارهای فردی، مانند دروغ گویی، حقد و حسادت، غش و فریب کاری، خبرچینی، شهادت دروغ، تمجید نفس، فتنه گری و... را ممنوع و صفت های نفسانی دیگری همانند راست گویی، اخلاص، احترام به هم نوعان و حفظ مال، جان و آبروی انسان های دیگر را تشویق کرده است. (۱) رعایت نکردن این مسئله سبب می شود هم بستگی میان شخص و جامعه به هم بخورد و شخص نسبت به زمانه و جامعه خود بدبین شود.

اسلام برای آنکه بتواند با برقراری پیوند فرد با جمع، وفاق اجتماعی را به کمال برساند، نوعی توازن میان خواسته های فردی و مصالح اجتماع ایجاد کرده است. اسلام از یک سو، حیطة های خصوصی افراد را محترم می شمارد و از سوی دیگر، برای کسانی که ارزش های اجتماعی را زیر پا می گذارند، شدیدترین مجازات را در نظر می گیرد.

برای نمونه، قرآن کریم در سوره نور آن گاه که به موضوع حفظ حریم خصوصی افراد می پردازد، از مسلمانان می خواهد که بدون اجازه وارد حریم خصوصی کسی نشوند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. (نور: ۲۷ و ۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی که خانه های شما نیست، داخل مشوید، مگر اینکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است. باشد که پند گیرید. اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می دهید، داناست.

ص: ۴۰

۱- [۱]. محمدحسین ادیب، الروابط الاجتماعیه فی الاسلام، تهران، مکتبه النینوی الحدیثیه، ۱۹۶۳م، صص ۱۳ و ۱۸.

قرآن در جایی دیگر دستور داده است که اگر با صحنه هایی رو به رو شدید که وجدان جمعی را جریحه دار می کند، پرده پوشی کنید و به کسی نگوید، مگر آنکه ناظران از حد معینی بیشتر باشند. اگر تعداد آنها به حد نصاب نرسیده باشد، خداوند اجازه نمی دهد که فسق دیده شده را بازگو کنند و در صورت بیان جرم، شاهدان را مجازات می کند:

وَ الَّذِينَ يَزُمُونَ الْمُدْحَجِينَ تَبَّ لَهُمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَجَازِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.
(نور: ۴)

به کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می دهند سپس چهار گواه نمی آورند، هشتاد تازیانه بزنید و هیچ گاه شهادتی را از آنها نپذیرید و اینانند که خود فاسقند.

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. (نور: ۱۹)

کسانی که دوست دارند زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده اند، گسترش پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود و خدا [ست که] می داند و شما نمی دانید.

اگر تنها همین آیات بودند، انسان فکر می کرد اسلام نیز همانند لیبرالیسم، بر آزادی های فردی تأکید کرده است، ولی آیات دیگری وجود دارد که به ظاهر با دسته اول در تضاد هستند و آن آیاتی است که شدیدترین مجازات را برای کسانی در نظر می گیرد که از روی هوای نفسانی، ارزش هایی را که موجب قوام جامعه هستند، زیر پا گذاشته اند:

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ. (نور: ۲)

به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در [اجرای] دین خدا نسبت

به آن دو دل سوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند.

خداوند در این آیه دستور داده است که زن و مردی که ارزش های دینی و اجتماعی را زیر پا گذاشته اند، بدون رحم و مهربانی تنبیه شوند؛ زیرا گسترش رفتار انحرافی و انجام آشکار آن، سبب نابودی قداست ارزش های اجتماعی و جای گزینی آن به وسیله ارزش هایی است که در گذشته ضد ارزش به شمار می آمد.

بنابراین، اسلام برای حفظ وفاق اجتماعی جامعه مسلمانان کوشیده است تا حدّ امکان، ظاهر جامعه، اسلامی پاک باشد و وجدان جمعی آسیب نبیند و برای این منظور، دستور های لازم را صادر کرده است، به گونه ای که با رعایت آن فرمان ها، وفاق اجتماعی را خطری تهدید نمی کند.

۲. روابط میان افراد

اشاره

اسلام با طرح آموزه هایی مانند حسن خلق، رعایت انصاف، احسان به دیگران و مواسات کوشیده است هم بستگی میان مسلمانان را تقویت و نهادینه کند. حضرت علی(ع) در این باره می فرماید:

يَا بَنِي إِجْعِلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَ لَا تَظْلِمَنَّ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَتْبِخْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَتْبِخُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ اَرْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ.

نفس خودت را مقیاس خود و دیگران قرار بده و آنچه را برای خود دوست می داری، برای دیگران دوست بدار و آنچه را برای خود مکروه می داری، برای آنها دشمن بدار و ستم نکن، چنان که دوست داری در مورد تو ستم نکنند و برای خود زشت دان، آنچه را برای دیگران زشت می پنداری

و راضی باش نسبت به مردم آن گونه که رضایت می دهی برای آنها از جانب نفس خودت. (۱)

الف) معاشرت مؤمنان با یکدیگر

تَضَاد مَنَافِع، برتری خواهی، تنگ چشمی و محدودیت نعمت ها و ثروت ها، وفاق اجتماعی را تهدید می کنند و گاهی کار را به جایی می رسانند که به صلح و هم زیستی مسالمت آمیز آسیب می رسانند و کسانی را که به اثر خَلْقَت و طَبَقَت، هم زاد و هم راه هم هَسَت_ند، در برابر هم قرار می دهند.

اسلام برای آنکه چنین خطری را رفع کند، راه کارهایی را پیشنهاد داده است که یکی از مهم ترین آنها طرح ایده برادری است. خداوند نخست وضعیت نابسامان پیش از اسلام را یاد آور می شود. سپس می گوید:

وَ أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا... (آل عمران: ۱۰۳)

نَعَمَت خَدَا رَا بَر خَوِي شَت ن ب ه ي ا د آو ر ي د ك ه د ش م ن ي ك د ي گ ر ب و د ي د و ا و م ي ا ن د ل ه ا ي ش م ا ، ا ل ف ت ا ي ج ا د ك ر د و ب ه ب ر ك ت ن ع م ت ا و ب ر ا د ر ش د ي د .

خداوند این برادری را از نعمت های خاص خود می داند و به دلیل آن بر مسلمانان منت می گذارد و نزدیکی قلب های آنان را به یکدیگر، از مصداق های یاری خود می شمارد و عنوان می کند:

اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (انفال: ۶۲ و ۶۳)

ص: ۴۳

همچنین پروردگار در جایی دیگر می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات: ۱۰)

ت_ن_ه_ا_م_ؤ_م_ن_ان_ب_رادر_ی_کدیگر_ند. پس میان دو برادر خویش را آشتی دهید و تقوای الهی پیشه سازید. شاید مشمول رحمت (خدا) شوید.

برادری مورد نظر اسلام، تشریفاتی نیست، بلکه به واقعیتی خارجی اشاره دارد. با برادر برادر گفتن، وفاق اجتماعی ایجاد نمی شود، بلکه این امر باید در عمل آشکار شود. در همین راستا، امام صادق(ع)، علاقه به هم کیش را بخشی از دین دوستی دانسته و فرموده است: «مِنْ حُبِّ الرَّجُلِ دِينَهُ حُبُّهُ أَخَاهُ؛ برادردوستی مرد، از دین دوستی اوست».(۱)

حضرت باقر(ع) نیز در این باره چنین فرموده است:

مَنْ اسْتَفَادَ أَخًا فِي اللَّهِ عَلَى إِيْمَانٍ بِاللَّهِ وَ وَفَاءٍ بِإِخَائِهِ طَلَبًا لِمَرْضَاتِ اللَّهِ فَقَدِ اسْتَفَادَ شِعَاعًا مِنْ نُورِ اللَّهِ... (۲)

هر کس برای جلب رضایت خدا، فردی را بر اساس ایمان به خدا و رعایت پیمان برادری انتخاب کند، پرتویی از نور خدا را یافته است.

بنابراین، پیمان برادری، وظیفی_ف_ه_مهمی_اس_ت_ک_ه_ب_ر_عهده_مؤمن_قرار_می_گیرد_و_بخشی_از_وظایف_دینی_اوست. سرآمد مؤمنان، امام علی(ع)، انجام وظیفه نسبت به برادران ایمانی را سرلوحه کردار پرهیزکاران معرفی کرده است و می فرماید:

قَضَاءُ حُقُوقِ الْأَخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ؛ يَسْتَجَلِبُ مَوَدَّةَ الْمَلَائِكَةِ

ص: ۴۴

۱- [۱]. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳هـ. ق، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۲۷۹.

۲- [۲]. همان، ج ۷۸، ص ۱۷۵.

ب_ر آوردن ح_ق_وق ب_رادران، شریف ترین کردار پرهیزکاران است که دوستی فرشتگان مقرب و حورالعین را به خود جلب می کند.

ب) طبقه بندی مؤمنان در معاشرت با یکدیگر

اسلام با طرح درجه های برادری، بهترین راه کار را برای به ثمر نشستن وفاق اجتماعی پیشنهاد کرده است؛ زیرا هیچ گاه افراد نسبت به دیگران احساس یگانه ای ندارند. برخی خویشاوندند و برخی بیگانه و بعضی ها دوست قدیمی اند. اگر قرار بود، فرد نسبت به همه مسلمانان، تکالیفی یکسان داشته باشد، این طرح شکست می خورد. از این رو، خداوند با توجه به شناختی که از انسان ها داشت، بهترین راه کار؛ یعنی طبقه بندی کردن افراد را در روابط اجتماعی برگزید.

بر این اساس، وقتی از حضرت علی (ع) درباره اصناف برادران دینی و وظیفه انسان در برابر هر کدام می پرسند، می فرماید:

بعضی افراد مورد وثوق شما هستند، به این معنا که در جاهای مختلف آنها را آزموده اید. وظیفه شما در قبال این دسته آن است که اگر به برادرت اعتماد کردی (و او را مورد اطمینان ی_ا_ف_ت_ی)، ث_روت و ک_م_ک_خ_وی_ش را از او دری_غ_م_دار. ب_ا_ه_م_دلان_ش، ی_ک_دل و با دشمنانش، دشمن باش. رازش را پوشیده دار. به یاری اش بشتاب و خوبی هایش را آشکار ساز. (۲) در قبال دسته دوم که با آنها مراوده داری، ولی آنها را آزمایش نکرده ای و هنوز درجه صداقت آنها برایت روشن نیست یا در حد معمول با آنها مراوده داری، وظیفه ات آن است که ت_و_ب_ا_وج_ود_آن_ان، خوشی زندگی را درمی یابی. بنابراین، این مقدار خوشی را از آنان س_لب_ن_ک_ن و چ_ی_زی_ب_ی_ش از ای_ن از

ص: ۴۵

۱- [۱]. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲هـ. ق، ج ۱۶، ص ۲۲۲.

۲- [۲]. همان، ج ۱۲، ص ۱۳.

آنان نخواه و همان گونه که آنان با خوش رویی و شیرین زبانی با تو رو به رو می شوند، تو نیز چنین حالتی را از آنان دریغ مدار. (۱)

بدیهی است در چنین جامعه ای، وفاق اجتماعی به نهایت درجه خود می رسد و زندگی، لذت بخش و آسان خواهد بود و افراد هیچ گاه دچار افسردگی های روحی و روانی نمی شوند، بلکه به شادابی و نشاط دست می یابند.

در هر دو بخش یاد شده، نوسان بسیاری وجود دارد و کمتر افرادی یافت می شود که ارزش همسران داشته باشد، تازگی و واکنش و حقوق مساوی برخوردار شوند. بنابراین، امام علی (ع) بر اساس معیاری که معرفی می کند، مقدار محبت و احساس یگانگی با دیگران را روشن می سازد. ایشان می فرماید: «أَحَبُّ الْأَخْوَانِ عَلِيٌّ الْقَوِيُّ؛ برادران را به اندازه تقوایشان دوست بدار». (۲)

افزون بر این، انسان ها به تناسب روحیه و احساسی که دارند، با فردی آفراده برگزیده خویش بهتر انس می گیرند و پیوند نیرومندتری با آنان برقرار می کنند.

اسلام افزون بر ایجاد روابط حسنه به صورت عام، می کوشد یک سری روابط ویژه را در میان اجتماع های کوچک ایجاد کند. بر اساس همین اصل، رسول اکرم (ص) پس از هجرت، وفاق اجتماعی را به نهایت درجه خود در مدینه رساند. ایشان افزون بر تشویق مسلمانان به دوستی و یک رنگی و کمک به هم، آنان را بر اساس روحیه های مشترک، برادر ی که دیگر معرفی کرد و خود نیز حضرت علی (ع) را به برادری برگزید. همچنین میان ابوبکر و

ص: ۴۶

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳.

— عمر، — عثمان، و — عبدالرحمان بن عوف، طلحه — و — زبیر، پیوند برادری برقرار کرد. (۱)

در آموزه های دینی، برای افرادی که باید پیوند بسیار نزدیک داشته باشند، ویژگی هایی برشمرده اند که عبارتند از: ظاهر و باطنش یکی باشد؛ بدی و خوبی تو را از آن خود بداند؛ مال و مقام، تغییرش ندهد؛ از هیچ خیری کوتاهی نکند؛ در سختی ها نهایت نگذارد؛ اگر چند بار عصبانی شد، سخن زشت نگوید؛ با وفا، مدبر، باحیا، خوش خلق و آزاده باشد. (۲)

بر اساس این الگو، هرچه جامعه به پرهیزکاری نزدیک تر شود، وفاق اجتماعی نیز نیرومندتر و به نمونه آرمانی خود نزدیک می شود و هرچه جامعه کمتر از پرهیزکاری سود جوید، شیرازه های آن جامعه سست تر خواهد گشت.

ج) وظایف مؤمنان در معاشرت با یکدیگر

اسلام برای آنکه این طرح، ضمانت اجرایی داشته باشد، دستورهایی داده و تکلیف هایی معین کرده است. یکی از تفاوت های اساسی اسلام با دیگر مکتب های بشری، در نوع ضمانت اجرایی آن است. مکتب های بشری، بیشتر می کوشند تا حد امکان از ضمانت اجرای رسمی و دولتی استفاده کنند، در حالی که اسلام تلاش دارد از نظارت اجتماعی درونی و غیررسمی سود جوید. و امتیاز این ضمانت اجرایی آن است که به پلیس و دادگاه نیاز ندارد. افزون بر این، در خلوت و مکان هایی که پلیس حضور ندارد، کارآیی دارد.

بنابراین، اسلام، حقوقی را برای مؤمنان نسبت به یکدیگر وضع کرده است که بسیار اهمیت دارد. رعایت این حقوق بر همه مسلمانان و مؤمنان واجب

ص: ۴۷

۱- [۱]. عبدالحسین امینی، الغدیر، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۱۱۲.

۲- [۲]. بحارالانوار، ج ۷۴، صص ۱۷۳ و ۱۷۵.

است و در صورتی که نادیده گرفته شود، عذاب اخروی را در پی خواهد داشت. فردی که حقوق برادر مؤمنش را ادا نکند، دچار عذاب وجدان می شود و این عذاب وجدان، احتمال تکرار آن را می کاهش دهد. به دلیل اهمیت این حقوق، آنها را برمی شماریم:

۱. کَم_ت_ری_ن_ح_ق این است که آنچه را برای خود دوست داری، برای او هم دوست بداری و آنچه را برای خود نمی پسندی، برای او هم خوش نداری؛

۲. از خشمگین ساختن او پرهیزی و در پی خشنودی او باشی و فرمانش را اطاعت کنی؛

۳. با جان، مال، زبان و دست و پای خویش، او را مدد رسانی؛

۴. چشم راهنما و آینه او باشی؛

۵. غ_ذای_س_ی_ر_ن_خ_وری و او گ_رسنه باشد؛ سیراب نگردی و او تشنه باشد؛ لباس (نیکو) نپوشی و او بی لباس باشد؛

۶. اگ_ر خدمت کاری داری و او ندارد، خدمت را بفرستی تا لباس او را بشوید، برایش غذا بپزد و مکان استراحتش را جارو بزنند.

۷. سوگندش را تصدیق کنی؛ خواسته اش را اجابت کنی؛ هنگام بیماری به عیادتش بروی؛ (اگر مُرد) جنازه اش را تشییع کنی؛ اگر احساس کردی نیازی دارد، در برآوردنش پیش دستی کنی و اجازه ندهی از تو درخواست کند؛(۱)

۸. چیزی را که برای دنیا و آخرت او سودمند است، از او پنهان نداری؛

۹. نسبت به او کینه و دشمنی نورزی، گرچه به تو بدی کند؛

ص: ۴۸

۱۰. هرگاه تو را دعوت کرد، بپذیری؛

۱۱. او را میان دشمنانش، تنها نگذاری. (۱)

یک _ اهمیت ادای حقوق برادران دینی

بی گمان، پرداخت حقوق مردم در همه زمینه ها و به شکل عام و فراگیر، از اصول شریعت اسلامی است و در سخنان پیشوایان اسلام، با تعبیر های نغزی بر آن تأکید شده است که عبارتند از:

اول _ رکن دین

پرداخت حقوق مردم، با دین داری پیوندی مستقیم دارد. مؤمن حتماً باید حقوق مردم را رعایت کند. در غی_رای_ن صورت، یا ایمانش دروغین است یا در حد پایینی قرار دارد. امام صادق(ع) در این باره می فرماید:

أَلْمَحْمَدِيَّةُ السَّمْحَةُ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حَجُّ الْبَيْتِ وَ الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ وَ أَدَاءُ حُقُوقِ الْمُؤْمِنِ. (۲)

دی_ن محمّیدی آسان عبارت است از: برپا داشتن نماز، دادن زکات، روزه ماه رمضان، حج خانه خدا، اطاعت از امام و ادای حقوق مؤمن.

دوم _ زمینه ساز ادای حق الله

عظمت و اهمیت مراعات حقوق مردم، زمینه ساز ادای حق الله است که امیر مؤمنان علی(ع) در این باره چنین می فرماید:

ج_ع_لَ اللهُ س_ب_ب_حَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةٌ لِحُقُوقِهِ؛ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّياً إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللهِ. (۳)

خداوند سبحان، حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خویش قرار داده است. هر کس به [رعایت] حقوق بندگان خدا قیام کند، چنین کاری به رعایت

ص: ۴۹

۱- [۱]. همان، ج ۸، ص ۱۲۶.

۲- [۲]. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۷.

۳- [۳]. عبدالواحد آمدی، شرح غررالحکم، ترجمه: محدث، تهران، دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۳۷۰.

حقوق الهی می انجامد.

سوم _ برترین عبادت

امام جعفر صادق (ع) می فرماید:

مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ آدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ. (۱)

خداوند با چیزی برتر از ادای حق مؤمن، پرستش نشده است.

چهارم _ یکی از درجه های توبه

امی_رم_ؤم_ن_ان_علی(ع)، توبه واقعی را دارای شش درجه دانسته که دو درجه آن، پرداخت حقوق مردم و حقوق خداست. (۲)

پنجم _ سبب ورود به بهشت

ادای ح_ق_وق، یکی از اسباب ورود مؤمن به بهشت برین است و هرکس بهتر حقوق مردم را ادا کند، از رف_ع_ت_م_ق_ام و درج_ه های ب_الات_ری ب_رخ_وردار_خ_واه_د_ب_ود.

رسول اکرم (ص) می فرماید:

فَأَيُّهُمْ كَانَ أَشَدَّ لِلشَّيْءِ حُبًّا وَ لِحُقُوقِ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ أَشَدَّ قَضَاءً كَانَتْ دَرَجَاتُهُ فِي الْجَنَّةِ أَعْلَى. (۳)

ه_ری_ک از م_ؤم_ن_ان، که بیشتر به شیعیان عشق بورزد و حقوق برادران مؤمنش را بهتر ادا کند، درجاتش در بهشت، بالاتر خواهد بود.

دو _ نکوهش پای مال کردن حقوق

ب_ه_م_ان_ن_س_ب_ت_ک_ه بر رعایت حقوق در اس_لام، پافشاری شده، نادیده انگاشتن حق مردم، با عنوان های تکان دهنده ای، ناپسند شمرده شده است که عبارتند از:

ص: ۵۰

۱- [۱]. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲- [۲]. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۷.

۳- [۳]. همان، ج ۸، ص ۵۷.

امام باقر(ع) درباره گناهان کبیره چنین می فرماید:

وَالْكَبَائِرُ مُحَرَّمَةٌ وَهِيَ الشُّرُكُ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ قَتْلُ النَّفْسِ ... وَ حَبْسُ الْحُقُوقِ مِنْ غَيْرِ عُسْرٍ وَ اسْتِعْمَالُ الْكِبْرِ وَ التَّجَبُّرُ وَ الْكُذْبُ...
(۱).

ارتکاب گناهان کبیره حرام است و آنها عبارتند از: شریک قرار دادن برای خدا، کشتن انسان بی گناه، حق دیگران را ندادن، تکبر، ستم کردن، دروغ و...

نپرداختن حقوق مردم با وجود توانایی، گناه کبیره است.

دوم _ سبک شمردن دین

رعایت حقوق مردم با بسیاری از احکام دینی، پیوند مستقیم دارد که اگر کسی آنها را رعایت نکند، در واقع، مسائلی را نادیده انگاشته است. از این رو، حضرت امام صادق(ع) می فرماید:

مَنْ عَظَّمَ دِينَ اللَّهِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوَانِهِ وَ مَنْ اسْتَحَفَّ بِدِينِهِ اسْتَحَفَّ بِإِخْوَانِهِ. (۲)

هرکس دین خدا را تیراند، حقوق برادرانش را نیز بزرگ می دارد و هرکس دین او را سبک شمارد، [حقوق] برادرانش را نیز سبک می شمارد.

سوم _ مایه خواری

امام صادق(ع) فرمود:

تَزْكُ الْحُقُوقِ مَذَلَّةٌ. (۳)

پای مال کردن حقوق، مایه خواری است.

چهارم _ برکت روزی

ص: ۵۱

۱- [۱]. همان، ج ۱۰، ص ۲۲۹.

۲- [۲]. همان، ج ۷۴، ص ۲۷۸.

۳- [۳]. همان، ج ۷۸، ص ۲۴۲.

خداوند هرگز راضی نمی‌شود گروهی سهل‌انگار یا بداندیش، حقوق بندگان را به عمد پامال کند. از این رو، به گونه‌ای آنان را گوشمالی می‌دهد که کاستن از برکت، یک نمونه از آن است. رسول گرامی اسلام فرمود:

مَنْ حَبَسَ عَنِّ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَهَ الرَّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ. (۱)

هر کس چیزی از حقوق برادر مسلمان را از او بازدارد، خداوند برکت روزی را بر او حرام می‌کند، مگر این که توبه کند.

پنجم - بازخواست در روز قیامت

رسول الله (ص) فرمود:

إِنَّ أَحَدَكُمْ لِيَدْعُ مِنْ حَقِّ قُوقٍ أَخِيهِ شَيْئًا فَيُطَالِبُهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُقْضَى لَهُ وَعَلَيْهِ. (۲)

همان‌ا یکی از شما چیزی از حقوق برادرش را ترک می‌کند و او حقش را در روز قیامت از وی طلب می‌کند و در آنجا به نفع طلبکار و زیان بدهکار، حکم خواهد شد.

ششم - سبب ورود به دوزخ

اگر ضایع‌کننده حقوق مردم، توبه نکند و بر کار زشت خویش اصرار ورزد، به دست خود، سرن‌وش‌ت‌ش را تباه ساخته و فرجام خویش را در دوزخ قرار داده است.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

هر کس، مؤمنی را از حقش بازدارد، خداوند او را در روز قیامت، پان‌ص‌دس‌ال‌س‌رپ‌ان‌گ‌ه می‌دارد و در این مدت، عرق [از بدن او] جاری می‌شود. سپس ندادنده‌ای از سوی خداوند بزرگ‌اع‌لام می‌کنند: ای‌ن

ص: ۵۲

۱- [۱]. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۲۵.

۲- [۲]. همان، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

س-ت-م-گ-ری-اس-ت-ک-ه-ح-ق-خدا-را-ادا-نکرده-است. آن-گاه-مدت-چهل-سال-دیگر-توییح-می-شود-و-در-نهایت-به-دو-زخ-می-رود. (۱)

(د) تعاون و همکاری اجتماعی

یکی از مسائلی که سبب تقویت هم بستگی اجتماعی می شود، تعاون و همکاری افراد جامعه است. دورکیم، تعاون و همکاری را همان تقسیم کار اجتماعی می دانست. تقسیم کار در کلی ترین کاربرد خود عبارت است از تقسیم یک شغل به اجزایی که هر یک از آنها از سوی اشخاص به طور جداگانه انجام می گیرد. (۲) از دیدگاه دورکیم، کارکرد تقسیم کار که با حیات اخلاقی نیز همراه است، هم بستگی اجتماعی است. بنابراین، کارکرد تقسیم کار امری فراتر از منافع اقتصادی است. (۳) البته «سودمندی اقتصادی تقسیم کار شاید تأثیری در این میان داشته است، ولی در هر صورت، نتایج حاصل از تقسیم کار از سپهر اغراض و منافع اساساً اقتصادی گسترده تر است؛ زیرا عبارت است از برقراری نوعی نظم خود بنیاد اجتماعی و اخلاقی» (۴) که در آن، «افراد چنان با هم پیوند یافته اند که اگر تقسیم کار نبود، به کلی مستقل می بودند». (۵)

رمز ایجاد هم بستگی به واسطه تقسیم کار، ناهمانندی هایی است که در تقسیم کار وجود دارد. البته ناهمانندی هایی که مکمل یکدیگرند؛ زیرا بدیهی است اگر ناهمانندی ها، مکمل یکدیگر نباشند، تضاد اجتماعی را پدید خواهند آورد.

ص: ۵۳

۱- [۱]. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۷.

۲- [۲]. جولیوس گولد و ویلیام ل. کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران، تهران، مازیار، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۲۵۵.

۳- [۳]. درباره تقسیم کار اجتماعی، ص ۷۲.

۴- [۴]. همان.

۵- [۵]. همان.

دین اسلام با توجه به نیازهای انسان در برآوردن نیازهای او به وسیله دیگران، برای تقویت وفاق اجتماعی، مؤمنان را به همکاری و تعاون با یکدیگر در امور خیر سفارش کرده است. دورکیم تنها بر تفاوت های مکمل گونه تأکید کرده و آن را مایه وفاق اجتماعی دانسته است که به صورت غیرارادی و ناآگاهانه عمل می کند و انسان ها بدون آنکه خود بدانند، با تقسیم کار، نوعی هم بستگی و وفاق اجتماعی را برقرار می کنند. در این روش، نسبت به شیوه دورکیم، برتری هایی وجود دارد که آنها را به شرح زیر بر می شماریم:

یک _ تنها تأکید بر ناهمانندی ها نیست، بلکه اسلام در همه عرصه های زندگی انسان، بر تعاون و همکاری تأکید دارد. امروزه جامعه شناسان معترفند جوامعی که دارای هم بستگی اندام وار (ارگانیک) هستند، هیچ گاه از هم بستگی میکانیکی (وجدان جمعی) بی نیاز نخواهند بود و اگر جامعه ای خالی از وجدان جمعی (احساس آگاهانه تعلق جمعی به چیز خاصی یا به یکدیگر) باشد، افراد آن جامعه دچار از خود بیگانگی می شوند و در چنین جامعه ای، ناهنجاری های بی شماری رخ خواهد داد.

دو _ این نوع وفاق اجتماعی، ناآگاهانه و غیرارادی نیست، بلکه آگاهانه و ارادی است.

سه _ اسلام با تشویق پیروانش به نیکوکاری، کار را دوباره تعریف کرده است؛ زیرا برخی کارها همانند رباخواری، قوادی، روسپی گری نه تنها سبب هم بستگی و وفاق اجتماعی نمی شود، بلکه سبب نفاق و دورویی و ایجاد پراکندگی و بحران اجتماعی می شود. بر این اساس، خداوند در قرآن می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ
أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ. (مائده: ۹۰ و ۹۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه پلید [و] از عمل شیطانند. پس از آنها دوری گزینید. باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست برمی دارید؟

پرسش اساسی این است که آیا تنها تعاون و همکاری سبب وفاق اجتماعی می شود یا نوع خاصی از همکاری سبب وفاق اجتماعی می گردد؟

پاسخ این است که تنها همکاری سبب وفاق اجتماعی نمی شود، بلکه گونه های خاصی از همکاری است که سبب تقویت وفاق اجتماعی می شود که همه آنها را می توان «خیرات» نامید؛ زیرا تعاون و همکاری هنگامی سبب وفاق اجتماعی می شود که برای امور نیک، معقول و منطقی صورت گیرد. همکاری در عصیان، گناه، امور نابخردانه و دشمنی، نه تنها سبب وفاق اجتماعی نمی شود، بلکه سبب چند دستگی در جامعه می شود و به شیرازه جامعه آسیب می رساند، چنان که درباره قوم لوط چنین اتفاقی افتاد. آنها در امور غیراخلاقی با هم همکاری داشتند که سبب نابودی آنها شد.

خداوند در قرآن کریم درباره لزوم همکاری می فرماید:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (مائده: ۲)

و [هم_واره] در راه نی_ک_ی و پ_ره_یز_کاری با هم تعاون و همکاری داشته باشید و [هر_گز] در راه گناه و تعدی همکاری نکنید و از [مخالفت فرمان] خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است.

اینکه خداوند پس از نهی از همکاری در کارهای غیرانسانی (گناه و دشمنی)، به کسانی که این نهی را نادیده بگیرند، وعده عقاب می دهد، نشانه اهمیت این سخن است.

نکته مهم دیگر این است که وعده عقاب خداوند، تشریفاتی یا لزوماً عقاب در آخرت نیست، بلکه افزون بر عذاب در آخرت، کیفر در دنیا را نیز شامل می شود. از آنجایی که گناه به صورت جمعی و در شکل تعاون بر اثم و عدوان بوده است، لزوماً مجازات آنها نیز به صورت جمعی نازل خواهد شد. وقتی قوم بنی اسرائیل برای پرستش گوساله اجتماع کردند، خداوند، راه توبه را عذاب عمومی قرار داد:

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (بقره: ۵۴)

چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با [به پرستش] گرفتن گوساله بر خود ستم کردید. پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس [خدا] توبه شما را پذیرفت که او توبه پذیر مهربان است.

روشن است که عذاب گروهی که خداوند وعده داده است، شیرازه جامعه را از هم می گسلد و وفاق اجتماعی را نابود می سازد.

حضرت علی(ع)، نیز با تأکید بر تعاون در کارهای نیک می فرماید:

چون ام-رخ-ی-رو-ن-یکی یافتید، به کمک و یاری آن بشتابید و اگر شری دیدید، از آن فاصله ب-گ-ی-رید که رسول خدا(ص) همواره می فرمود: ای انسان! در نیکی بکوش و بدی را واگذار؛ که اگر چنین باشی، رهرو میانه روی خواهی بود. (۱)

یک- اهمیت همکاری و تعاون اجتماعی در نگاه بزرگان دین

ص: ۵۶

تعاون اجتماعی به دلیل نقش محوری آن در وفاق اجتماعی، از جایگاه ویژه ای در اسلام برخوردار است، به گونه ای که پیامبر اعظم (ص) آن را از موردهایی می دانست که رعایت نکردنش سبب بی دینی و خروج جامعه از مدار ولایت خداوند می شود و عذاب الهی را پدید می آورد.

پیامبر اعظم (ص) در این باره می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَلاَئِهِمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ وَ مَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. (۱)

هر کس چنین شود که به امور مسلمانان اهمیت نگمارد، چیزی از اسلام در او نیست و کسی که شاهد باشد آن سانی فریاد می زند و از مسلمانان کمک می طلبد، ولی به او کمک نکند، جزو مسلمانان نیست.

اگر اهتمام به امور مسلمانان جزو برنامه های مسلمانان نباشد، جامعه اسلامی آسیب می بیند. امام کاظم (ع) در این باره می فرماید:

مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أحوَالِهِ فَلَمْ يُجِزْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَقَدْ قَطَعَ وِلايَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۲)

هر کس که به برادر دی نی اش برای حل پاره ای از مشکلات خود به او پناه آورد و وی با آنکه توان ای حل آن را دارد، از آن اجام خواسته او سرباز زند، همانا ولایت خدای بزرگ را از خود قطع کرده است.

امام صادق (ع) می فرماید:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا خُذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۳)

ص: ۵۷

۱- [۱]. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۱.

۲- [۲]. اصول کافی، ج ۲، صص ۳۶۶ و ۳۶۷.

۳- [۳]. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۴۰۸ق، ۱۳۶۶ش، ص ۲۸۴.

هیچ مؤمنی برادر دینی خود را در حالی که توانایی یاری اش را دارد، تنها و بی یاور نخواهد گذاشت، مگر آنکه خداوند او را در دنیا و آخرت تنها و بی یاور می گرداند.

ایشان در جایی دیگر می فرماید:

أَيُّمَا رَجُلٍ مِّنْ شَيْعِنَا أَتَى رَجُلًا مِّنْ إِخْوَانِهِ فَاسْتَعَانَ بِهِ فِي حَاجَتِهِ فَلَمْ يُعِنَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ إِلَّا ابْتِغَاءَ لِقَاءِ اللَّهِ بَأْسًا
يَقْضَى حَوَائِجَ غَيْرِهِ مِنْ أَعْدَائِنَا، يُعَذِّبُهُ اللَّهُ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هری که از شیعیان ما که نزد یکی از برادران دینی خود برود و از او برای رفع نیازش کمک بخواهد، ولی او باینکه توانایی یاری وی را دارد، کوتاهی کند خداوند، او را به برآوردن نیازهای دشمنان ما گرفتار می کند تا به واسطه آن در قیامت عذابش کند.

دو مهم ترین مصداق های همکاری اجتماعی

اول همکاری اجتماعی در اجرای حق

یکی از مصداق های خیر و پرهیزکاری، اجرای حق و عدالت است. همکاری در مبارزه با باطل و اجرای حق، یکی از مورد هایی است که وفاق اجتماعی را در پی دارد.

امیرمؤمنان علی (ع) این گونه مشارکت را جزو حقوق واجب الهی برشمرده است و می فرماید:

لَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ ... التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ. (۲)

بخشی از حقوق واجب الهی بر بندگان این است که... برای اجرای حق در میان خود همکاری کنند.

ص: ۵۸

۱- [۱]. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۲- [۲]. نهج البلاغه صبحی صالح، قم، انتشارات دارالهجره، بی تا، خطبه ۲۱۵، ص ۳۳۴.

از آنجا که باطل بر پایه هواهای نفسانی بنا شده است، همکاری در به کرسی نشاندن امر باطل، ممکن است نوعی اتحاد موقت ایجاد کند، ولی سرانجام سبب جدایی و پراکندگی می شود؛ زیرا باطل همانند کف دریا تنها برخی وقت ها می تواند خودی نشان دهد، ولی هرگز نمی تواند دوام بیاورد و سرانجام ماهیت آن آشکار می گردد و نابود می شود.

دوم _ همکاری در هدایت و اصلاح دیگران

خیرخواهی و تلاش برای اصلاح خود و دیگران سبب هم بستگی بیشتر اجتماعی خواهد شد. برعکس، هرچه افراد نسبت به یکدیگر بی اعتنا باشند، به همان اندازه، گسست اجتماعی، بیشتر و قلب های مردم از هم دور خواهد شد. یاری دادن برادران دینی برای هدایت، اصلاح و تهذیبشان، از دیگر جنبه های مهم تعاون است که سبب رشد آنان می گردد و برکت های آن در جامعه نمودار می شود.

حضرت علی(ع) درباره حقوق خداوند بر بندگان می فرماید:

لَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ. (۱)

بخشی از حقوق واجب الهی بر بندگان این است که به اندازه توان خود همدیگر را سفارش و هدایت به خیر کنند.

همچنین ایشان می فرماید:

أَعِنِ أَخَاكَ عَلَى هِدَايَتِهِ.

برادر دینی ات را در هدایتش [به سوی رشد و کمال] یاری کن. (۲)

در جایی دیگر نیز می فرماید:

أَشْفَقُ النَّاسَ عَلَيْكَ أَعْوَنَهُمْ لَكَ عَلَى صَلَاحِ نَفْسِكَ... (۳)

ص: ۵۹

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. عبدالواحد تمیمی آمدی، شرح غررالحکم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۷۸.

۳- [۳]. همان، ص ۴۸۶.

دل سوزترین مردم نسبت به تـ و کسی است که جهت اصلاح نفست، بیشترین یاری را به تو برساند.

مؤمن آنچه برای خودش می پسندد، باید برای برادر دینی خود نیز پسندد؛ چون این شیوه سبب یک رنگی و هم‌دلی می شود.

سوم _ همکاری در طاعت الهی

یکی از مصداق‌های همکاری در کارهای نیک، همکاری در طاعت است. همکاری در طاعت می تواند شامل امور عبادی یا امور اجتماعی باشد. برای نمونه، حضور افراد در عبادت‌های گروهی همانند نماز جماعت، نماز جمعه و حج از مصداق‌های تعاون در طاعت الهی است. شرکت در مراسم گردآوری زکات یا شرکت در جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، از دیگر مصداق‌های اطاعت الهی در امور اجتماعی است. این امر بسیار مهم است، به گونه ای که ترک آنها جامعه را به خطر می اندازد. از این رو، حضرت علی(ع) با تأکید بر آن می فرماید:

وَاللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّتِّكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... لَاتَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ. (۱)

خدا را، خدا را در جهاد با اموال و جان‌ها و زبان‌هایتان در راه خدا... ترک نکنید امر به معروف و نهی از منکر را.

همکاری در طاعت الهی افزون بر آثار اجتماعی، آثار فردی نیز دارد. حضرت علی(ع) با اشاره به این جنبه از تعاون، همراه و یاور انسان در انجام طاعت الهی را بهترین یار او معرفی کرده است و می فرماید:

الْمُعِينُ عَلَى الطَّاعَةِ خَيْرُ الْأَصْحَابِ. (۲)

بهترین یار انسان کسی است که در انجام طاعت و عبادت پروردگار کمک

ص: ۶۰

۱- [۱]. نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۲۷، ص ۴۲۲.

۲- [۲]. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۹۸.

و همراه او باشد.

چهارم _ گذشت و مدارا

معمولاً کمتر اتفاق می افتد که دو نفر در همه ویژگی ها مثل هم باشند. انسان ها خواسته های فردی ویژه ای دارند که هر کدام با دیگری فرق دارد. اگر قرار باشد هر کس دنبال خواسته دل خود برود، سنگ روی سنگ بند نمی شود. هر قدر فردگرایی رشد یابد، وفاق اجتماعی تضعیف می شود. براین اساس، در جامعه های غربی که به صورت افراطی بر فردگرایی، لذت گرایی و اصالت فرد تأکید می شود، هم بستگی و وفاق اجتماعی روز به روز کاهش یافته است و مسئولان این جوامع، با پررنگ تر کردن نقش حکومت، سعی در جبران آن دارند. این در حالی است که اسلام برای رفع این کاستی، پیشنهاد داده است تا گذشت و مدارا نهادینه شود. اسلام از افراد می خواهد که در برابر خواسته های خردمندانه دیگران، نرمش نشان دهند. حضرت علی(ع) در این باره فرموده است:

الرَّفْقُ مِفْتَاحُ الصَّوَابِ وَ شِمَّةُ ذَوِي الْأَلْبَابِ. (۱)

ملاييمت، کليد درستي و روش خردمندان است.

ای_ن ویژگی اهمیت بسیاری دارد، به گونه ای که خداوند، آن را بر پیامبر اسلام واجب کرده است و می فرماید:

أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاهِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. (۲)

پروردگارم، مرا به مدارا با مردم فرمان داده است، چنان که به ادای واجبات فرمان داد.

ص: ۶۱

۱- [۱]. همان، ج ۲، ص ۳۸.

۲- [۲]. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۳هـ. ق، ۱۹۶۳م. ج ۱، ص ۳۴۱.

در جایی دی_گَر، آن را ن_ی_م_ی از ای_م_ان دان_س_ت_ه است ک_ه ب_دون آن، ای_م_ان ف_رد کامل نخواهد بود: «الْمُدَارَةُ نِصْفُ الْإِيمَانِ؛ مدارای با مردم، نصف ایمان است» (۱).

خرد، تجربه و دین بر ضرورت و حیاتی بودن رفاقت و مدارا با اعضای خانواده، همکاران، هم کیشان، هم میهنان و هم نوعان، و اثرگذاری حیاتی آن بر وفاق اجتماعی دلالت دارد. از این رو، مسئولان جامعه باید بکوشند تا مدارا را جزو آموزش های لازم قرار دهند و کاری کنند همگان در خانه و خیابان، م_س_ج_د و م_د_ر_س_ه، کشتزار و ک_ا_ر_خ_ان_ه و ب_ا_ش_ن_ا و بیگانه، گرم و صمیمی باشند و با نرمی و خوش رویی برخورد کنند و از ه_ر_گ_ون_ه ت_ن_دی و خ_ش_ون_ت، ب_د_ا_خ_ل_ا_ق_ی و ب_د_ز_ب_انی و درگیری بپرهیزند.

دوستی مؤمنان سبب فراگیر شدن وفاق اجتماعی می شود. هر چه در جامعه، افراد بیشتری باهم رابطه خوبی داشته باشند، هم... بستگی در آن جامعه محکم تر است. از این رو، اسلام، تهمت، غیبت، و تمسخر را ناپسند شمرده است. در همین راستا رفق و مدارا با مؤمنان سبب افزایش دوستی ها و کاهش دشمنی ها می شود.

حضرت امیر مؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

رِفْقُ الْمَرْءِ وَ سَخَاؤُهُ يُحِبُّهُ إِلَى أَعْدَائِهِ. (۲)

نرم خویی و سخاوت شخص، او را محبوب دشمنانش می کند.

گذشت و چشم پوشی نیز همانند رفق و مدارا، اثر شگرفی در هم بستگی اجتماعی دارد. خداوند در این باره می فرماید:

الدَّفْعُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. (فصلت: ۳۴)

ص: ۶۲

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۹۶.

در برابر کسی که به شما بدی کرده است، خوبی کن تا دوستی آتشین بین شما حاکم شود.

در جای دیگر می فرماید:

ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ. (مؤمنون: ۹۶)

بدی را به شیوه ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می کنند، داناتریم.

خداوند در آیه نخست به روشنی تصریح می کند علت اینکه خداوند از شما می خواهد بدی را با خوبی پاسخ دهد، این است که میان شما دوستی و وفاق ایجاد شود.

باب_درس_ی دیگر م_ن_اب_ع_اس_لام_ی درمی یابیم ک_ه_گ_ذش_ت، ی_ک_ی از اصول اساسی در برخورد اجتماعی است. خدا از پیامبر اعظم (ص) می خواهد که به روشی نیکو از اشتباه های مردم بگذرد: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛ به طریق نیکو گذشت کن». (حجر: ۸۵)

در این باره از امام_ع_لی (ع) چ_ن_ی_ن_ن_ق_ل_ش_ده است: «ص_ف_ح_جمیل، عفو بدون عتاب و سرزنش مجرم است». (۱)

پ_ی_ش_وایان بزرگ اسلام، همواره عفو و گذشت را به پیروان خود می آموختند. برای نمونه، روزی اب_وهِ_ری_ره_ن_زد_ام_ع_لی (ع) آمد و سخنان ناروایی به حضرت گفت. ف_ردای آن روزش_رف_یاب شد و خواسته هایی را خدمت حضرت مطرح کرد و علی (ع) همه آنها را برآورده ساخت. این کار امام بر برخی از اصحاب گران آمد و سبب اعتراض آنان شد. حضرت به یارانش فرمود:

إِنِّي لَأَسْتَحِبُّ أَنْ يَغْلِبَ جَهْلُهُ عِلْمِي وَ ذَنْبُهُ عَفْوِي وَ مَسْأَلَتُهُ جُودِي. (۲)

م_ن_از_ای_نکه نادانی او بر علمم، گناه او بر عفووم و درخواست او بر بخشایشم

ص: ۶۳

۱- [۱]. طبرسی، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ج ۶، ص ۳۴۴.

۲- [۲]. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۴۹.

چیره شود، شرم می‌کنم.

امام صادق(ع) در این باره فرمود:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ، مُرُوْتُنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا. (۱)

ما خاندانی هستیم که جوان مردی مان، گذشت از کسی است که بر ما ستم کرده است.

روشن است در جامعه ای که فرهنگ گذشت فراگیر باشد، پیوند عاطفی افراد نسبت به همدیگر عمیق تر می شود و این امر سبب تقویت وفاق اجتماعی خواهد شد. برعکس، اگر افراد نسبت به همدیگر گذشت نداشته باشند، برای کوچک ترین مسئله، کارشان به دادگاه خواهد کشید و با عمیق تر شدن اختلاف ها و گسترش دشمنی ها، وفاق اجتماعی کم رنگ می شود. البته هر نوع عفو و گذشتی، سبب وفاق اجتماعی نخواهد شد، بلکه چه بسا برخی مورد ها سبب از هم گسیختگی اجتماعی شود.

ان_دک_ی درنگ در به کارگیری واژه عفو در آثار اسلامی نشان می دهد که این واژه گاهی در ب_راب_ان_تقام و گاهی در برابر مجازات به کار می رود. آنجا که عفو در برابر ان_ت_ق_ام به کار گرفته شده، چون منظور از انتقام، تسکین خاطر انتقام گیرنده است و او تمام ه_م_ت_خ_ود را ص_رف_ف_رونشانیدن آتش خشم خویش می سازد و هیچ گونه نظری به اصلاح و ه_دایت طرف مقابل ندارد، عفو، یک ارزش به شمار می آید و سبب وفاق اجتماعی می شود. اگر ع_ف_و در ب_راب_ع_ق_وب_ت و م_ج_ازات شخص خطاکار به کار رود و انسان سرگردان شود و نداند خ_طاکار را ببخشد یا او را عادلانه مجازات کند، عفو به طور مطلق ارزش به شمار ن_م_ی آید. م_ج_ازات ه_م_یشه ناپسند نیست. گزینش یکی از دو راه تا حدود زیادی، به دو عامل

ص: ۶۴

تعیین کننده؛ یعنی نوع جرم و وضعیت مجرم بستگی دارد. اگر جرم و تجاوز نسبت به حقوق شخصی باشد و زیان ناشی از خطا و لغزش، متوجه فرد یا گ_روه م_ح_دودی شود، در این صورت، عامل دوم (وضعیت مجرم) تعیین کننده است. به این معنا که ب_ای_دی_د_آیا_گذشت_سبب_پشیمانی_و_اصلاح_مجرم_می_شود_یا_بر_جسارت_او_در_ت_ک_رار_ع_م_ل_ن_ا_پ_س_ن_دش_م_ی_اف_زای_د. ان_س_ان_های_فاضل_و_ب_زرگوار، اگر طرف م_ق_ابل را از کرده خود پشیمان و شایسته عفو و بخشش ببینند، به سادگی از او می گذرنند، ولی اگر به این نتیجه برسند که عفو مجرم، او را گستاخ تر می سازد و گذشت بزرگوارانه آن_ان_را_ح_م_ل_بر_ضعف_یا_ترس_می_کند، او را به خاطر جرمش تحت تعقیب قانونی قرار می... دهند تا به کیفر عمل خود برسد.

بنابراین، ب_ه_ک_ار_گ_ی_ری_ب_خ_ش_ش_در_مورد_اشخاص_شایسته_و_خودداری_از_عفو_افراد_فرومایه، همواره سفارش شده است. ام_ام_ع_لی(ع)، ک_س_ی_را_ک_ه_از_روی_دانش_و_آگاهی_مرتکب_جرمی_شود، شایسته عفو نمی داند و می فرماید:

الْمُذْنِبُ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ غَيْرِ مُسْتَحِقٍّ لِلْعَفْوِ. (۱)

آن که با بصیرت بر زشتی گناه، آن را مرتکب می شود، سزاوار عفو نیست.

امام زین العابدین(ع) نیز در رساله حقوق خود می فرماید:

وَ حَقُّ مَنْ سَاءَ كَأَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ، وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ يَضُرُّ انْتَصَرْتَ. (۲)

حق کسی که به تو بدی کرده آن است که از او بگذری، ولی اگر عفو او را زیان بار دانستی، می توانی او را عقوبت کنی.

ص: ۶۵

۱- [۱]. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲- [۲]. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹.

اگر جرم و تجاوز، مربوط به حقوق جامعه باشد، چون حدود الهی و حقوق اجـتـماعی در میان است و خوش بختی عمومی در گرو اجرای آنهاست، ناگزیر حدود باید اجرا و حـقـوق پرداخت شود؛ زیـرا در غیر این صورت، امنیت و وفاق اجتماعی نابود می شود؛ زمینه را برای هرج و مرج و ناامنی فراهم می کند؛ ادامه زندگی را بـرای مردم دشـوار می سازد و به یک پارچگی جامعه نیز آسیب می زند. بدین ترتیب، با کوچک ترین تهاجم خارجی، جامعه از هم خواهد پاشید؛ زیرا مردم اطمینان خود را نسبت به سردمداران از دست خواهند داد و هنگام خطر آنها را یاری نخواهند کرد.

تأکید قرآن بر لزوم اجرای حدود الهی در همین راستاست. برای همین، در آیه حد زنا می فرماید:

وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهَدَ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

مؤمنان حق ندارند در مورد آنها رأفت و نرمی به خرج دهند و باید گروهی از مؤمنان شاهد عذاب و آبروریزی آنها باشند تا این کار دیگر تکرار نشود.

به عبارت دیگر، ایان با هدف قرار دادن وجدان جمعی، اساس جامعه را تهدید کرده و در خطر نابودی قرار داده اند. روایت شده است روزی زنی از بزرگان قـبـیـلـه بـیـلـه بـنی مخزوم دزدی کرد و قرار شد حد سرقت بر او جاری شود. سـرـان قـبـیـلـه از بیم آنکه اجرای حد سبب سرافکنندگی آنان در میان مردم شود و این ننگ برای ایشان بماند، اُسامه بن زید را به شفاعت، نزد پیامبر اسلام فرستادند. آن حضرت پس از آگاهی از مضمون پیام، با خشم فرمود: «ای اُسامه، تو را نبینم که درباره تعطیل حدی از حدود خداوند شفاعت کنی.» آن گاه در جمع مهاجر و انصار حضور یافت و چنین فرمود: «عـلت

ص: ۶۶

هـ- لا-ک-ت قوم های گئ-ذشته این بود که هرگاه شخص نامداری از آنان دزدی می کرد، حد خداوند را بر او اجرا نمی کردند، ولی اگر فرد ضعیفی دست به این کار می زد، حکم را اجرا می کردند. به خدا سوگند، حتی اگر دخترم فاطمه دزدی کند، دستش را قطع خواهم کرد».(۱)

باید در نظر داشت که افراط در مدارا، مشکلاتی برای فرد و جامعه می آفریند. بنابراین، انسان باید دقت کند مدارا سبب سوءاستفاده نشود و در جای خود به کار رود. از این رو، حضرت امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید:

إِخْلِطِ الشَّدَّةَ بَرِّقٍ وَارْقُ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَوْفَقَ.(۲)

قاطعیت را با نرمی درهم آمیز و تا جایی که نرمی کارساز است، نرمی پیشه کن.

۳. روابط گروه های اجتماعی

اشاره

گروه های اجتماعی شامل گروه های خانوادگی، خویشاوندی، قومی، (هم ملیتی) است. اسلام برای هر کدام از این گروه های اجتماعی، سفارش ویژه ای دارد که آنها را بررسی خواهیم کرد:

الف) روابط مؤمنان با مؤمنان و کافران

وقتی هویت اجتماعی شکل می گیرد که مرزهای اجتماعی مشخص باشد و مرزها هنگامی مشخص خواهد شد که افراد خودی ها را بشناسند و نسبت به آنها مهربان باشند و از دشمنان فاصله بگیرند و در صورت لزوم، با آنها خصمانه برخورد کنند. قرآن با تأکید بر این دو عامل؛ یعنی جاذبه خودی ها و دافعه بیگانگان، خواسته است تا هر چه بیشتر در شکل گیری وفاق اجتماعی مطلوب بکوشد. خداوند در این باره می فرماید:

ص: ۶۷

۱- [۱]. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲- [۲]. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۰۴.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سَيِّمَاهُمْ فِي
وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ
الزَّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا. (فتح: ۲۹)

محمد(ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر و با همدیگر مهربانند... آنان را در رکوع و سجود می...
بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنها بر اثر سجود در چهره‌هایشان است این صفت ایشان در تورات
است و مثل ایشان در انجیل چون دانه‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبز شود و بر ساقه‌های خود بایستد
و دهقانان را به شگفت درآورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم اندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده اند
و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِن يَدَيْدِكُمْ مِّنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ
يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی را می آورد که آنان را دوست
می دارد و آنان نیز او را دوست دارند. آنان با مؤمنان فروتن و بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش
هیچ ملامت گری نمی ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست.

خداوند در این آیه ها، مؤمنان را به گذشت با یکدیگر و به سختی و گردن کشی در برابر دشمنان فرا می خواند. قرآن می
خواهد ما را از این دو راه به وفاق اجتماعی برساند و موفقیت زمانی به دست می آید که این دو با هم باشند. به عبارت دیگر،
همان گونه که با گذشت و مدارا در میان برادران دینی

می‌توانیم به وفاق اجتماعی دست یابیم، با دشمنی و جهاد با معارضان، معاندان و کافران، می‌توانیم به وفاق اجتماعی برسیم؛ زیرا تهدید خارجی بر رفتار مردم به ویژه جوانان اثر مستقیمی می‌گذارد. داشتن دشمن مشترک همواره سبب هم بستگی مردم می‌شود. (۱) به دنبال آن، شرکت کنندگان در این جنگ، فرهنگی متناسب با ارزش‌های ملی آن جامعه را به وجود می‌آورند. در زمان جنگ، انسان به الگوهای ارزشی و اخلاقی بیشتر توجه دارد، ولی در دورانی که انسان خیالش از دشمن راحت است، رقابت‌ها و درگیری‌ها برای رسیدن به قدرت شکل می‌گیرد.

در سال‌هایی که مردم احساس امنیت دارند و دشمن خارجی را فراموش می‌کنند، سفسطه‌گرایی، عمل‌گرایی (۲) و فردگرایی (۳) جای‌گزین هم‌بستگی، ایثار، فداکاری و وفاق اخلاقی می‌شود. به سخن دیگر، توجه به دشمن، عامل مهمی در هم‌بستگی اجتماعی، ارائه الگوهای ارزشی وفاق اخلاقی و پیوند جوانان با جامعه و نسل گذشته است، ولی با پایان یافتن حساسیت نسبت به دشمن، این عامل از بین می‌رود. بنابراین، در دوران معاصر، با بی‌توجهی به دشمن و دشمن‌شناسی، زمینه برای قطع رابطه با گذشته، روی‌آوری به الگوهای منحط بیگانگان، علاقه‌مندی به مدرنیسم و الگوهای جهانی فرهنگ فراهم می‌شود. این وضعیت از یک سو، سبب رشد توسعه همه‌جانبه در بازار فرهنگی (۴) می‌شود و از سوی دیگر، تحت تأثیر رسانه‌های جمعی قرار می‌گیرد. (۵)

ص: ۶۹

۱- [۱]. برای نمونه جنگ ایران و عراق، سبب هم‌بستگی اجتماعی فوق‌العاده‌ای شد که حتی اهل کتاب نیز داوطلبانه، دوشادوش رزمندگان مؤمن شیعی، با دشمن مشترک جنگیدند.

۲- [۲]. Pragmatism.

۳- [۳]. Individulism.

۴- [۴]. Culturral Bazar.

۵- [۵]. نک: رسول ربانی، جامعه‌شناسی جوانان، تهران. آوای نور، ۱۳۸۰، صص ۲۹ و ۳۰.

این نکته ظریفی است که تجربه های ملت ها و قوم های گوناگون آن را تأیید می کند. همچنین قرآن نیز به آن توجه دارد. قرآن کریم با تأکید بر «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح: ۲۹) و «أَعَزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده: ۵۴) همواره مؤمنان را در حالت نبرد با کافران قرار می دهد. نفس حالت تهاجمی مؤمنان نسبت به دشمنان، در حفظ وفاق اجتماعی کافی است. عکس آن نیز صادق است؛ یعنی اگر روحیه تسامح و تساهل در میان افراد جامعه تقویت شود، به هر میزانی که این روحیه رشد می کند، به همان اندازه از وفاق اجتماعی کاسته می شود. از این رو، قرآن، قوام جامعه اسلامی را بسته به این دو چیز دانسته است، چنان که به این مورد اشاره دارد: «مَنْ يَزِدْكُمْ عَنْ دِينِهِ» (مائده: ۵۴) از دست دادن این دو عنصر به معنای دوری از جامعه اسلامی است؛ زیرا هویت جامعه اسلامی تنها با این دو قوام می یابد و گرنه جامعه اسلامی وجود خارجی نخواهد داشت. وقتی بنی اسرائیل طرح دوستی با دشمنان خدا؛ یعنی آشور و مصر را ریختند و تساهل و تسامح با دشمنان را پیش گرفتند، خداوند از طریق ارمیای نبی - به آنها گفت اگر از این کارهای ناشایست دست بردارید، کافران را بر شما مسلط می کنم. بنی اسرائیل با این استدلال که مگر ممکن است خداوند، قومی را که ادعای خدا پرستی دارد، به دست کافران (دشمنان خودش) نابود کند، سخن خداوند را نادیده گرفتند. خداوند خطاب به ارمیای نبی فرمود:

... خدای قادر متعال می فرماید: از اتحاد با مصر و آشور چه نفعی برده ای. شرارت و گناه خودت تو را تنبیه و مجازات خواهد کرد... آن گاه خواهی دید که سرپیچی از خدا و بی احترامی به او چه سرانجام بدی دارد. از مدت ها پیش یوغ مرا از گردنت باز کردی. رشته های انس و الفت خود را با من بریدی و با کمال بی شرمی از من سرپیچی کردی؛... همچون

شیری که شکار خود را می کشد، شما هم انبیای مرا کشته اید... مدام به دنبال هم پیمانان جدید می گردید، ولی همان گونه که آشور شما را رها کرد، مصر نیز کمکی به شما نخواهد کرد و از آنجا نیز ناامید و سرافکننده باز خواهید گشت. چون خداوند، کسانی را که شما به ایشان تکیه می کنید، طرد کرده است، با وجود تمام کمک های ایشان، باز هم کاری از پیش نخواهید برد. (۱)

در این سخن، کشتن پیامبران و فسق و فجور و پناه بردن به کشورهای کافر، در یک ردیف بیان شده است.

(ب) روابط مردم با حکومت اسلامی

مهم ترین عنصر وفاق اجتماعی، نوع پیوند مردم با حکومت است. حضرت علی (ع) در خطبه ای این مسئله را زیر عنوان «حق الوالی علی الرعیه و حق الرعیه علی الوالی» بیان فرمود. (۲) در این بحث به ترجمه و تفسیر این خطبه بسنده می شود. حضرت علی (ع) پیش از هر چیز تأکید می کند:

ص: ۷۱

۱- [۱]. کتاب مقدس عهد عتیق، کتاب ارمیای نبی، جملات ۱۸ تا ۳۶. به یقین، بخش هایی از کتاب یهود تحریف شده است، ولی لحن این کلمات نشان می دهد که تحریف نشده اند؛ چراکه مضمون آن شبیه مضمون قرآن است.

۲- [۲]. (نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲۱۶، صص ۳۳۳ و ۳۳۴ و نهج البلاغه سید رضی، صص ۵۲۸ و ۵۲۹). متن کامل فرمایش امیرمؤمنان چنین است: ... وَ أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ شُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي ... فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ وَ عِزًّا لِدِينِهِمْ فَلَيْسَتْ تَضِلُّحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَالِي وَ لَا تَضِلُّحُ الْوَالِي إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلِّحْ بِذَلِكَ الزَّمَانَ وَ طَمِّعْ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَسِّرْ مَطَامِعَ الْأَعْيَادِ. وَ إِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَ إِلَيْهَا أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرَعِيَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ وَ ظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجُورِ وَ كَثُرَ الْإِذْعَالُ فِي الدِّينِ وَ تَرَكَتْ مَخَارِجُ السُّنَنِ فَعَمِلَ بِالْهَوَى وَ عَطَلَتْ الْأَحْكَامَ وَ كَثُرَتْ عِلَلُ النُّفُوسِ فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عَطَّلٍ وَ لَا لِعَظِيمِ بَاطِلٍ فِعْلٌ فَهَنَالِكَ تَدُلُّ الْأَبْرَارُ وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارُ وَ تَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ شُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ. فَعَلَيْكُمْ بِالتَّنَاصُحِ فِي ذَلِكَ وَ حُسْنِ التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ فَلَيْسَ أَحَدٌ وَ إِنِ اشْتَدَّ عَلَى رِضَا اللَّهِ حِرْصُهُ وَ طَالَ فِي الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ بِبَالِغِ حَقِيقَةِ مَا اللَّهُ شُبْحَانَهُ أَهْلُهُ مِنَ الطَّاعَةِ لَهُ وَ لَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ وَ لَيْسَ امْرُؤٌ وَ إِنِ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ وَ تَصَدَّقَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ وَ لَا امْرُؤٌ وَ إِنِ صَغُرَتْهُ النُّفُوسُ وَ افْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيْهِ؛ بزرگ تر از آن حقوق متقابل مردم و زمامداران است و این فریضه ای الهی است که خداوند سبحان آن را برای هر یک بر دیگری واجب کرده است، پس آن حقوق متقابل را نظام هم بستگی و راز شکوه دینشان خواسته است. چنان که ملت سامان نیابد مگر با اصلاح زمام داران و زمام داران اصلاح نشوند جز با استقامت ملت. پس هر گاه ملت حق والی را بپردازد و زمام دار نیز حقوق ملت را پاس دارد، حق در میانشان شکوه یابد و راه های دین استوار گردد، شناسه های عدالت راست شود و سنت ها در روندی فراخور جریان یابد. بدین سان، زمانه اصلاح می شود، به ماندگاری دولت امید می رود و آزمندی دشمنان به نومیدی مبدل می گردد؛ ولی هنگامی که ملت

بر زمام دار خود چیره شود و زمام دار با ملت خود از در زورگویی درآید، اختلاف کلمه رخ می دهد، نشانه های جور آشکار می شود، دغل کاری در دین فزونی می یابد و راه های اصلی سنت بی رهرو می ماند. هوا و هوس مبنای عمل قرار می گیرد و احکام به تعطیل کشیده می شود. بیماری های نفسانی فزونی می گیرد، چنان که از تعطیل حق، هر چند بزرگ باشد و عملی شدن باطل، هر چند چشمگیر، کسی احساس نگرانی نمی کند. از این رو، نیکان به ذلت می افتند و بدان عزت می یابند و بندگان از خدا کیفری گران می بینند. پس بر شما باد پند دادن متقابل در این زمینه و همکاری نیک بر آن؛ چرا که هیچ کس هر چند که بر خشنودی خدا سخت حریص، و در سخت کوشی و مبارزات عملی سابقه اش طولانی باشد نمی تواند به ژرفای اطاعت خداوند، چنان که او را شایسته است، راه یابد، ولی بخشی از حقوق واجب الهی بر بندگان این است که در حد توان و استعداد خویش از نصیحت دریغ نورزند و بر اجرای حق در میان خود همکاری کنند.

باعظمت ترین حقوق الهی، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است... و آن را نظام تشکل و پیوند آنان قرار داد و مایه عزت دینشان؛ پس کار مردم به نتیجه نمی رسد و راه اصلاح نمی پیماید، مگر به صلاح حاکم و حاکم کارش به انجام نمی رسد، مگر به استقامت مردم. پس اگر مردم حق حاکم را ادا کنند و حاکم حق مردم را ادا کند، مسیرهای روشن دین هموار و نشانه های عدالت معتدل و برپا و سنت ها در مجرای خود به جریان می افتد. در نتیجه، زمانه اصلاح می شود و دولت استمرار و بقا می یابد و دشمنان از تسلط بر جامعه ناامید می شوند، ولی زمانی که این دو حق یکدیگر را رعایت نکنند، به این معنا که رعیت بر حاکم غالب شود یا حاکم ظلم و تعدی روا دارد، کلمه جامع آن دو مختلف می گردد و پراکندگی در جامعه نفوذ می کند و ستم رواج می یابد و بیداد خواهد کرد و فساد و

تباهی در دین زیاد خواهد شد و طوق سنت ها را می گردد. در این زمان، به هوا و هوس عمل می شود و احکام الهی معطل می ماند و اختلالات و بیماری های نفسانی رو به فراوانی می گذارد... پس در این هنگام، افراد صالح، خوار خواهند شد و اشرار مورد احترام قرار خواهند گرفت. (۱)

حضرت علی (ع) در این سخن به نقش پیوند میان حاکم و مردم در وفاق اجتماعی یا نبود آن اشاره کرده است. اگر مردم و حاکم به دستور های اسلام پای بند باشند، چیزی نمی تواند جامعه اسلامی را تهدید کند، ولی اگر مردم و حاکم، یا یکی از این دو از وظایف خود سر باز زند، آن گاه وفاق اجتماعی آسیب خواهد دید. وقتی جامعه گرفتار چنین وضعی شود، بلاهایی بر سر این جامعه می آید که بر اثر انجام کارهای ناشایست بندگان است.

حضرت علی (ع) برای حل این مشکل، به نکته های ارزنده ای اشاره کرده است که آنها را برمی شماریم:

یک - خیرخواهی و پند حاکمان و یاری آنها در اجرای حق

حضرت علی (ع) در این باره می فرماید:

آنچه از حقوق خداوندی که بر بندگان واجب است، خیراندیشی، نصیحت و خیرخواهی به قدر طاقت و هم یاری برای برپا داشتن حق در میانشان است. [در اینجا ممکن است کسی پرسد که حاکم نیاز به خیرخواهی از مادون خود ندارد که حضرت در جواب می فرماید:] و هیچ انسانی هر اندازه هم دارای مقامی بزرگ در حق و فضیلت و پیشرو در دین باشد، از کمک و یاری شدن در عمل به آن حقی که خداوند بر او مقرر فرموده است، بی نیاز نیست. همچنین هیچ انسانی هر اندازه هم که مردم او را حقیر و پست بشمارند و چشمان آنان او را به

ص: ۷۳

خواری بنگرند، پست تر از آن نیست که انسان ها را در ادای حق یاری کند یا خود او شایسته یاری باشد. (۱)

دو _ خودداری حاکمان از فخر فروشی و غرورورزی

امام علی (ع) می فرماید:

قطعی است که از زشت ترین حالت زمام داران نزد مردمان صالح این است که مردم درباره آنان گمان فخر فروشی و غرور ورزی داشته باشند و وضع شخصیتی آنان بر کبر مبتنی شود. من اکراه دارم از اینکه در ذهن شما این گمان خطور کند که من مدح و تمجید و شنیدن درود را دوست می دارم. خدا را سپاس می گویم که چنین نیستم... گفت و گویتان با من مانند گفت و گو با جباران روزگار و ساختگی نباشد و در برابر من از تسلیم و خویشتن داری که در برابر نیرومندان پرخاشگر دارید، پرهیزید. هرگز از بیان گفتار حق به من یا مشورت با من برای اجرای حق خویشتن داری نکنید. من بالاتر از آن نیستم که خطا کنم و در کاری که انجام می دهم، از ارتکاب خطا در امان نیستم، مگر آنکه خداوندی که مالک تر از من به من است، کفایت کند.

سه _ تعاون و یآوری بر ادای آن

حاکم باید خیرخواه مردم باشد و مردم نیز خیرخواه حاکم. حاکم، خیرخواهی خود را در کارهای عمرانی و رشد معنوی مردم و مردم، خیرخواهی خود را با نصیحت کردن نشان دهند.

نکته مهمی که این حدیث شریف بدان تأکید کرده «حُسْنُ التَّعَاوُن» است، نه «تعاون». مردم و حکومت نه تنها باید خیرخواه یکدیگر باشند، بلکه باید به یکدیگر یاری رسانند. دولت باید بکوشد بارهایی را از دوش مردم بردارد و مردم هم باید همه کارها را بر عهده دولت نگذارند، بلکه با دولت همکاری کنند و دولت را از خود بدانند.

ص: ۷۴

با توجه به عواملی که حضرت علی(ع) می فرماید، همکاری میان مردم و دولت پدید خواهد آمد و وفاق اجتماعی شکل خواهد گرفت.

ص: ۷۵

اکنون وقت آن رسیده است تا با نگاهی به تاریخ معاصر و جامعه کنونی ایران، وضعیت وفاق اجتماعی را در ایران بررسی کنیم.

همان گونه که فیلسوفان تأکید می کنند: «أَدْلُ شَيْءٍ عَلَى إِمْكَانِ شَيْءٍ وَقُوعُهُ»، اگر درباره وفاق اجتماعی در ایران به تاریخ ایران بنگریم، جامعه ای با ویژگی های ممتاز که در عهد صفویان پدید آمد، نمی یابیم.

پس از سرنگونی ساسانیان و پذیرش اسلام که با شور و اشتیاق و آرام آرام صورت گرفت، ایرانیان گوهر گران بهای اسلام را به دست آوردند، ولی زمام داران اموی و عباسی به نام اسلام، معجونی از ارزش های دینی و جاهلی را گسترش دادند. آنان برای نابود کردن استقلال سیاسی کامل ایرانیان، اجازه ندادند ایرانیان با تکیه بر ملیت خود، از حکومت ملی برخوردار شوند. البته در این مدت، قیام هایی برای دستیابی به استقلال صورت گرفت، ولی به موفقیت دست نیافت.

پس از سقوط بغداد، در سال ۶۵۶ هـ. ق، ایرانیان بیش از گذشته، گرفتار حاکمیت ایلخانان مغول، تیموریان و حکومت های قراقویونلوها شدند. بدین

ترتیب، حکومت های بیگانه یا حکومت های ملوک الطوائفی، هیچ گاه اجازه ندادند ایرانیان بر اساس ملیت خود به هم بستگی ملی دست یابند. تنها با روی کار آمدن صفویان بود که سلطه بیگانه و حکومت ملوک الطوائفی که به نام قومیت های خود، بر هر گوشه ای از ایران حکومت می کردند، برافتاد. در این زمان، ایرانیان از استقلال سیاسی برخوردار شدند و با تکیه بر احساسات ملی خود، در پیچه تازه ای از تعامل های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با ملل جهان گشودند.

این الگو به ما در برشمردن علل وفاق اجتماعی کمک می کند. ما باید با عواملی آشنا شویم که در دوره صفویه، ایران را از نو بنا کرد و از این عوامل در تقویت وفاق اجتماعی در عصر حاضر سود ببریم.

عوامل وفاق اجتماعی ایرانیان

عوامل بسیاری را می توان برای وفاق اجتماعی یک ملت برشمرد، ولی به طور معمول، زبان، نژاد، سنت ها و شرایط اقلیمی و طبیعی، معیارهای کلاسیک تشکیل هویت ملی است. (۱) برخی متفکران این عوامل را عوامل اصلی وفاق اجتماعی نمی دانند، بلکه ریشه را در جای دیگری می جویند و اینها را عوامل تبعی و دست دوم می دانند که لزوماً در جامعه های دیگر یافت نمی شود.

استاد مرتضی مطهری بر این باور است که اساس در هم بستگی و وفاق اجتماعی، وجدان جمعی است که در درون شخصیت افراد جامعه و بین آنها و «گذشتگان و اسلافشان رابطه و دل بستگی هایی ایجاد می کند و روابط و

ص: ۷۷

۱- [۱]. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۱۳۶۲، چ ۱۲، ص ۲۱.

مناسبات آنها را با هم و با سایر ملل رنگ می دهد و آمل و آرمان های آنان را به هم نزدیک و منطبق می سازد» (۱).

ایشان در ادامه یادآور می شود:

در تعریف کلاسیک غربی خواسته اند چنین القا کنند که این وجدان جمعی، زاییده شرایط اقلیمی، نژادی، زبان مشترک، سنن و آداب تاریخی و فرهنگ مشترک است، ولی دقت بیشتری در واقعیت های فردی و اجتماعی بشر نشان می دهد که عوامل فوق، نقش بنیانی و درونی در تکوین وجدان جمعی ندارند و نمی توانند برای همیشه مایه و ملاط چسبندگی و پیوستگی افرادی از ابنای بشر تحت یک ملیت گردند. (۲)

استاد سپس با رد یکایک معیارهای کلاسیک چنین نتیجه می گیرد:

عوامل متعارف زبان و فرهنگ و سوابق تاریخی و نژادی، گرچه در مبادی تکوین یک ملت مؤثرند، ولی نقش اساسی و همیشگی ندارند. (۳)

حال چه باید کرد؟ آیا ما معیارهای اساسی برای تشکیل هویت ملی و وفاق اجتماعی نداریم. ایشان در طرح این مشکل چنین می نویسد:

حال که عوامل مؤثر در پیدایش وجدان جمعی و هم بستگی ملی یا عناصر سازنده ناسیونالیسم طبق تعریف کلاسیک غربی آن اصالت خود را از دست داده اند، آیا می توان ادعا کرد که اصولاً تفکیک و تمایزی بین واحدهای اجتماعی بشری موجود نیست و همه ملیت ها می توانند و باید در یکدیگر حل شوند و ملت واحدی بسازند؟ تجربه تاریخی و شواهدی که از مبارزات و تحولات اجتماعی کسب شده، نشان می دهد که به هر حال، در

ص: ۷۸

۱- [۱]. همان، ص ۲۲.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. همان، ص ۳۱.

عالم انسان ها، اصناف و شعبی وجود دارند. اصنافی که از یکدیگر متمایزند و راه های مشخصی از یکدیگر دارند و امکان ادغام و اضمحلالشان در یکدیگر طبیعه وجود ندارد. تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جهان معاصر روز به روز، وحدت و تفاهم جهان غرب با دنیای سوم را دورتر و ناممکن تر می سازد. هر قدر دم از هم زیستی و صلح و وحدت جهانی زده شود، باز هم عمل یا واقعیت، تحولات آن را دورتر و غیر عملی تر می سازد. تا زمانی که گرگ و گوسفندی در عالم هست، وحدت بین آنها غیر ممکن است. همین که جماعتی به هر عنوان اجتماعی سازمان یافته تشکیل دادند، بر هر اساس که باشد، اگر مطمح نظرها شود و یا در معرض تجاوز و دست درازی هایی قرار گیرد، ناچار است مرزهای جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی و یا فرهنگی و عقیدتی خود را حفظ کند. (۱)

شهید مطهری در ادامه تأکید می کند که آنچه سبب وفاق اجتماعی یک ملت می شود، عوامل دست دومی همانند زبان مشترک، نژاد مشترک یا اقلیم مشترک نیست، بلکه آنچه آنها را بر اساس سرشت افراد، به هم متصل می کند، درد مشترک، طلب مشترک و آرمان های مشترک است. این درد، طلب و آرمان مشترک بر اساس باورها یا آموزش، گاه در عواملی همانند نژاد یا زبان یا اقلیم مشترک و گاهی در چیزهای دیگری چون مذهب یا باورهای مشترک تجلی می یابند. ایشان در این باره می نویسد:

ص: ۷۹

این مردمی که در اطراف و اکناف عالم، ارتباطات قلبی و آرمانی با یکدیگر پیدا می کنند، چه چیز مشترکی دارند که آنان را به هم پیوند می دهد؟... این عامل، درد مشترکی است که آنها دارند. (۱)

شهید مطهری، ملیت و حس ناسیونالیستی را که مهم ترین عامل هم بستگی اجتماعی از نظر متفکران غرب است، نقد می کند و آن را زائیده «درد از ظلم و تجاوز و استعمار» می داند:

تولد ناسیونالیسم ملت ها کاملاً مصادف با زمانی بوده است که توده مردمی یک احساس درد یا خلأ عمومی و مشترک کردند. ناسیونالیسم آلمانی همان زمان متولد شد که از تبعیض ها و دخالت فرانسویان احساس درد کردند، ناسیونالیسم ایتالیا یا مجار یا هند یا هندوچین و الجزایر نیز زمانی به وجود آمدند که یک احساس خلأ و درد، همه یا اکثریتی از مردم را فرا گرفت... پس وجدان جمعی و احساس ملیت یا ناسیونالیسم، در میان جماعتی از مردم، زمانی متولد می شود که درد و طلب مشترکی در آن جمع به وجود آمده باشد، این طلب مشترک آنان می باشد که آرمان جمعشان را می سازد و به دنبال همان است که به حرکت در می آیند و جهاد و مبارزه می کنند و متحمل رنج و محرومیت می شوند و بعداً نیز به وجدان جمعی آنان قوام و دوام بیشتری می دهد و میان ایشان علائق و روابط قلبی و یک پارچگی ملی ایجاد می کند. (۲)

بنابراین، آنچه در وفاق اجتماعی ملت نقش اساسی دارد، وجدان جمعی است و وجدان جمعی نیز زائیده درد، طلب و آرمان های مشترک است. این

ص: ۸۰

۱- [۱]. همان، صص ۳۲ و ۳۳.

۲- [۲]. همان.

عوامل نیز بسته به شرایط تاریخی و موقعیت ویژه در نمودهای خارجی، همانند مذهب، زبان، نژاد، و ملیت تجلی پیدا می کند. با توجه به فرهنگ و سابقه تاریخی ملت ایران، مهم ترین نمودهای خارجی را بررسی می کنیم:

تشیع، قویترین عامل وفاق اجتماعی در جامعه ایران

سلسله های پیش از صفویه نتوانستند با ایجاد وجدان جمعی، ملت ایران را متحد کنند، ولی صفویان توانستند با بهره مندی از مذهب تشیع، طلب و آرمان های مشترک پدید آورند و هم بستگی و وفاق جمعی را نهادینه کنند.

هویت ایران پس از اسلام، تنها با مذهب تشیع واقعیت خارجی می یابد. به سخن دیگر، مهم ترین عامل وفاق اجتماعی در میان ایرانیان، مذهب تشیع است. اهمیت این عامل به اندازه ای است که شاهان صفوی، پیش از آنکه بر ایرانی بودن خود تأکید کنند، بر هویت های مذهبی شان؛ یعنی سیادت و تشیع تأکید داشتند. از این رو، موقعیت ایران در آن روزگار ایجاب می کرد مردم برای رسیدن به هم بستگی سیاسی، اجتماعی و مذهبی، به عناصر مذهبی به جای عنصرهای ملی تأکید بیشتری داشته باشند.

وقتی از مذهب تشیع به عنوان عاملی برای وفاق اجتماعی سخن به میان می آید، این گونه تلقی می شود که گویا این عامل غیرملی است. این پندار در صورتی درست است که عناصر ملی را به معنای یادگارهای به جا مانده از عهد باستان و عشق و دوستی به سرزمین ایران بدانیم. اگر به عناصر ملی همچون ویژگی های فرهنگی ایران بنگریم، در خواهیم یافت که مذهب تشیع در ایجاد هم بستگی اجتماعی و وحدت ملی میان مردم ایران، به ویژه در عهد صفویه، همچون یک عنصر ملی عمل کرده است.

برخلاف دیگر کشورهای اسلامی، از دیرباز، تشیع در ایران، از موقعیت ممتازی برخوردار بوده، چنان که قیام های شیعی در ایران معروف و مشهور است. هر چند این قیام ها به نتیجه نرسیدند، ولی سرانجام شاهان صفوی توانستند افزون بر گسترش باورها، ارزش ها و هنجارهای شیعی میان مردم، از مذهب تشیع به عنوان عنصری ملی برای تهییج احساسات ملی و تمایز میان خودی از بیگانه بهره گیرند.

دیگر عناصر هم‌بستگی ملی چون نژاد، زبان فارسی، جشن ها و اسطوره‌ها مانند ترویج شاهنامه فردوسی، از ابزارهای جانبی تقویت روح هم‌بستگی میان ایرانیان در عهد صفویه به شمار می‌رود.

— ادوارد براون — که جنبش صفویه را جنبشی ملی معرفی می‌کند، در پاسخ به این پرسش که چگونه جنبش صفویه، ملی بوده است؟ می‌نویسد: «اگرچه شاهان صفویه پس از هشت قرن و نیم، از مردم ایران، ملتی دوباره ساختند، ولی آن ملیتی که بدین ترتیب ایجاد شد، با ملیت هایی که بر پایه نژاد و زبان به وجود می‌آیند، اساساً تفاوت دارد».^(۱)

— خان‌بابا بیانی — نیز در این باره می‌نویسد:

در اینجا با یکی از کیفیات شگفت آور تاریخ مواجه می‌شویم و آن این است که چگونه با عناصر نژادی مختلف، یک عنصر مذهبی — ملی توانست در تجدید حیات ملی مؤثر واقع شود؛ زیرا معتقدین به مذهب شیعه و قبایل ترکمن اردبیل و رؤسای مذهبی آنان و شیوخ صفوی به تدریج تمام اختلافات نژادی و طبقاتی خود را فراموش کرده، خویشان را در سلک طبقه روشن فکر

ص: ۸۲

۱- [۱]. ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه: ابراهیم مقدادی، تهران، مروارید، ۱۳۶۹، ج ۱، ص

و طبقات مختلف ایرانی در آوردند و وسیله‌ای شدند که ملیت ایرانی از نو تجدید حیات کند. (۱)

با بررسی عوامل جنگ میان ایرانیان و ازبک‌ها در شمال و عثمانی‌ها در غرب می‌توان با عناصری آشنا شد که مردم ایران و شاهان صفوی بر آن تأکید داشتند. ادوارد براون بر این باور است:

تنفر متقابل میان ایران و عثمانی هیچ‌گاه شامل زبان و نژاد و فرهنگ اساطیری ایران نبود. اگر تنفری در میان بود، منحصرأً به خاطر معتقدات مذهبی آنان؛ یعنی مذهب تشیع در ایران و مذهب تسنن در کشور عثمانی و کشور وابسته به آن؛ یعنی ازبک‌ها بود، نه از این لحاظ که یکی ایرانی و دیگری عثمانی است، بلکه برعکس، شاهان صفوی و عثمانی در نژاد و زبان و فرهنگ اساطیری به یکدیگر گرایش داشتند و هر یک خود را بر دیگری در داشتن این عناصر مقدم می‌شمردند. سلطان سلیم تقریباً و منحصرأً به فارسی شعر می‌گفت و شاه اسماعیل که تخلصش خطایی بود، نیز تقریباً و منحصرأً به ترکی شعر می‌سرود. (۲)

اگر شاهنامه فردوسی را مهم‌ترین کتاب در زمینه به تصویر کشیدن زندگی پادشاهان افسانه‌ای ایران و عامل تجدید حیات فرهنگ باستانی و زبان و ادبیات فارسی در ایران بدانیم، آن‌گاه تعجب می‌کنیم چگونه در آن پیکارهای سهمگین میان ایران و عثمانی، سلطان سلیم در نامه‌ای که به خط فارسی به شاه اسماعیل می‌نویسد، از لقب‌های شاهان باستانی ایران سود می‌جوید:

اما بعد؛ این خطاب مستطاب از جانب خلافت مآب ما که قاتل الکفره والمشرکین، قانع اعداء الدین، مُرغم انوف الفراعین، مغفرتیجان الخواقین، سلطان الغزاه و المجاهدین، فریدون فر، سکندر در گاه، کیخسرو عدل و داد، دارای عالی نژاد، سلطان سلیم شاه بن سلطان با یزید بن سلطان محمد

ص: ۸۳

۱- [۱]. خان‌بابا بیانی، تاریخ نظامی ایران، جنگ‌های دوره صفویه، تهران، چاپ‌خانه ارتش، بی تا، ص ۳۲.

۲- [۲]. همان، صص ۲۵ و ۲۶.

خانیم، به سوی تو که فرماندار عجم، سپهسالار اعظم، سردار معظم، ضحاک روزگار [!]... صدور یافت. (۱)

در این نامه، به عجم بودن شاه اسماعیل اشاره شده است. از این نامه و نامه های دیگر شاه اسماعیل پیداست که علت اصلی جنگ این دو، مذهب و نیز ادعای سلطان سلیم مبنی بر تشکیل حکومت واحد جهان اسلام است. (۲) به همین دلیل، سلطان سلیم در نامه دوم خود، شرط آتش بس را سنی شدن شاه اسماعیل قرار می دهد:

به موجب أَلَدِّينُ النَّصِيحَةُ، اگر روی نیاز به قبله اقبال و کعبه آمال آستان ملایک آشتیان ما که محال رحال رجال است، آوری و دست تعدی از سر زبردستان که پای مال ظلم و طغیان گشته اند، مراد او سنی مذهبانی است که در ایران زندگی می کردند، کوتاه کردی و خود را در سلك «أَلْتَائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» مسلک گردانیدی و در مذهب و ملت تبعیت سنت سنیه حنیفیه محمدیه عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالتَّحِيَّةُ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ... کردی و آن بلاد باسرها از مضافات و متعلقات ممالک محروسه عثمانیه شمردی، هر آینه، عنایت پادشاهی و عاطفت شاهنشاهی ما شامل حال تو گردد. (۳)

— سیوری، شرق شناس انگلیسی نیز در این باره می نویسد:

[رسمیت مذهب تشیع] تمایز آشکاری بین دولت صفویه و امپراتوری عثمانی... به وجود آورد و به این ترتیب به دولت صفوی هویت ارضی و سیاسی داد... برقراری تشیع اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور

ص: ۸۴

۱- [۱]. محمدعارف اسپناچچی پاشازاده، انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، به کوشش: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۸۴.

۲- [۲]. تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ص ۳۸.

۳- [۳]. انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، ص ۹۱.

توسط صفویه موجب ایجاد آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و بدین طریق ایجاد دولت متمرکزتر و قوی تری شد. اگر هویت ملی ایران که قوام آن به مذهب تشیع بود، به وجود نمی آمد، کشور ایران توسط کشور قدرتمند عثمانی که روزگار اوج اقتدارش را می گذراند، به تصرف درمی آمد. (۱)

سیوری در پاسخ به این پرسش که چرا شاه اسماعیل با وجود جمعیت سنی که دو سوم جمعیت ایران را تشکیل می داد، به گسترش مذهب تشیع پرداخت و گسترش تشیع چه سودی برای او داشت؟ می گوید که شاه اسماعیل به این وسیله می توانست یک ایدئولوژی مذهبی پویا را به خدمت دولت جدید درآورد و به این ترتیب به دولت این قدرت را می داد که بر مشکلات اولیه چیره شود. این گزینش، تمایز آشکاری میان دولت صفویه و امپراتوری عثمانی پدید آورد و به این ترتیب به دولت صفوی هویت ارضی و سیاسی داد. (۲)

میشل فوکو (۳) نیز در سال ۱۹۷۸ م. به این نتیجه رسید:

در برابر قدرت های مستقر، تشیع پیروان خود را به نوعی بی قراری مدام مسلح می کند و در ایشان شوری می دمَد که هم سیاسی و هم دینی است. (۴)

ص: ۸۵

۱- [۱]. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ۱۳۷۴، چ ۴، ص ۲۹؛ منوچهر پارسا دوست، شاه اسماعیل اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۴۹۹.

۲- [۲]. ایران عصر صفوی، ص ۳۲.

۳- [۳]. Michel Foucault، فیلسوف نامدار فرانسوی که شهرت و اعتبار جهانی دارد. برای آگاهی بیشتر نک: رضا رمضان نرگسی، دغدغه های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران، مندرج در: آموزه کتاب هفتم، شرق شناسی نوین و انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.

۴- [۴]. میشل فوکو، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس، ۱۳۷۷، ص ۳۰.

به عبارت دیگر، تشیع ویژگی خاصی در پدید آوردن وحدت و هم‌بستگی اجتماعی دارد که نظیرش را شاید در هیچ مکتب دیگری نتوان یافت. مذهب تشیع، انقلاب اسلامی ایران را پدید آورد و توانست پیروان دیگر دین‌ها و مکتب‌ها را زیر پرچم خود گرد آورد و به آنها جهت دهد. میشل فوکو در این باره چنین نوشته است:

من چندین دانشجو را در میان جمعیت شناختم که با معیارهای ما چپی محسوب می‌شوند، اما روی تابلویی که خواسته‌هایشان را نوشته بودند و به هوا بلند کرده بودند، با حروف درشت نوشته شده بود: «حکومت اسلامی».^(۱)

مذهب تشیع در ایران کاری کرد که هیچ یک از مکتب‌های بشری نمی‌توانست آن را انجام دهد. به گفته میشل فوکو، «اراده جمعی» را تنها در ایران شیعی می‌توان دید:

اراده جمعی، اسطوره‌ای سیاسی است که حقوق‌دانان یا فیلسوفان تلاش می‌کنند به کمک آن، نهادها و غیره را تحلیل یا توجیه کنند، اراده جمعی یک ابزار نظری است؛ اراده جمعی را هرگز کسی ندیده است و خود من فکر می‌کردم که اراده جمعی مثل خدا یا روح است و هرگز کسی نمی‌تواند با آن روبه‌رو شود، اما ما در تهران و سراسر ایران با اراده جمعی یک ملت برخورد کرده ایم و باید به آن احترام بگذاریم؛ چون چنین چیزی همیشه روی نمی‌دهد. این اراده جمعی که در نظریه‌های ما همواره اراده‌ای کلی است، در ایران هدفی کاملاً روشن و معین را برای خود تعیین کرده و بدین گونه در تاریخ ظهور کرده است.^(۲)

اسلام شیعی در واقع خصوصیتی دارد که می‌تواند به خواست حکومت اسلامی رنگ و ویژه‌ای بدهد: نبود سلسله مراتب در میان روحانیت، استقلال روحانیان از یکدیگر و در عین حال وابستگی ایشان (حتی از نظر مالی) به مُریدان [خود]،

ص: ۸۶

۱- [۱]. همان، ص ۲۸.

۲- [۲]. همان، ص ۵۷.

اهمیت مرجعیت روحانی محض [در نزد مقلدان]، و نقشی که روحانی باید برای حفظ حامیان [و مریدان] خود ایفا کند که هم نقش راهنماست و نقش بازتاب. این از لحاظ سازمانی. از لحاظ اعتقادی هم این اصل که حقیقت با آخرین پیامبر کارش به پایان نمی رسد و بعد از محمد(ص) دور دیگری آغاز می شود که دور ناتمام امامانی است که با سخن خود، با سرمشقی که با زندگی خود می دهند، و با شهادت خود حامل نوری هستند که همواره یکی است... نوری که شریعت را که تنها برای این نیامده است که حفظ شود، بلکه معنایی باطنی دارد که باید به مرور زمان آشکار گردد، از درون روشن می کند. (۱)

اینجاست که پی می بریم با وجود آنکه شیعه در ابتدای سلسله صفویه در اقلیت بود، چگونه توانست از نظر سیاسی و انقلابی توانمند شود و افزون بر ایجاد وفاق اجتماعی میان ایرانیان، در برابر امپراتور توانای جهانی (عثمانی) بایستد.

نقش تشیع در هویت تاریخی ملت ایران

اشاره

مذهب تشیع، مهم ترین و محوری ترین عنصر هویت ساز ایرانیان است. این عنصر فروعی دارد که هر کدام از آنها در وفاق اجتماعی، نقشی محوری دارند که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

الف) تأیید مسئولان سیاسی جامعه به وسیله علما و مراجع تقلید

یکی از عنصرهای وفاق اجتماعی در ایران، تأیید حاکمان و مسئولان سیاسی جامعه، به وسیله عالمان و همکاری نزدیک با آنهاست. نمونه مثبت تاریخی آن را در دوره صفویه می توان دید. تا زمانی که همکاری نزدیکی میان عالمان و شاهان صفوی وجود داشت، همبستگی ایرانیان کم نظیر بود.

ص: ۸۷

از میانه قرن نهم هـ. ق تا پایان قرن یازدهم، در پی نیاز ایرانیان برای فراگیری ارزش ها و اندیشه های شیعی، عالمان لبنان به ایران سفر کردند. میرزا عبدالله افندی در کتاب _تحفه فیروزیه شجاعیه_ چنین می نویسد:

و لیکن چون چنان مجتهد و عالمی در آن اوقات در ایران نبوده و اکثر مؤمنان در اصول و فروع خود نادان بودند... شیخ علی کرکی خود از بلاد جبل عامل و دیار شام و عراق به ولایت ایران آمده... به جهت هر یک از شهرهای ولایت ایران، مرشد و معلم تعیین کرده، بلکه به هر ده و قصبه نیز و در هر مکانی به مناسب مردم آن به زبان معلمان از طلبه علم عربی لسان یا فارسی و ترکی زبان فرستاده، مردم هر ناحیه را به لغت خودشان به دین و آیین شیعه راهنمایی نموده، حلال و حرام مذهب حق را به مردم آموخته می کرده اند... (۱).

عالمان شیعی ایران نیز فرصت را غنیمت شمردند و از جنبش شیعی که صفویان علمدار آن بودند، حمایت کردند. (۲) بی... گمان، اعلام رسمیت تشیع از سوی شاه اسماعیل، نخستین گام و پذیرش دعوت شاه صفوی از سوی _محقق کرکی_ برای حضور در ایران، گام مهم دیگری است که در راه تقویت وفاق اجتماعی برداشته شد و تا پایان حکومت صفویان همچنان ادامه یافت. یکی از نویسندگان در توصیف وفاق اجتماعی که حاصل همکاری عالمان و شاهان صفوی بود، چنین می نویسد:

در آن وقت جماعت شیعه از هر گوشه و کناری از باب آهوان رم دیده بر دور آن معین مؤمنان بر پدر و مادر مهربان شیعیان از همه مکان خصوصاً بلاد ایران گرد آمدند و یکه یکه علمای شیعه در ایران به هم رسیدند و از آنکه... شاه تهماسب صفوی نیز جانشین پدر خود گردید... شیخ علی کرکی...

ص: ۸۸

۱- [۱]. میرزا عبدالله افندی، تحفه فیروزیه شجاعیه، ص ۱۶، به نقل از: رسول جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر هفتم، قم، دلیل، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۴۲.

۲- [۲]. صفویه در عرصه دین، فرهنگ، سیاست، ص ۲۵.

به ولایت ایران آمده و آخرالامر به اشفاقات شاهنشاهی سرافراز گشته و به فرموده آن دو پادشاه دین پناه، این پیشوای دین، خودش به جهت هر یک از شهرهای ولایت ایران، مرشد و معلم تعیین کرد... (۱).

مهم ترین عاملی که در همکاری میان عالمان و حاکمان سبب وفاق اجتماعی می شد، مسئله مشروعیت بخشی به حاکمان و افزایش اقتدار آنان بود. در مذهب تشیع عنوان شده است که در زمان غیبت، حکومت غیرفقیه، مشروعیت ندارد، ولی فقیه جامع الشرایط می تواند اجازه حکومت به غیر خود را صادر کند. در این صورت، حاکم از طرف فقیه، سمت نیابت خواهد داشت و با توجه به نواب عام بودن فقیهان جامع الشرایط از سوی امام زمان (عج)، حکومت نیز مشروعیت خواهد داشت. این امر در زمان صفویه رخ داد؛ زیرا از یک سو، شاهان صفوی، خود را شاه می خواندند، ولی پذیرش نسبی نیابت عام فقیهان و باور به ولایت عام مجتهدان و اینکه آنها به نمایندگی از فقیهان تنها به اوامر و نواهی آنان اقدام می کردند و از سوی دیگر، تجربه تلخ عالمان از چندین قرن دشمنی دولت ها با تشیع، سبب گشت عالمان و شاهان صفوی برای همکاری با یکدیگر، انگیزه بسیاری داشته باشند. رسول جعفریان_ در این باره می نویسد:

در تمام دوره صفوی، آموزه های فقهی و سیاسی شیعه این اصل را در میان مردم مطرح می کرد که قدرت اصلی از آن امام معصوم (ع) و سپس از آن فقیه است. در عین حال چه در قالب نظریه همکاری با سلطان عادل یا ستمگر و چه بر پایه این نظریه که سلطان، نایب فقیه باشد، غالب علمای

ص: ۸۹

۱- [۱]. تحفه فیروزیه شجاعیه، ص ۱۶، به نقل از: مقالات تاریخی، ص ۴۲.

شیعه با دولت همکاری می کردند، سمت هایی را عهده دار می شدند و برای دوام این دولت دعا می نمودند.^(۱)

از سوی دیگر، حمایت شاهان صفوی از تشیع به گونه ای بود که شعار اصلی آنان گسترش تشیع بود و برای گسترش شعائر شیعی در قالب برگزاری مراسم دینی، آبادانی بارگاه امامان، ساختن مسجد، توسعه نماز جمعه و واگذاری موقوفات به عالمان می کوشیدند. از این رو، دلیلی برای همکاری نکردن عالمان وجود نداشت.^(۲) شاردن_ در این باره می نویسد:

نکته قابل توجه اینکه... ایرانیان صادقانه فرمان های پادشاه خود را واجب الاطاعه می دانند و به رضا و رغبت فرمان می برند و به تحقیق می توان باور کرد مردم ایران مطیع ترین ملت ها نسبت به پادشاه خود می باشند. آنان چنین گمان می کنند... فرمان های آنان را... به شرط اینکه با احکام دین مبانیت نداشته باشد، به ناچار باید پذیرفت.^(۳)

نظر یک مسیحی بیگانه با فرهنگ مردم ایران را نمی توان پذیرفت، ولی می توان دریافت که در دوره صفوی، مردم ایران پیرو شاهان صفوی بودند و این پیروی تنها در سایه مشروعیت نسبی که صفویه در سایه همکاری با عالمان از آن برخوردار شده بودند، تأمین شده بود. با توجه به باور صفویان به ولایت فقیهان، واگذاری این مقام می توانست نقش ویژه ای در تقویت وفاق اجتماعی و توجیه ساختار حکومتی صفویان داشته باشد.

ص: ۹۰

۱- [۱]. صفویه در عرصه دین، سیاست، فرهنگ، ص ۱۳۵.

۲- [۲]. جان شاردن، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴، چ ۱، ج ۳، ص ۱۱۴۸.

۳- [۳]. همان.

حکم زیر که از شاه تهماسب، برای محقق کرکی صادر کرده، نشان‌دهنده نهایت فروتنی شاهان صفویه است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، حکم امام صادق (ع) است که أَنْظُرُوا إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا... واضح است که حکم مخالفت مجتهدین که حافظان شرع سید المرسلینند، با شرک در یک درجه است. پس هر که مخالف حکم خاتم المجتهدین، وارث علوم سید المرسلین نایب ائمه المعصومین... کند و در مکان متابعت نباشد، بی شایبه ملعون و مردود در این آستان ملک آشیان مطرود است و به سیاسات عظیمه و تأدیبات بلیغه مؤاخذه خواهد شد. (۱)

همین نوع همکاری در زمان شاه عباس صفوی با عالمانی چون شیخ بهایی و میرداماد به چشم می‌خورد. مهم‌ترین مقام های رسمی که در ساختار حکومتی صفویان به عالمان شیعه واگذار شد، عبارت بود از: مقام های شیخ الاسلامی، صدر، قاضی. (۲)

شاردن این مقام ها را چنین معرفی می‌کند:

صدر در کلیه موضوعاتی که با امور معنوی رابطه داشته باشد، اختیار تام دارد. همچنین بر همه امور موقوفات و چگونگی عمل ناظران شان نظارت می‌کند... شیخ الاسلام [پس از صدر عامه و صدر خاصه] سومین شخصیت

ص: ۹۱

۱- [۱]. میرزا محمدباقر خوانساری اصفهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۱هـ. ق، ج ۴، صص ۳۶۲ و ۳۶۳.

۲- [۲]. انگلبرت کمپفر، سفرنامه کمپفر، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران، نشر شرکت افست «سهامی عام»، ۱۳۶۰، چ ۲، صص ۱۲۲ و ۱۲۴.

مذهبی و قضایی است. شیخ الاسلام داور همه دعاوی مدنی و کلیه اختلافاتی است که به نوعی با قوانین مدنی پیوستگی دارد... (۱).

در آغاز دوره قاجار، فتح‌علی‌شاه بسیار کوشید خود را نماینده عالمان معرفی کند. در همین زمینه ضمن پاسخ به میرزا مهدی مجتهد که خواستار رفع محاصره مشهد شده بود، چنین می‌نویسد:

سلطنت ما به نیابت مجتهدین عهد و ما را به سعادت خدمت ائمه هادین، مهتدین، سعی و جهد است. (۲)

شیخ جعفر کاشف الغطا یکی از این عالمان شیعی، نظر خود را درباره حکومت و جنگ ایران و روس این گونه بیان می‌کند:

در صورت عدم حضور امام معصوم (ع) بر مجتهد واجب است که به جهاد دفاعی قیام کند و خود یا شخصی به اذن او فرماندهی و رهبری جنگ را به عهده گیرد.... اکنون که روس‌های پست به خاک مسلمانان هجوم آورده‌اند، بر همه اشخاص اهل تدبیر و سیاست و غیره واجب است که بجنگند و چون اذن گرفتن از مجتهد موافق احتیاط است، به سلطان بن سلطان بن خاقان، فتح‌علی‌شاه اذن می‌دهم که آنچه برای هزینه

ص: ۹۲

۱- [۱]. سفرنامه شوالیه شاردن، ج ۳، صص ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷.

۲- [۲]. حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۷۹، به نقل از: روضه الصفاى ناصرى، ۳۷۹/۹.

جنگ لازم است، تأمین کرده و بر همه لازم است که سلطان را اطاعت کنند.^(۱)

— کاشف الغطا، با اشاره به مشروعیت نداشتن ذاتی حکومت فتح‌علی شاه، او را تنها فرمانده جنگ می‌داند و از دیگران می‌گوید... خواهد که پیرو او باشند.

— شیخ جعفر نجفی— نیز به شاه اجازه سلطنت داده و او را نماینده خود معرفی کرده بود، مشروط به اینکه شاه در گروه‌های نظامی، مؤذنی قرار دهد و امام جماعتی در لشکر حضور یابد و هفته‌ای یک‌بار آنها را پند دهد.^(۲)

— میرزای قمی—، مجتهد شیعی دیگری است که ضمن تکریم شاه، وجه تکریم و احترام خود نسبت به او را این‌گونه بیان می‌کند:

عمده دل‌خوشی و مایه تسلی خود را وجود ذی‌جود سلطان اعظم و... می‌داند و این نه از برای تحصیل منصب و جاه است و نه به طمع جمع مال و رسیدن به نعمت و عیش و رفاه است، بلکه چون ایشان را دین‌پرور و شریعت‌گستر یافته...^(۳)

با وجود دوستی شیخ جعفر کاشف الغطا با فتح‌علی شاه و تقدیم کتابش به وی، هرگز حکومت او را حکومت اصیل اسلامی نمی‌دانست و نمی‌گذاشت شاه بدون تأیید عالمان، حکومت خود را مشروع بخواند.^(۴)

ص: ۹۳

۱- [۱]. کاشف الغطاء، جعفر بن خطر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه (مرکز انتشارات)، ۱۴۲۲هـ. ق، ۱۳۸۰، ص ۳۹۴، به نقل از: حسین علی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر: محمود صلواتی، تهران، کیهان، ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۴۹.

۲- [۲]. نقش روحانیت پیش رو در جنبش مشروطیت، ص ۷۸، به نقل از: قصص العلماء، ص ۱۴۱.

۳- [۳]. عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی اندیشه گران ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲، چ ۲، صص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۴- [۴]. همان، صص ۳۲۹ و ۳۳۰، به نقل از: کشف الغطاء، صص ۲۰۳ _ ۳۹۴.

شاید این امر، یکی از علل فراهم نشدن بستر وفاق ملی در زمان قاجاریه باشد. در زمان دیگر شاهان قاجار، نقش وفاق ملی کم‌رنگ‌تر شد. امتیازهای قاجاریه به غرب و شکل‌گیری مشروطه، اصل مشروعیت قاجاریه را زیر سؤال برد و وفاق اجتماعی آسیب دید. این امر سبب شد دولت ایران ناتوان شود و کشور آسیب‌های بسیاری ببیند.

(ب) احترام مسئولان حکومت به علما و حمایت از آنان

همکاری عالمان با شاهان، عامل مشروعیت‌بخشی به حکومت و فراهم شدن وفاق اجتماعی است. حال اگر این عامل به هر دلیلی نادیده گرفته شود و عالمان، حاکم را تأیید نکنند، باز می‌توان عامل دیگری را یافت که وفاق اجتماعی را پدید آورد. آن عامل، احترام به عالمان از سوی حاکمان است. در این صورت، مردم نیز با حاکمان همکاری می‌کنند و هم‌بستگی اجتماعی شکل می‌گیرد. نمونه‌هایی از این نوع وفاق اجتماعی در زمان صفویه و قاجاریه رخ داد.

یک _ عصر صفویه:

اقتدار عالمان در زمان شاه‌عباس، نسبت به زمان شاه‌تهماسب اندک بود، ولی شاه‌عباس به عالمان محترمانه می‌نگریست و عالمان بسیاری با او هم‌نشین و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. معروف‌ترین و اثرگذارترین عالمان این دوره، _ شیخ بهایی _، _ میرمحمد باقر داماد _ و _ ملا عبدالحسین کاشی _ هستند که بیشتر هم‌نشین او بودند. _ عالم آرای _ عباسی _ درباره شیخ بهایی چنین می‌نویسد:

فرید عصر و وحید دهر شیخ بهاء‌الدین محمد... از مشایخ عظام جبل عامل و در جمیع علوم و فنون به تخصیص فقه و تفسیر و حدیث و عربیت فاضل و

دانشمند بود... بعد از آنکه جناب شیخ [شیخ زین الدین، شهید ثانی] به جهت تشیع به دست رومیان به درجه شهادت رسید، مشارالیه از وطن مألوفه به جانب عجم آمده به عز مجالست مجلس بهشت آیین شاهی معزز گردید، منظور انظار عنایات گوناگون گشت. در اقامت نماز جمعه که بنا بر اختلافی... مدت های مدید متروک و مهجور بود، به سعی بلیغ به تقدیم رسانید. با جمعی کثیر از مؤمنین به آن اقدام می نمود. آخر منصب شیخ الاسلامی و تصدی شرعیات و حکومت به نیابت ممالک خراسان، عموماً در دارالسلطنه... اقدام می نمود. (۱)

قدرت مقام صدارت و شیخ الاسلامی عالمی مانند محقق کرکی به گونه ای بود که شاه تهماسب به محقق کرکی می گوید:

شما اصل و اساس حکومت هستید و به حکومت سزاوارترید؛ زیرا شما نایب امام زمان (عج) و من از عمال شما هستم که تنها به امر و نهی شما قیام می کنم. (۲)

شاه تهماسب با فرمانی که به امیران و وزیران خود می دهد، دست محقق کرکی را در عزل و نصب باز می گذارد. او چنین می گوید:

مقرر فرمودیم که سادات عظام و اشراف فخام و امرا و سایر ارکان دولت، مؤمی الیه را [محقق کرکی] مقتدا و پیشوای خود دانسته، در جمیع امور اطاعت و انقیاد به تقدیم رسانیده، آنچه بدان امر نماید، مأمور و آنچه نهی نماید، منهی بوده، هر کس را از متصدیان امور شرعیه ممالک محروسه و عساکر

ص: ۹۵

۱- [۱]. اسکندر بیگ منشی، عالم آرای عباسی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲- [۲]. روضات الجنات فی احوال العلماء السادات، ج ۴، ص ۳۶۱.

منصوره عزل نمایند، معزول و هر که را نصب نمایند، منصوب دانسته، در عزل و نصب مزبورین به سند دیگری محتاج ندانند. (۱)

شاه عباس به میرداماد نیز بسیار علاقه داشت و در سفرها از جمله زیارت عتبات عالیات و لشکرکشی ها، او را با خود می برد. (۲)

دو _ عصر قاجاریه

فتح علی شاه قاجار نیز چنین ویژگی داشت. احترام فوق العاده فتح علی شاه به عالمان سبب شد وفاق اجتماعی شکل بگیرد. _ حامد الگار _ درباره این دوره می نویسد:

از این پس سیاستی پایدار را می بینیم که علاقه مند به نفوذ روحانیت است و با انجام اعمال دینی در پی کسب تأیید آنان است و شفاعت آنان را می پذیرد. (۳)

در حقیقت، عالمان شیعه در این دوره، قدرت شاهان را نامشروع می دانستند، ولی آن را در طریقی می یافتند که خود می خواستند. البته طبیعی است که فتح علی شاه نیز سود خود را می جست و می توانست با حمایت عالمان و پیروان آنان، به گونه ای مشروعیت به دست آورد. _ عبدالهادی حائری _ در این باره چنین می نویسد:

دل بستگی فتح علی شاه به امور و شعائر مذهبی و نیاز وی به مشروعیت بخشیدن به حکومت دودمان قاجار خود به خود دوستی نزدیک وی با علما و سر نهادن بر بسیاری از خواسته های آنان را به همراه داشت.

ص: ۹۶

۱- [۱]. همان، ص ۳۶۴.

۲- [۲]. فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، چ ۵، ج ۳، ص ۸۸۵.

۳- [۳]. نقش روحانیت پیش رو در جنبش مشروطیت، ص ۷۸.

تاریخ‌نگاران آن دوره همه از بنیادگذاری و بازسازی بنیادهای مذهبی، آراستن زیارت گاه‌ها، زراندود ساختن گنبد امامان و امام‌زادگان در ایران و عتبات به وسیله فتح‌علی شاه سخن آورده‌اند.^(۱)

حامد الگار به کارهای مذهبی بسیار شاه برای راضی نگه‌داشتن عالمان اشاره می‌کند که کوتاه و گذرا آنها را برمی‌شماریم:^(۲)

اول _ واگذاری دادگاه‌های قضایی در امور شرعی به عالمان؛

دوم _ تزیین و تعمیر بارگاه امامان و امام‌زادگان و ساختن مسجد؛

سوم _ سفارش و تشویق به نوشتن کتاب‌های مذهبی؛

چهارم _ پذیرش شفاعت عالمان؛

پنجم _ اختصاص در آمد موقوفات به امور مذهبی؛

ششم _ همکاری عالمان با شاه در ماجرای جنگ‌های ایران و روس.

عاملی که بیش از دیگر عوامل، زمینه‌های همکاری عالمان شیعه را با شاهان در این دوره فراهم ساخت، تهدید خارجی بود. فتح‌علی شاه و جانشین وی، _عباس میرزا_ با پذیرش این همکاری توانستند از پشتوانه فتوای مراجع شیعه در جهاد با کافران بهره‌مند شوند.^(۳)

پس از مرگ فتح‌علی شاه، پیوند عالمان با شاهان قاجار تیره شد و وفاق اجتماعی آسیب دید. تقریباً از آغاز حکومت محمدشاه، رنجش‌های عالمان آغاز گشت و در یک روند صعودی، در نهضت مشروطه به اوج خود رسید. _جان فوران_ در این باره می‌نویسد:

ص: ۹۷

۱- [۱]. نخستین رویارویی اندیشه گران ایران، ص ۳۵۶.

۲- [۲]. نقش روحانیت پیش رو در جنبش مشروطیت، صص ۶۳-۷۱.

۳- [۳]. نخستین رویارویی اندیشه گران ایران، صص ۳۵۸-۳۶۲.

مناسبات دولت و روحانیت در طول سده نوزدهم (۱۱۷۹ - ۱۲۷۹) بین دو قطب همکاری و رویارویی در نوسان بوده است. اگرچه در این دوره نیز میان حکومت و علما، همکاری‌هایی وجود داشته است، اما به تدریج، در میان علما یک گرایش مخالف به وجود می‌آید. این گرایش به تدریج افزایش می‌یابد، به حدی که علما با مداخله در سیاست به صراحت از تکفیر شاه در صورت تغییر ندادن روش خود سخن می‌گویند و بالاخره با زیر سؤال بردن مشروعیت حکومت قاجار، زمینه‌های پیدایش نهضت تنباکو و بعداً عدالت‌خانه را فراهم می‌کنند.^(۱)

به دلیل دوری حاکمان با عالمان، اجرای تنباکو و نهضت مشروطه، شکل گرفت. این شکاف، سال‌های بسیاری جامعه را ملتهب نگه داشت و با پدید آمدن گسست‌های اجتماعی، آثار زیان‌بار فراوانی به جا گذاشت.

ج) دین‌داری حاکمان و جلوگیری از منکرات

وفاق اجتماعی با مشروعیت نظام پیوندی ناگسستنی دارد و از آنجا که ایرانیان، پیرو تشیع هستند، بهترین و تنها وسیله مشروعیت بخشی به نظام، نمایندگی از طرف فقیهان است. از این رو، یکی دیگر از عوامل وفاق اجتماعی، پای بندی مذهبی حاکمان سیاسی است.

این پای بندی را در تاریخ ایران، تنها در زمان صفویه می‌توان یافت و با مروری بر زندگی شاه تهماسب صفوی درمی‌یابیم که او در مقایسه با دیگر شاهان صفوی، در دوره سلطنت پنجاه ساله‌اش، به تشیع اعتقاد داشت و برای گسترش آن می‌کوشید. او از همان دوران جوانی به «توبه» روی آورد. در

ص: ۹۸

۱- [۱]. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، چ ۱، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

احسن التواریخ - چنین آمده است: «و اندر این سال [۹۳۹] شاه دین پناه از جمیع مناهی توبه کرد».^(۱)

شاه تهماسب در تذکره توبه خود را که آثار بسیاری داشت، به رؤیای صادقه ای نسبت می دهد که هنگام تشریف به زیارت امام رضا(ع) دیده است.^(۲) برخی نویسندگان این دگرگونی روحی را تحت تأثیر مرحوم محقق کرکی می دانند. احتمالاً پس از همین تحول روحی بود که فرمان‌های شاه درباره امر به معروف و نهی از منکر صادر شد. در احسن التواریخ - چنین آمده است:

فرمان همایون شرف نفاذ یافت که محتسبان آبروی پیاله و جام عقوبت انجام را ریخته، شیشه ناموس... ایشان را به سنگ افسوس زنند... اگر سرکشی کند، گردن او را نرم سازند، بلکه به حکم کُلِّ مُسْکِرٍ حَرَامٌ بوزه و بنگ (دو نوع ماده مخدر) و هر چه بینند، بیندازند. بی معنی گوی را اگر بی قانون شرع آواز کند، چون مغنی به زخم گوشمال، فریاد از نهاد او برآورند و چنگ بی ننگ را در کنار هر کس بینند، موی گیسوی ببرند... و مبلغ که از قمارخانه و شراب‌خانه و بیت‌اللطیف (فاحشه‌خانه) حاصل می شد، از دفتر اخراج نمودند.^(۳)

این نخستین فرمان شاه تهماسب درباره امر به معروف و نهی از منکر بود و پس از این، فرمان‌های بسیاری درباره امر به معروف و نهی از منکر صادر کرد.^(۴)

ص: ۹۹

۱- [۱]. حسن بیگ روملو، احسن التواریخ، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷، ص ۳۲۳.

۲- [۲]. تهماسب بن اسماعیل بن حیدری صفوی، تذکره شاه تهماسب، مقدمه: امرالله صفری، تهران، شرق، ۱۳۶۳، صص ۲۹ و ۳۰.

۳- [۳]. احسن التواریخ، ص ۳۲۳.

۴- [۴]. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، صص ۳۷۲-۳۸۱.

علايق ديني شاه‌عباس و تلاش‌هاي او براي گسترش مذهب تشيع به اندازه جدش، شاه تهماسب نبود، ولي همين کارهايش نيز در گسترش ارزش‌ها، هنجارها، مناسك و رسم‌هاي ديني اثرگذار بود. البته برخي شاهان از اين مسئله سوءاستفاده مي‌کردند و براي رسيدن به قدرت، خود را به دين پاي بند نشان مي‌دادند. براي نمونه، رضاخان پيش از آنکه به سلطنت برسد، خود را طرفدار دين معرفي کرد تا مردم از او حمايت کنند. او در اين راستا، پس از کودتاي سال ۱۲۲۹م. که فرمانده ديويزيون قزاق گشت، دو اعلاميه منتشر کرد که يکي از اعلاميه‌ها، داراي نه ماده بود که با جمله «من حکم مي‌کنم» آغاز شده بود. در اين اعلاميه چنين آمده است:

ماده ششم _ تمام مغازه‌هاي شراب‌فروشي و عرق‌فروشي، تئاتر و سينما، فتوگراف‌ها و کلوپ‌هاي قمار بايد بسته شود و هر که مست ديده شود، به محکمه نظامي جلب خواهد شد. (۱)

همچنين پس از شکست طرح جمهوري خواهي، در اعلاميه دولت که رضاخان صادر کرد، از عالمان تجليل شد و خود را پيرو عالمان و طرفدار حکومت اسلامي نشان داد. (۲) او در بخش‌هايي از اين بيانيه مي‌گويد:

ليکن از طرف ديگر چون يگانه مرام و مسلک شخصي من از اولين روز، حفظ و حراست عظمت اسلام و استقلال ايران و رعايت کامل مصالح مملکت بوده و هست... و چون من و کليه آحاد و افراد قشون از روز نخستين، محافظت و صيانت ابهت اسلام را يکي از بزرگ‌ترين وظيف و نصب العين خود قرار داده و همواره درصدد آن بوده ايم که اسلام روز به

ص: ۱۰۰

۱- [۱]. حسين مكي، تاريخ بيست ساله ايران، تهران، علمي، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲- [۲]. همان، صص ۵۴۶ و ۵۴۷.

روز رو به ترقی و تعالی گذاشته و احترام مقام روحانیت کاملاً رعایت و محفوظ گردد... (۱).

—حسن اعظام قدسی—، از رجال دوره رضاخان درباره تظاهر رضاخان به دین‌داری چنین می‌نویسد:

سردار سپه‌پس از موفقیت‌های فوق‌الذکر به فکر افتاد که حالا باید توجه مردم را به خود جلب و معتقد به خود نماید و بهترین راه هم اعمال مذهبی، خاصه عزاداری است که عامه طبقات متوجه خواهند گردید. من الاتفاق ماه محرم که عموم مردم مشغول عزاداری [هستند] و مجالس در تمام تهران دایر است. سردار سپه روز دهم محرم — عاشورا — دسته قزاق [را] با یک هیئت از صاحب منصبان در جلو و افراد با بیرق‌ها و کتل با نظم و تشکیلات مخصوص از قزاق‌خانه حرکت [کردند و از] میدان توپ‌خانه، خیابان ناصریه به بازار آمده، صاحب منصبان در جلو و جلوی آنها سردار سپه با یقه‌باز و روی سرش کلاه و غالب آنها به سرشان گِل زده بودند و پای برهنه وارد بازار شدند و دسته سینه‌زن از افراد، چند قدم ایستاده، نوحه‌خوان می‌خواند و افراد سینه می‌زدند.

پر واضح است که مشاهده این حال در مردم خوش‌باور خالی از تأثیر نبود و شخص وزیر جنگ از این پس بین عامه مردم یک شخص مذهبی و مخصوصاً پای‌بند به عزاداری که ایرانیان خیلی به آن علاقه مند می‌باشند، معرفی شده... بعضی از وعاظ و روضه‌خوان‌ها روی منابر از او

ص: ۱۰۱

تعریف و او را دعا می کردند. مردم از زن و مرد متوجه می شدند که وزیر جنگ به روضه می آید. (۱)

رضاخان کوشید با به کارگیری سفارش های لازم برای به دست آوردن وجهه مذهبی، به قدرت برسد. او برای رسیدن به هدف های خود و اجرای برنامه های بیگانگان، تظاهر به دیانت کرد، به گونه ای که بسیاری گمان می کردند رضاخان می ... خواهد حکومتی اسلامی پدید آورد. _ داوود امینی_ در این باره می نویسد:

رضاخان در ماه رمضان برای اینکه توجه مردم را به دین داری خود جلب کند، به روزه گرفتن فرمان داد و کارکنان سازمان های نظامی و انتظامی را به ادای فرایض مذهبی وادار کرد و حتی به منظور رعایت دقیق موازین شرعی، ناظر شرعیات تعیین کرد. (۲)

(د) نقش علما در قالب ولایت فقیه در وفاق اجتماعی

پیش از آنکه به اهمیت نقش ولایت فقیه در وفاق اجتماعی ایرانیان بپردازیم، لازم است تا به وضعیت تاریخی ولایت در ایران باستان بنگریم؛ زیرا ذهنیت تاریخی ملت، هویت واقعی آن ملت را شکل می دهد که در تمام مراحل تاریخ می تواند نقش اساسی ایفا کند.

یک _ وضعیت تاریخی ولایت در ایران باستان

فرهنگ و تمدن ایران، با شکل گیری دولت مادها و اقتدار آن در جهان باستان، پس از سرنگونی دولت آشوری، شکلی سیاسی _ روحانی یافت. در گذشته، برای

ص: ۱۰۲

۱- [۱]. حسن اعظام قدسی (اعظام الوزاره)، خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران، تهران، کارنگ، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۶۹۲ و ۶۹۳.

۲- [۲]. داوود امینی، چالش های روحانیت با رضاشاه، تهران، نشر سپاس، ۱۳۸۲، صص ۷۷ و ۷۸.

مشروعیت مقام پادشاهی، از «فره ایزدی» یاد می‌شد. فره (۱) در فارسی میانه به معنای لطف بی‌واسطه حق به انسان است. فره با نور و درخشندگی ارتباط دارد و به صورت هاله نوری بر گرد سر شهریاران و امشاسپندان و قدسیان است و به آنها قداست و عظمت معنوی می‌بخشد. (۲)

شیخ اشراق - شهاب‌الدین سهروردی - در رساله پرتونامه می‌گوید:

هر پادشاهی حکمت بداند و بر نیایش و تقدیس نورالانوار مداومت کند چنان که گفتیم او را فره کیانی بدهند و فره نورانی بخشدند و بارق الهی او را کسوت هیبت و بها بپوشاند، و رئیس طبیعی عالم شود، و او را از عالم اعلیٰ نصرت رسد و خواب و الهام او به کمال رسد. (۳)

در نگاه ایرانیان باستان، بر اساس نظریه «اصالت تفضیل» و «فره‌انگاری»، مبنای حقانیت ریاست و پیشوایی و ملاک صحت و مشروعیت آن، عقل و فهم مشترک همگانی و منقولات و ماثورات نیست، بلکه لطف و تفضیل ایزدی است و چنین انگاشته می‌شود که به حکمت محض الهی شامل حال برخی فرمانروایان می‌شود.

حکمت محض است اگر لطف جهان آفرین

منم گفت با فره ایزدی

خاص کند بنده ای مصلحت عالم را

همم شهریاری و همم موبدی

ص: ۱۰۳

۱- [۱]. Farah.

۲- [۲]. محمد مددپور، آیین فرهی شهریاری و دین‌داری از ایران باستان تا ایران اسلامی، مندرج در مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱، صص ۵۴ و ۵۵.

۳- [۳]. همان، ص ۵۵.

فره در حکمت معنوی باستانی ایرانی، به صورت هاله نورانی گرد سر به نمایش در می آید و از نظر وجودی نیز از سوی محل آفرینش فرشتگان و مکان جاویدانان و دین مزدیسنا، ظهور و به صورت فروهر (۱) جلوه می کند. (۲)

این مراتب، در حکمت معنوی ایران باستان، بنیاد حکمت نبوی و آیین شهریاری است. بر اساس همین مبنای نظری، عالم ایرانی، در گذر زمان، روحی ویژه یافت که نسبت به دیگر قوم‌ها و ملت‌های شرقی، لطیف تر و متعادل است. در این عالم، آدمی دو نسبت طولی و عرضی دارد. از طول با عالم بالا پیوند دارد و از عرض با عالم پایین. ذاتاً انسان از حقیقت ماورایی بهره مند است و مؤید به فروهر یا آنچه در دین‌های ابراهیمی، روح یا روح القدس می‌نامند و از آنجا نسبتی با خلق پیدا می کند که حق تصرف در آنها را می یابد. این مرتبه‌های معنوی چنان در روح قوم‌های ایرانی ریشه داشت که تا عصر حاضر استمرار یافته است.

تفکر فره‌اندیشانه، در دوره‌های گوناگون تاریخی حفظ شده و در عصرهای گوناگون، همانند دوره باستان، دوره اسلامی و دوران جدید، روح ایرانی جاودانه در جست‌وجوی فره و تفضل الهی بوده است. حتی در حیات دنیوی در پی بهشت گم شده بود. ولایت و حکمت نبوی و ولایی عصر اسلامی، استمرار همان معنای قدسی فره و نسبت طولی آیین فرهی است و جست... و جوی اساطیر ایران باستان یا بازگشت به هویت دینی در دو گرایش عصر جدید، به شکلی احیاکننده همان جهان به گونه ای دیگر است. هیچ گاه روح ایرانی،

ص: ۱۰۴

۱- [۱]. در زبان پهلوی، فروهر در اصل مرکب از دو جزء فره یا فرا، به معنای «پیش» و «هر» است که معنای پوشاندن و نگه... داری کردن و پناه بخشیدن است. زرتشتیان معتقدند که فروهر هر یک از آفریدگان نیک این گیتی را در جهان مینوی زیرین بیافرید و هر یک به نوبه خود برای نگه‌داری آن آفریده جهان خاکی فرو می فرستد و پس از مرگ آن آفریده فروهر او دیگر بار به سوی آسمان گراید و به همان پاکی ازلی بماند. (همان، ص ۵۶)

۲- [۲]. همان.

تسلیم جهان یونانی و دنیای مدرنیته از دوران ایلغار اسکندر تا ایلغار تمدن غربی نشد. (۱)

در ایران باستان، مفهوم فره و فروهر، هر دو به معنای شأن انسان کامل است. یکی، مرتبه پیامبری و خرد و دانش است و دیگری، مرتبه امارت و سیاست و رهبری و شهریاری. روح ایرانی با نوعی اندیشه طولی ولایی که با جهان بالا پیوند دارد و معرفت را امری اعطایی می‌پندارد و به گونه‌ای جهان بالا را با جهان پایین متصل می‌گرداند، شکل می‌گیرد.

دو - پیوند روح ایرانی با مفهوم ولایت الهی

با ورود اسلام به ایران، تفکر و آیین فره‌مزدایی، در ساحت شهریاری و دین‌داری و نمایندگی خلافت خداوندی (خلیفه الهی) در جهان اسلامی و دین و سنت و حیانی شرقی استمرار می‌یابد. خلافت الهی در اسلام با «ولایت» و «ولایت» نسبت دارد. دومی به معنای سیاست و حکومت و امامت مردم به سوی حق است؛ حقی که انسان در مرتبه ولایت بدان نزدیک می‌شود. روح‌القدس، چونان فره‌ایزدی، انبیا و اولیا را حمایت می‌کند. (۲)

بنابراین، روح ایرانی که در حقیقت هماهنگ با روح اسلامی بود، در شش قرن در فرهنگ‌های بیگانه نفوذ کرد. این نفوذ در عصر سلجوقی به اوج خود رسید و در عصر ایلخانی با توجه به فضای تسامح و تساهل ایجاد شده، توانست باطن خود را نشان دهد و با گرایش به مذهب تشیع، چهره واقعی خود را آشکار کند.

ص: ۱۰۵

۱- [۱]. همان، ص ۵۷.

۲- [۲]. همان، ص ۵۸.

در جهان جدید، ایران اسلامی نیز همانند جهان ایران باستان، سرنوشت انسان‌ها به دست انسان دیگری، مثل خودشان سپرده نمی‌شود (حتی اگر دارای بیشترین رأی باشد) و کسی همانند دیگران حق حکومت کردن بر مردم ندارد. آنچه سبب مشروعیت حکومت بر انسان‌ها می‌شود، اتصال به منبع وحی و خداوند است. تمام سلسله‌های پیش از صفویه که بر این ملت حکومت کردند، تنها بر اساس زور نظامی بوده و در میان مردم هیچ جایگاهی نداشتند و هیچ گاه مردم آنها را مشروع ندانستند و با رغبت احکام آنها را اجرا نکردند؛ در این میان، ایرانیان که دنبال حق و حقیقت بودند؛ با آشنایی با اسلام اصیل یعنی مذهب تشیع به راحتی بدان گردن نهادند و با وجود تنگناهایی که برای شیعیان وضع کرده بودند، گرایش مردم ایران به مذهب تشیع رشد صعودی داشته است. به گونه‌ای که تا پیش از صفویه، بیش از نیمی از مردم ایران بدان گرویده بودند. در تمام این قرن‌ها، شیعیان به حکم امامان معصوم (ع) گردن نهادند و در زمان غیبت بنا بر فرمایش امام معصوم (ع) از نواب عام آن حضرت پیروی کردند.

سه _ ولایت فقیه و وفاق اجتماعی

ایران و روح ایرانی هیچ گاه به دنیای نامقدس تعلق خاطر پیدا نکرد. شاهان صفوی با آنکه دولت شیعه تشکیل داده بودند، ولی تا زمانی که امضای فقیهان پای حکومت صفوی بود، وفاق اجتماعی بر جامعه ایران حاکم بود. زمانی که شاهان صفوی راه بی‌تقوایی را پیش گرفتند و رأی هوای نفسانی را بر نظر عالمان ترجیح دادند، مردم از آنها فاصله گرفتند و وفاق اجتماعی آسیب دید تا اینکه در زمان _سلطان حسین صفوی_، به پایین‌ترین درجه خود تنزل کرد.

ص: ۱۰۶

در ابتدای قرن حاضر نیز در نهضت مشروطه تا امضای علما و مراجع تقلید نجف زیر ورقه مشروطه قرار نگرفت، امر مشروطه پیش نرفت. زمانی که افراطیون مشروطه با اعدام شیخ - فضل الله نوری - و ترور سید - عبدالله بهبهانی - حضور عالمان را نادیده گرفتند، مشروطه نیز دفن شد و استبداد رضاخانی پدید آمد. در حقیقت، استبداد رضاخانی، نتیجه نهایت هرج و مرج ناشی از ضعف بیش از حد وفاق اجتماعی در دوره عصر مشروطه بود. در دو دوره حکومت پهلوی نیز وفاق اجتماعی در ایران، بسیار آسیب دید، به گونه‌ای که در حمله متفقان به ایران، مردم ایران به دولت کمک نکردند و ارتش رضاشاه نیز حتی یک روز نتوانست مقاومت کند.

۲. ملیت

به باور استاد مطهری برای ایجاد یک ملت؛ یعنی برای رسیدن به درد مشترک، طلب مشترک، آرمان مشترک و احساس جمعی، لازم است افراد آن ملت باید بتوانند این مقوله‌ها را در خود احساس کنند تا حالت «آرمانی و متعالی» برای آنها ایجاد شود. ایشان معتقد است:

این عوامل اساسی و جوهری وقتی در میان مردمی القا شد و احساس و وجدان مشترکی را پدید آورد، روح و زیربنای ملیت آماده می‌شود. این زیربنا نیازمند قالبی است که همان حدود و ثغور مادی، طبیعی و قراردادی یک ملت را می‌سازد. پاسداری از عوامل اساسی و جوهری مستلزم حفاظت و نگهداری قالب از دخالت و نفوذ بیگانه است. بیگانه‌ای که در جوهر با یک ملت اختلاف دارد و درد و داعیه او را نمی‌شناسد. (۱)

ص: ۱۰۷

۱- [۱]. خدمات متقابل ایران و اسلام، صص ۲۳ - ۲۶.

بنابراین، جا دارد مشخص شود شاهان صفوی برای ایجاد هم‌بستگی میان مردم و تشویق آنها در جهت هدف‌های خود روی چه عنصرهایی پافشاری کرده‌اند.

نقش ملیت در وفاق اجتماعی عهد صفوی

بی‌گمان، موفقیت شاه‌اسماعیل صفوی، مرهون عوامل گوناگونی بود که یکی از این عوامل، تکیه شاه‌اسماعیل روی ملیت بود. تقریباً همه در ایرانی بودن شاه‌اسماعیل اتفاق نظر دارند. «شیخ صفی و پدران‌ش تا آنجا که به راستی شناخته می‌باشند، از بومیان آذربایجان و زبان ایشان آذری می‌بوده و ترکی که شاه‌اسماعیل با آن شعر می‌سرود، بعداً در آن خاندان رواج یافته است»^(۱).

ایرانیان پس از اینکه دریافتند شاه‌اسماعیل نه به عنوان رئیس یک قبیله، بلکه به عنوان یک ایرانی^(۲) برای وحدت ملی و الغای سیطره خلافت سنی (عثمانی) می‌کوشد، با او همراه شدند و از آن به بعد شاهان صفوی را یاری کردند و شاهان صفوی نیز با احترام به ایرانیان در تحکیم هم‌بستگی ملی کوشیدند. پتروشفسکی^(۳) در کتاب «اسلام در ایران» می‌نویسد:

اگر قزلباشان از پشتیبانی توده‌های مردم به ویژه روستانشینان و صحرانشینان ایرانی برخوردار نمی‌گشتند، موفقیتی به‌دست نمی‌آوردند.^(۳)

راجر سیوری نیز از زنده شدن هویت ایرانی پس از قرن‌ها سخن گفته است:

ص: ۱۰۸

۱- [۱]. احمد کسروی، شیخ صفی و تبارش، بی‌جا، جار، بهمن ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ص ۴.

۲- [۲]. ایران عصر صفوی، ص ۲.

۳- [۳]. ایلیا پاولویچ پتروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۴، چ ۴، صص ۳۹۲ و ۳۹۳.

از زمان یزدگرد سوم... آخرین پادشاه ساسانی... به مدت ۸۵۰ سال، ایران از استقلال کامل سیاسی برخوردار نبود و تنها با تشکیل حکومت صفویان بود که هویت ملی ایران زنده شد.^(۱)

در طول این ۸۵۰ سال، خلافت سنی، ایران را به گونه ای تحقیرآمیز، عجم و تاجیک می نامید.^(۲) به طور کلی، شرق شناسان از صفویان به عنوان اولین دولت ملی ایران نام می برند.^(۳) والتر هینتس در کتاب «تشکیل دولت ملی در ایران» چنین می نویسد:

شاه اسماعیل پس از حدود ۹ قرن عدم حکومت ملی در ایران، توانست اولین حکومت ملی در ایران را تأسیس کند.^(۴)

«لرد استانلی» - آف الدرلی - نیز می نویسد:

[شاه اسماعیل] ایران پرهرج و مرج را وحدت بخشید و ملیت ایرانیان را احیا کرد.^(۵)

شاه اسماعیل به عنوان یک ایرانی از قزلباشان که بیشتر ترک بودند، استفاده ابزاری کرده و پس از تحکیم قدرت، خود را شاه نامید و به تدریج، قدرت را از قزلباشان ستاند و به ایرانیان سپرد. البته نقش ترکان آناتولی در تحقق هدف های شاه اسماعیل و اثرگذاری آنان در ساختار سیاسی - فرهنگی انکارناپذیر است، به گونه ای که ترکی مدت ها زبان دربار شاهان صفوی (نه

ص: ۱۰۹

۱- [۱]. ایران عصر صفوی، ص ۲.

۲- [۲]. نک: شاه اسماعیل اول، صص ۶۷۸ و ۶۷۹.

۳- [۳]. ای. پ. پتروشفسکی، تاریخ ایران در سده های میانه، ترجمه: سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران، دنیا، ۱۳۵۹، چ ۱، ص ۸۶.

۴- [۴]. والتر هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه: کیکاووس جهان داری، تهران، خوارزمی، چ ۱، ۱۳۶۱، ص ۸۸.

۵- [۵]. باربارو ژوزافا و دیگران، سفرنامه های ونیزیان در ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، چ ۱، ص ۱۵.

زبان اداری) بود. (۱) فرهنگ و اندیشه ترکمانان تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بود و سادات آل کیای گیلان در تربیت شاه... اسماعیل، نقش داشتند. (۲)

شمس الدین لاهیجی، یکی از عالمان شیعه لاهیجان، وظیفه تربیت و تعلیم شاه اسماعیل را برای سال های طولانی به عهده داشت. بی گمان، لاهیجی توانست در شخصیت شاگرد خود اثر بگذارد. لاهیجی همان شخصی است که پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل، به مقام صدارت رسید. او شخصیتی شیعی و جزو شاگردان و مریدان فقیه معروف، شیخ احمد بن فهد حلی بود. (۳)

در واقع، رهبری سیاسی که قزلباشان آسیای صغیر و شام و همچنین قوم ایرانی تالش را سازمان دهی کرد، شاه اسماعیل ایرانی بود و ایرانی بودن او یکی از ویژگی هایی بود که سبب شد ایرانیان با آرامش خاطر، او را بپذیرند و چنان که پتروشفسکی تصریح می کند، اگر ایرانیان از او حمایت نمی کردند، جنبش موفق نمی شد. جالب این است که سلطان بایزید، پادشاه عثمانی در نامه هایی که به شاه اسماعیل می نویسد، به این نکته ظریف اشاره می کند. او در نامه ای چنین می نویسد:

ایرانیان نیز ملتی بوده و هستند که تا پادشاه از نجبا و از خودشان نباشد، به میل، انقیاد و اطاعت نمی کنند و می خواهند که پادشاه آنها در یکی از پایتخت های ایران، ساکن شده، خود را ایرانی بشناسد. (۴)

ص: ۱۱۰

۱- [۱]. صفویه از ظهور تا زوال، ص ۲۲.

۲- [۲]. میشل مزاولی، م، پیدایش دولت صفوی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۸، چ ۱، ص ۲۱.

۳- [۳]. ه. ر. رویمر، تاریخ ایران، دوره صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۵.

۴- [۴]. شاه اسماعیل اول (بخش ضمایم)، ص ۸۱۵.

شاه اسماعیل هنگامی که در پانزده سالگی به سلطنت رسید، حسین بیگ — شاملو — را که از مردم شام بود، به سمت امیرالامرای برگزید و وی را پس از شش سال از مقام وکالت که حکم نیابت سلطنت را داشت، عزل کرد و این مقام را که بالاترین مقام سیاسی پس از پادشاه بود و همه امیران قزلباش و مقام های درباری پیرو آن بودند، به امیرنجم رشتی سپرد و این روش تا پایان عمر شاه ادامه یافت. همچنین شاه اسماعیل برخی مقام های مهم کشوری و لشکری را که قزلباشان مجبور به اطاعت از آن مقام ها بودند، به ایرانیان واگذار کرد. (۱)

اینکه بخشی از قدرت به قزلباشان واگذار شد، برای آن بود که آنان شاه را در روزگار کودکی پناه داده بودند و بر این اساس، شاه اسماعیل از نظر عاطفی، خود را مدیون آنان می دانست. البته به دلیل مصلحت سیاسی و نظامی، شاه می خواست با اعطای قدرت به قزلباشان، آنها را همچنان به عنوان بازوی نظامی خود که البته در آن هنگام بی بدیل بود، حفظ کند. شاه... عباس پس از یافتن جانشینی مطمئن که آنها را نیروی سوم می نامند، قدرت قزلباشان را به شدت کاهش داد. بنابراین، نقش ترکان آناتولی را می توان ابزاری و موقت دانست. ایرانی بودن شاه اسماعیل و دیگر شاهان صفوی و گرایش متقابل آنها و ایرانیان سبب شد تا پس از رسیدن به قدرت، به رسم شاهان ایرانی، خود را شاهنشاه ایران بخوانند (۲) و برخی مظاهر تمدن ایران باستان را تبلیغ و ترویج کنند که به برخی از آنان اشاره می شود:

۱. جشن نوروز که هر سال برگزار می شد؛

ص: ۱۱۱

۱- [۱]. ایران عصر صفوی، ص ۳۵.

۲- [۲]. تاریخ ایران در سده های میانه، ص ۳۹۲.

۲. جشن آب پاشان که گفته می شود میان شاهان قدیم ایرانی رواج داشته است؛

۳. آیین سپند که رسمی در دوره باستان بوده است؛^(۱)

۴. چوگان بازی.^(۲)

«عامل مهم دیگری که شاه اسماعیل را مصمم به واگذاری مقام و کالت به امیر نجم رشتی کرد، علاقه رو به تزاید او به ایران و ایرانی بود. ولایت هایی را که او تصرف می کرد، جزو خاک ایران بود. پس از پیروزی های اولیه، افراد بیشتری علاوه بر ساکنان تالش از کردان و لران به سپاهیان او پیوستند و بخش قابل توجهی از سپاه او را تشکیل دادند و او نیز خود را شاه ایران می دانست و خود را به رسم شاهان پیشین ایران، شاهنشاه خواند. او به شاهنامه فردوسی علاقه داشت و به فارسی نیز شعر می گفت. او در کلیه سال ها، نوروز عید باستانی ایران را جشن گرفت... از پنج پسر خود نام چهار نفر آنان را تهماسب، بهرام، سام و رستم گذاشت که همه آنها نام های ایرانی بودند».^(۳)

با تقویت ملیت ایرانی، به تدریج قدرت از دست قزلباشان خارج شد، به گونه ای که در دوره شاه عباس، نقش مهمی نداشتند.^(۴) پتروشفسکی در این باره بر این باور است:

شاه به خاطر تحکیم قدرت مرکزی به طرف مأموران کشوری گرایش پیدا کرد، مأمورانی که ذکر کردیم تماماً از مردم فارس زبان بودند. نقش رهبری کننده سیاسی در دولت در وابستگی به این نکته از دست عنصر

ص: ۱۱۲

۱- [۱]. صفویه از ظهور تا زوال، ص ۲۳۵.

۲- [۲]. نصرالله فلسفی، شاه عباس اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، چ ۵، ج ۱ و ۲، صص ۶۹۱ _ ۶۹۷.

۳- [۳]. شاه اسماعیل اول، ص ۶۰۷.

۴- [۴]. سفرنامه پیترو دلاواله، ص ۳۵۰.

کوچ نشین ترک _ آذربایجانی به دست عنصر اسکان یافته ایرانی رسید. وزیر _ حاتم بیک اردوبادی دستیار اصلی شاه عباس اول بود. شاه اسماعیل اول با حمایت از عنصر ایرانی برای رشد نیروهای مولده ولایت های ایرانی دولت و پیش از همه، ولایت مرکزی، عراق عجم و شهر عمده آن اصفهان.... می کوشید. (۱)

پیترو دلاواله نیز در سفرنامه خود چنین می نویسد:

شاه برای اتفاقاتی که در گذشته روی داده است، نه تنها با خویشاوندها، بلکه با تمام قزلباشان سخت کینه می ورزد و تا حد امکان قدرت را از دست آنها گرفته است. (۲)

ص: ۱۱۳

۱- [۱]. تاریخ ایران در سده های میانه؛ ص ۹۸.

۲- [۲]. سفرنامه پیترو دلاواله ، ص ۳۵۰.

امروزه رسانه های گروهی (۱) نقش حساس و سرنوشت سازی در تضعیف یا تقویت وفاق اجتماعی هر جامعه ای دارد. رسانه های گروهی می توانند با فرهنگ سازی و تقویت یا تضعیف برخی هنجارها، ارزش ها و باورها، نوعی هم بستگی اجتماعی را برای رابطه مردم با مردم و پیوند مردم با حکومت و نظام سیاسی پدید آورند یا به وفاق آسیب برسانند. امریکایی ها در زمینه اثرگذاری فرهنگی بر مردم و فرهنگ سازی و گسترش ارزش های خود، از راه وسایل ارتباط جمعی و تولید فیلم های سینمایی، بیش از دیگر کشورها موفق بوده اند. پژوهش های اخیر نشان می دهد که حتی در کشورهای اروپایی نیز فیلم های امریکایی، تماشاگران بسیاری دارد. این کار که با شعار جهانی سازی انجام می شود، می تواند نوعی احساس تعلق نسبت به دولت مردان امریکایی در میان ملت های دنیا به وجود آورد، به گونه ای که بسیاری از مردم دیگر

ص: ۱۱۴

کشورها به جای آنکه به حکومت خود، علاقه‌مند بوده و پاسبان منافع خود باشند، به شعارهای سازمان‌های بین‌المللی توجه می‌کنند. با گسترش تلویزیون و ماهواره و سازمان‌دهی ساختار تلویزیونی در همه کشورها، از جمله جهان سوم، این اثرگذاری فرهنگی گسترش یافت. تامسون^(۱) در کتاب «انتقال» فرهنگی یا امپریالیسم الکترونیکی^(۱) نشان می‌دهد که چگونه اثرگذاری برنامه‌های تلویزیونی امریکایی بر تلویزیون‌های اروپا در حال گسترش است. قدرت صدا و سیما به اندازه... ای است که به تدریج، اعضای جامعه به جای دریافت اطلاعات آموزنده و فعال شدن قدرت تفکر آنها، آرام آرام منفعل می‌شوند و در حقیقت، رسانه‌های گروهی برای سرنوشت مردم تصمیم خواهند گرفت.^(۲) اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی در زمینه هم‌بستگی و وفاق اجتماعی، کوتاه‌مدت و بلندمدت است. پی‌آمدهای کوتاه‌مدت در قالب الگوی محرک^(۳) پاسخ بحث می‌شود. رسانه‌های جمعی می‌توانند حالت احساسی مخاطبان خود را تغییر دهند. رسانه ممکن است «اثر انگاره‌سازی» یا «اثر اطلاعاتی» داشته باشد که به آن، یادگیری از راه تماشا گفته می‌شود. در واقع، این نوع اثر، واکنش مقلدانه است و اطلاعات مربوط به رفتاری را ارائه می‌کند که برخی مخاطبان، خواهان پیروی از آن هستند. پی‌آمدهای بلندمدت شامل حساسیت زدایی یا حساسیت زایی است^(۳) که با گسترش برخی ارزش‌ها، وفاق اجتماعی را بین مردم نهادینه می‌کند یا از شدت آن می‌کاهد. برای نمونه، صدا و سیما می‌تواند در زمینه رواج آداب برادری آن‌گونه که اسلام می‌خواهد، فعالیت و در فیلم‌ها و سریال‌ها، مهربانی و حسن معاشرت یا

ص: ۱۱۵

۱- [۱]. Thomse n, ۱۹۸۹: Cultural Transfer or Electronic Imperialism .

۲- [۲]. نک: فرامرز رفیع‌پور، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، تهران، کتاب‌فرا، ۱۳۷۸، صص ۵ و ۸.

۳- [۳]. نک: جمعی از نویسندگان، خشونت و جامعه، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، سفیر، ۱۳۷۹، صص ۳۲۶ و ۳۲۹.

محسنات همکاری را بیان کند یا برعکس، بداخلاقی، بدزبانی، تک‌روی و خودپسندی را مطرح سازد.

بنابراین، نقش صدا و سیما در زمینه وفاق اجتماعی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا گستردگی مخاطبان صدا و سیما بیش از هر رسانه دیگری است و این گستردگی مخاطبان، مسئولیت این رسانه را سنگین می‌کند.

نقد و عملکرد رسانه در زمینه وفاق اجتماعی

یکی از مسائل مهم برای رسانه های گروهی، آگاه شدن از مقدار علاقه مندی مردم به برنامه های ساخته شده و شمار مخاطبان هر برنامه و همچنین سنجش میزان اثرگذاری برنامه ها در تغییر یا حفظ ارزش های اجتماعی است. بنابراین، درباره بررسی عملکرد رسانه به ویژه تلویزیون معمولاً از بینندگان نظرسنجی می‌کنند تا دریابند برنامه ها چقدر مطلوب بوده است.

باید در نظر داشت که ارزیابی بینندگان هرگز برای بررسی و ارزیابی اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی برای تغییر ارزش ها و فرهنگ یک جامعه قابل اعتماد نیست؛ زیرا بینندگان به طور عام، قدرت تشخیص ارزش های صالح برای یک نظام اجتماعی سالم را ندارند و در صورتی که ارزیابی ارزش ها به بینندگان واگذار شود، هرکس مایل است آنچه از آن بیشتر لذت می‌برد، به ارزشی فراگیر تبدیل شود.

افراد به نتیجه رفتار خود نمی‌اندیشند و هواهای نفسانی و منافع فردی برایشان بسیار مهم است. چه بسا منافع فردی افراد آسیب جبران‌ناپذیری به وفاق اجتماعی وارد سازد و سبب از هم گسیختگی اجتماعی شود. همواره افرادی بوده اند که به دلیل جلب منافع بیشتر برای ملت‌های بیگانه جاسوسی

کرده و زیان‌های جبران‌ناپذیری به کشور خود وارد ساخته‌اند که خانواده اردشیرجی (۱) نمونه‌ای از این دست است.

شیوه ارزیابی برنامه‌ها در کشور ما درست نیست؛ زیرا بر اساس این روش نیز نظام ارزشی جامعه تغییر می‌کند (۲) و آموزه‌های خاصی رواج می‌یابد.

ممکن است صدا و سیما در زمینه وفاق اجتماعی به سازمان‌های جهانی و افکار عمومی دنیا، توجه و در تبلیغ بسیاری از عوامل وفاق اجتماعی کوتاهی کند. یکی از عوامل اصلی وفاق اجتماعی، تأکید بر آموزه‌های مکتب تشیع است. رسانه‌های ما نباید برای حفظ وحدت مسلمانان، از برخی اصول تشیع کوتاه بیایند که پی‌آمدهایی منفی دارد.

پیشنادهای کلان

برای اهمیت موضوع، برنامه ریزان باید هدف‌مند وارد صحنه شوند و برای اهداف زیر آگاهانه تلاش کنند:

۱. برای ایجاد وفاق اجتماعی میان مردم با تبلیغ روحیه همکاری و برادری و مسلمان‌دوستی و تولی و تبری؛

۲. تبلیغ برای فرهنگ انتظار و تبلیغ داستان‌های زندگی ائمه (ع)؛

۳. گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر؛

ص: ۱۱۷

۱- [۱]. وی در سال‌های طولانی حضور در ایران، در بسیاری از دگرگونی‌ها و رخداد‌های سرنوشت‌ساز، حضور جدی و فعال داشت. شرکت در راه‌اندازی لژ بیداری ایران، حضور در نشست‌های انجمن‌های پنهانی عصر مشروطه، زمینه‌سازی تحصن در سفارت انگلستان، گسترش گرایش به بهائیت در میان زرتشتیان (که سبب شد زرتشتیان ایران اعتراض کنند)، نفوذ در نیروی قزاق و گزینش و هدایت رضاخان میرپنج برای انجام کودتا و کمک به او برای رسیدن به سلطنت، گوشه‌ای از کارهای اردشیرجی بود که عمق اثرگذاری و نفوذ این جاسوس کهنه‌کار را در دگرگونی‌های سیاسی ایران آشکار می‌سازد. در سال‌های بعد، جای خالی وی با حضور فرزندش، شاپورجی پرشد و او نیز مانند پدر در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران، نقش داشت. اردشیرجی، مجری سیاست لابی صهیونیستی قدرت‌مندی بود که در رأس هیئت دولت انگلستان و حکومت هند بریتانیا قرار داشت.

۲- [۲]. نک: وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌ها، صص ۹ و ۱۰.

۴. ترسیم مرزهای خودی و غیرخودی؛

۵. نمایش نمادهای اسلامی در فیلم‌ها و تبلیغ آنها، همانند نماز خواندن بازیگران و حساسیت آنها نسبت به جشن‌ها و عزاداری‌ها.

این موارد باید به صورت نامحسوس، لابه‌لای برنامه‌ها پخش شود؛ زیرا یکی از موردهایی که تلویزیون می‌تواند اثر مهمی بگذارد، بهره‌مندی از محرک‌های نامحسوس است. پژوهش‌ها در زمینه ادراک و روان‌شناسی نشان داده‌اند که اگر مقدار اندک و نامحسوسی از محرکی به انسان منتقل شود، انسان آن محرک را درک نمی‌کند. از این اندیشه در وسایل ارتباط جمعی و تبلیغات استفاده می‌شود، به گونه‌ای که بسیاری از محرک‌ها (۱) و یادگیری‌ها زیر مرز ادراک و وقوف به مخاطب منتقل می‌شود. از این قانون می‌توان در ارائه تصویری زشت یا زیبا از یک شخصیت یا یک اخلاق و حتی یک گروه سود جست.

پیام هم‌بستگی را می‌توان در فیلم‌ها و سریال‌ها گنجانده، به گونه‌ای که موضوع فیلم، وفاق اجتماعی نباشد، ولی در ضمن داستان به موردهایی همانند لزوم همکاری در کارهای خیر، بدی همکاری با شرور، لزوم پیروی از ولایت فقیه پرداخت مسئله دیگر سانسور است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود. باید جلو پخش برنامه‌هایی را که به وفاق اجتماعی آسیب می‌رساند یا آموزه‌های تشیع را زیر سؤال می‌برد و سبب درگیری فرقه‌ای و تعصب‌های قومی می‌شود، گرفته و به خبرهایی که چنین پی‌آمدهایی دارد، اجازه پخش نداد.

پرسش‌های مردمی

۱. چه کار کنیم که مردم با هم مهربان باشند؟

۲. صدا و سیما چگونه می‌تواند در ایجاد محبت و هم‌بستگی موفق باشد؟

ص: ۱۱۸

۱- [۱]. Stimulus.

۲. آیا برنامه های طنز سبب دشمنی میان اعضای خانواده نمی شود؟

۳. فیلم های سینمایی موجود سبب همبستگی و وفاق جمعی می شود یا به همبستگی آسیب می رساند؟

پرسش های کارشناسی

الف) تاریخی

۱. ایرانی ها در طول حیات خود با چهار بحران بزرگ روبه رو بودند که هر کدام می توانست وفاق اجتماعی و هویت ایرانی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. برخورد ایرانی ها با هر کدام از این بحران ها متفاوت بوده است. در بحران عربی، ایرانی ها اسلام را پذیرفتند، ولی در برخورد با بحران غربی، پس از گذشت دو بیست سال، هنوز مفاهیم غربی را نپذیرفته اند. این تفاوت ناشی از چیست؟ چرا ایرانی ها در برابر تمدن اسلام از خود نرمی نشان دادند، ولی در برابر تمدن غرب مقاومت می کنند؟

۲. چرا پس از اسلام، وفاق جمعی در میان ملت ایران شکل نگرفت و ملت مستقل با حاکمیت سیاسی مستقل در قرن های نخست پدید نیامد؟

۳. چگونه در ایران که دین ها و قوم های گوناگون وجود دارند و در دوره هایی نیز حاکم بودند، تشیع در هویت بخشی به ایرانیان نقش داشت؟

۴. چرا ایرانیان آیین شیعه را برگزیدند؟

۵. پیوند مفهوم «نظریه ملیت» و «خلافت» با وفاق اجتماعی چگونه است؟

۶. آیا اکنون نمی توان کسانی را یافت که فارسی زبان نیستند، ولی ایرانی اند؟

ب) حقوقی

۱. اگر تشیع را مبنای هویت ایرانی و وفاق اجتماعی در ایران بدانیم، اقلیت ها چه وضعیتی دارند؟

۱. آیا اقلیت ها و اهل سنت، شهروند درجه دوم خواهند بود؟

(ج) جامعه شناختی

۱. در طول تاریخ، ایران، سرزمینی گسترده بوده است. از این رو، زبان و تشیع چگونه می تواند معرف هویت های ملی باشد؟

۲. آیا شیعه شدن در شکل گیری ملیت اثر دارد؟

۳. چه کنیم که اقلیت های دینی، به اندازه شیعیان به هم بستگی ملی بیندیشند؟

۴. آیا تأکید بر عامل تشیع سبب جنگ داخلی شیعه و سنی نمی شود؟

۵. چه اشکالی دارد که به جای تأکید بر عامل تشیع که وجود دارد و نیازی به تبلیغ نیست، دیگر عوامل همانند زبان مشترک پرچم، نژاد، باستان گرایی، رسم های باستانی را گسترش دهیم؟

(د) روان شناسی

۱. آیا احساس تعلق خاطر نسبت به دیگران با امر به معروف و نهی از منکر که لازمه آن خشونت است، سازگار است؟

۲. آیا خط کشی دور خود و پدید آوردن دایره خودی و غیر خودی سبب کینه توزی و پراکنندگی نمی شود؟

ص: ۱۲۰

□ قرآن کریم.

□ نهج البلاغه، صبحی صالح و فیض الاسلام.

۱. آزاد ارمکی، تقی، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۲. آوینی، سید مرتضی، آغازی بر یک پایان، تهران، ساقی، ۱۳۷۸.

۳. ابن بابویه، محمد، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲.

۴. ابن خلدون، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.

۵. ادیب، محمدحسین، الروابط الاجتماعیه فی الاسلام، تهران، مکتبه النینوی الحدیثیه، ۱۹۶۳ م.

۶. اسپناقچی پاشازاده، محمدعارف، انقلاب الإسلام بین الخواص و العوام، به کوشش: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۷. امینی، داوود، چالش های روحانیت با رضاشاه، تهران، سپاسی، ۱۳۸۲.

۸. امینی، محمدحسین، الغدیر، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۳.

۹. باربارو جوزافا و دیگران، سفرنامه های ونیزیان در ایران، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۴۹.

۱۰. براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه: ابراهیم مقدادی، تهران، مروارید، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۱۱. بشیریه، حسین، انقلاب و بسیج اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۱۲. بیانی، خان بابا، تاریخ نظامی ایران، جنگ های دوره صفویه، تهران، چاپخانه ارتش، بی تا.

۱۳. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

پارسادوست، منوچهر، شاه اسماعیل اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول،

۱۵. پتروشفسکی، ای. پ. ، _تاریخ ایران در سده های میانه_، ترجمه: سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران، انتشارات دنیا، چاپ اول، ۱۳۵۹.

۱۶. _اسلام در ایران_، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴.

۱۷. ترنر، جان اتان اچ. ، _پیدایش نظریه جامعه شناسی_، ترجمه: عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۸. تنهایی، ابوالحسن، _درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی_، تهران، مرنديز، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۹. جانسون، چالمرز، _تحول انقلابی_، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۲۰. جعفریان، رسول، _مقالات تاریخی_ (دفتر هفتم)، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۱. _____، _____، _تاریخ ایران اسلامی_، (_____ دفتر سوم: از یورش مغولان تا زوال)؛ تهران، مؤسسه فرهنگی و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۲. _____، _____، _صفویه از ظهور تا زوال_، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۳. _____، _____، _صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست_، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، بی تا.

۲۴. جمعی از نویسندگان، _خشونت و جامعه_، ترجمه: اصغر افتخاری، بی جا، سفیر، ۱۳۷۹.

۲۵. چلبی، مسعود، _وفاق اجتماعی_، فصل نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، بهار ۱۳۷۲.

۲۶. _____، _____، _جامعه شناسی نظم_، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۵۷.

۲۷. حویزی، عبدعلی، _تفسیر نورالثقلین_، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۲.

۲۸. دلّواله، پیترو، _سفرنامه پیترو دلّواله_، ترجمه: شجاع الدین شفا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۲۹. دهخدا، علی اکبر، _لغت نامه دهخدا_، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۵.

۳۰. دورکیم، امیل، _درباره تقسیم کار اجتماعی_، ترجمه: باقر پرهام، بابل، نشر کتاب سرای بابل، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۳۱. ربانی، رسول، _جامعه شناسی جوانان_، تهران، آوای نور، ۱۳۸۰.

۳۲. رمضان نرگسی، رضا، _دغدغه های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران_، مندرج در: آموزه کتاب هفتم، شرق شناسی نوین و انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.

ص: ۱۲۲

طوسی، نصیرالدین، _اخلاق ناصری_، به کوشش: مجتبی مینوی و علی رضا حیدری،

ص: ۱۲۳

۴۷. تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۴۸. یعقوبی، عبدالرسول، عوامل تقویت و تهدیدگر هم‌بستگی در ایران، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳.
۴۹. حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی اندیشه گران ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۵۰. آمدی، عبدالواحد، شرح غرالحکم، ترجمه: محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
۵۱. فارابی، ابونصر، فصول^۱ منتزعه^۲ (عربی)، بیروت، دارالمشرق، چاپ دوم، ۱۹۸۶م.
۵۲. _____، کتاب آراء اهل المدینه الفاضله^۳ (عربی)، بیروت، دارالمشرق، چاپ ششم، ۱۹۹۱م.
۵۳. فاروق، سومر، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، چاپ اول، جامی، ۱۳۸۰.
۵۵. فلسفی، نصرالله، شاه عباس اول، تهران، انتشارات علمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
۵۶. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۵۷. فوکو، میشل، ایرانیان چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس، ۱۳۷۷.
۵۸. قدسی، حسن اعظام (اعظام الوزاره)، خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران، تهران، کارنگ، ۱۳۷۹.
۵۹. کتاب مقدس، عهد عتیق، انجمن پخش کتب مقدس، بی‌جا، ۱۹۸۷م = ۱۳۶۶ش.
۶۰. کسروی، احمد، شیخ صفی و تبارش، تهران، بهمن، ۲۵۳۵.
۶۱. کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران، نشر شرکت افست «سهامی عام»، چاپ دوم، ۱۳۶۰.
۶۲. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۶۳. کوهن، آلون استانفورد، تئوری‌های انقلاب، ترجمه: علی‌رضا طیب، تهران، قومس، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۶۴. الگار، حامد، نقش روحانیت پیش‌رو در جنبش مشروطیت، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، توس، چاپ اول، ۱۳۵۵.
۶۵. گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران، تهران، مازیار، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۶۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، اسلامیه، ۱۴۰هـ.ق.

۶۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲هـ.ق.

۶۴. مددپور، محمد، آیین فرهنگی شهرداری و دین‌داری از ایران باستان تا ایران اسلامی، مندرج در: مؤلفه‌های هویت ملی در ایران (مجموعه مقالات)، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.

۶۵. مزای. م، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۶۶. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن (۷)، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶۷. آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هشتم، قم، ۱۳۷۷.

۶۸. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۲.

۶۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.

۷۰. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

۷۱. منتظری، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر: محمود صلواتی، تهران، کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۷۲. منشی (ترکمان)، اسکندر بیگ، عالم آرای عباسی، تهران، نشر دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۷۳. موسوی خوانساری اصفهانی، میرزا محمد باقر، روضات الجنات فی احوال العلما السادات، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۶.

۷۴. نجفی، موسی، تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان، تهران، ۱۳۸۵، مندرج در سایت [۱] <http://www.korsi.ir>.

۷۵. _____، مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، تهران، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.

۷۶. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، تهران، حکمت، ۱۴۱۴هـ.ق.

۷۷. رفیع پور، فرامرز، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، تهران، کتاب فرا، ۱۳۷۸.

۷۸. هینتس، والتر، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۷۹. وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۱.

:Links

<http://www.korsi.ir> [۱]

ص: ۱۲۵

۸۴. ورسلی، پیتز، _نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی_، ترجمه: سعید معیدفر، تهران، مؤسسه انتشاراتی تیان، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۸۵. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، _من لا یحضره الفقیه_، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷هـ.ق.

۸۶. الحر العاملی، محمد بن حسن، _وسائل_ الشیعہ، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲هـ.ق.

۸۷. صدوق، _ثواب الاعمال و عقاب الاعمال_، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۴۰۸هـ.ق = ۱۳۶۶ش.

۸۸. امام علی (ع)، _نهج البلاغه_، نسخه صبحی صالح، انتشارات دارالهجره، بی تا.

۸۹. تمیمی، عبدالواحد، _شرح غررالحکم_، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۹۰. نراقی، محمد مهدی، _جامع السعادات_، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۳هـ.ق = ۱۹۶۳م.

۹۱. خوانساری اصفهانی، محمدباقر، _روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات_، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۱هـ.ق.

A.S Hornby, OXFORD ADVANCE LEARNER'S DICTIONARY. OF SOLIDARITY, Fifth. ۹۲
edition, Entry ۱۹۹۸.

B. Bhushan, DICTIONARY OF SOCIOLOGY Reprint ۱۹۹۲. ۹۳

Allan G. Johnson Theblackwell, DICTIONARY OF SOCIOLOGY, first published ۱۹۹۵. ۹۴

Gould And kolb A DICTIONARY OF THE SOCIAL SCIENCE first published in Britania. ۹۵
in ۱۹۶۴.

.Chalmers Johnson, REVOLUTIONARY CHANGE, P Boston, ۱۹۶۶. ۹۶

.Thomsen, CULTURAL TRANSFER OR ELECTRONIC IMPERIALISM, ۱۹۸۹. ۹۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

